

## مقدمه:

لزوم احیای ارزش‌های بافت‌های تاریخی از دیرباز مورد توجه بوده و کشورهای پیشرفته جهان با اجرای برنامه‌ها و دستورالعمل‌های خاص، به رونق بافت‌ها و نواحی باارزش قدیمی خود همت گماشته و هویت فرهنگی گذشته خود را دوباره زنده کرده‌اند.

امر احیا و حفاظت از بافت‌های باارزش تاریخی از اجزای پیکره فرهنگی جامعه به شمار می‌آید و تحقق آن به فعالیتهای فرهنگی مداوم نیاز دارد، زیرا میراث تاریخی تبلور فرهنگ گذشته و صیانت آینده هر جامعه است. در این نوشتار سعی شده تا با تأکید بر بهسازی و مناسب‌سازی محیط‌های شهری طی برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به نقش سازنده سازمانهای ذیربط اشاره شود، تا با روشن شدن مسئولیتهای مرتبط و همکاری‌های مستمر آنها کار احیای ارزش‌های تاریخی (که در این گفتار بیشتر تأکید بر احیا و مرمت بافت‌ها و بناهای باارزش است)، در چارچوب ضوابط و دیوان سالاری متداول و دست و پاگیر دستخوش مشکل و معضل نشود.

بدون شک، نقش و مشارکت مردم در امر بازسازی و احیای ارزش‌ها اهمیت خاصی داشته و بدون مشارکت مردم امر بازسازی موفق نخواهد بود و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را طلب می‌کند. چنانچه در امر بازسازی خود مردم

شریک و همراه باشند. اجرای برنامه‌ها سریع‌تر به نتیجه می‌رسد، تجربه جهانی نشان می‌دهد که هرچه مردم به ارزش این آثار آگاه باشند در اجرای برنامه‌ها سریع‌تر به نتیجه می‌رسد جهت احیا و نگهداری آن بیشتر می‌کوشند. در واقع، هسته تاریخی شهرها و بافت‌های با ارزش علاوه بر محتویا فرهنگی و معنوی خود به منزله سرمایه‌های عظیم اقتصادی شمرده می‌شوند و در این سرمایه مردم شریک و سهام‌اند و مشارکت آنها می‌تواند امر بازسازی را به نتایج چشمگیری هدایت کند.

احیا و هویت بخشیدن به آثار باارزش باعث رونق و پویایی گذشته خواهد شد. لازم است دولت به سرمایه‌گذاریهایی لازم همراه با مشارکت مردم همت گمارده تا ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دوباره در هسته تاریخی شهرها زنده و فعال شوند. باید گفت که در روند تنوع‌بخشی و تجدید سازمان در این مکان‌ها باید چنان عمل شود که هویت و اصالت آنها از دست نرود. در این مقاله، سعی شده رابطه فرهنگ، میراث تاریخی و احیای ارزش‌های گذشته و تجدید حیات و امر بهسازی مناسب‌سازی محیط و ارزش‌های اقتصادی مورد بحث قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی:

صیانت فرهنگ معماری، محیط مصنوع، ضرایب مستور، توسعه درون شهری، هویت بخشی، سیاستهای فراگیر. پیشینه حفاظت آثار تاریخی و میراث فرهنگی به بیش از پانصد سال پیش از میلاد مسیح باز می گردد داریوش شاه در کتیبه ای از آیندگان می خواهد که آنچه را او برجای نهاده است تخریب نکنند. کتیبه هایی نیز به عنوان نمونه های دیگر در ستونهای کاخ آپادانا در تخت جمشید، برای اطلاع آیندگان از احوال، حفظ آثار و شرایط فرهنگی و آداب و رسوم و زندگی مردم آن زمان در اعماق دو متری زمین یافت شده است.

در دوران گذشته، اعتقاد و باورهای مردم، نگهداری و حفظ بناها و آثار باارزش را تضمین می کرده است. روشهای گوناگونی در زمینه نگهداری آثار تجربه شده است، یکی از این روشها، فرهنگ وقف است که روش های آن در وقف نامه ها آمده است. نخستین تکلیفی که برای متولی در این وقف نامه ها منعکس شده، همانا حفاظت، نگهداری و مرمت مورد بحث است.

### رابطه فرهنگ و میراث تاریخی

میراث تاریخی، در واقع صورت ظاهری کالبدی فرهنگ است، فرهنگ رکن و اساس هر جامعه پیشرفته را تشکیل می دهد چنان چه فرهنگ در

جامعه گسترش یافت، میراث آن نیز حفظ خواهد شد. در صورتی که جامعه ای به اصل پیشرفت فرهنگ آن توجه نداشته باشد، آحاد آن جامعه نمی‌توانند ارزش‌های خود را باور کنند و نگهداری و مرمت و ارزش‌های بافتها و آثار خود را جدی نمی‌گیرند و اعتقادی هم به آن نخواهند داشت. توجه کشورهای پیشرفته به حفاظت از آثار خود، نشانه رشد فرهنگی و ارج نهادن به میراث کهن و نهایتاً احیا و مرمت آثار باارزش است. در این رهگذر، ارزش‌های پر دامنه نهفته در بطن میراث فرهنگی کشف می‌شود و آگاهی و رهیافت‌های ارزش‌های علمی و فرهنگی به شناخت این ارزش‌های نهفته و پایدار در میراث تاریخ منجر خواهد شد.

به این ترتیب، بهره‌وری فرهنگی کارآمد از فضاهای احیا شده، با توجه به مراتب اجتماعی شهروندان می‌توانند محیط‌ها و فضاهای شهری را زنده و پویا کند و جان و روح دوباره در کالبد آنها بدمد. برگشت علاقه و دلبستگی شهروندان به فرهنگ و فضاهای باارزش شهری سبب می‌شود که هویت مکانی و اجتماعی دوباره زنده شود. در این صورت است که با رشد فرهنگ و اعتقاد و باورهای مردم، آمادگی برای احیا و مرمت شتاب می‌گیرد و نوآوری از دل جامعه جوانه خواهد زد. لاجرم، احیا و مرمت توسعه درون شهری در

بافت‌های باارزش، به جلب سرمایه و ایجاد تحرک اقتصادی و رویکرد جهانگردان و پژوهشگران به کشور خواهد انجامید.

### پیشینه تاریخی

از دهه 1960 ارزش محیط‌های سنتی به گونه‌ای فزاینده در تقابل با محیط‌های نوگرا باز شناخته شد، در این میان، به خصوص شناخت مشخصه‌ها و کیفیت‌های محیط مصنوع و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی آن به خوبی نمایان شد که این توجه، سرانجام به هواداری از حفاظت محیط‌زیست و فعالیت در این حوزه انجامید. در این امتداد گرایش فزاینده‌ای نیز در محدوده‌های زیستگاهی نسبت به مرمت در مقابله با تخریب شکل گرفت.

به واسطه این‌گونه مرمت‌ها در محله‌ها، در کنار پرداختن به مرمت مسکن به جای تخریب از نوساختن آن، بحث‌های اقتصادی همزمان نیز در گرفت. سیر این تحول تاریخی به این‌جا کشید که ارزش‌های معماری باید حفظ شوند. در هر حال وقتی صحبت از تک بناها مطرح باشد، آنها باید حفظ شوند و چنانچه بر سر هسته کامل بافت‌های باارزش شهری باشد، باید جمله آنها به طور کامل حفاظت و بهسازی شوند. در این ارتباط، کسانی نیز نظیر

جان راسکین و ویلیام موریس و هنرمندان و صاحبانظران دیگری، به تشکیل جمعیت حفاظت از بافتها و بناهای تاریخی اقدام کردند، از سوی دیگر، در منشور آتن نیز در نگهداری و صیانت ارزشهای تاریخی تأکید شده و در پی آن، پایهگذاران منشور آتن و کنگره سیام در چارچوب تاکیدها و مفاد منشور آتن، فعالیت و اقدامات مهمی را انجام دادند که از آن جمله می شود فعالیتها و نظرهای لکوروبوزیه را برشمرد.

#### احیای ارزشها و جلوههای گذشته.

برای احیا و نگهداری ارزشهای گذشته، باید آنها را شناخت و در فهم ضرایب مستور این جلوه های وصف ناشدنی کوشید، زیرا معماری هر مرز و بومی بی گمان پاسخ منطقی و کارکردی به طبیعت و اقلیم آن دیار است. در همه دوره ها آسایش و تضاد مطرح بوده است. حضور عوامل آسایشزا در چارچوب معماری، جلوههای معمارانه یافته اند معماری از حضور باد برای تأمین آسایش بهره برده است. می توان به کمک جلوهها و مشخصه های معماری کهن، ویژگی های بصوری را به عنوان شاخصه های چشمگیر نام برد. نور، چشم انداز، جهت و مقیاس تناسبات جملگی از جلوه های شگفت انگیز معماری با ارزش گذشته به شمار می آیند. جلوههایی که تداوم یافته و روحی در کالبد معماری نامیده اند تا جان بگیرد و خلاقیت و هویت وصف ناشدنی

خود را تکرار کند. این همان هویت خاص متفاوت معماری ایران است. طبعاً این تفاوت‌ها زائیده نوع ادراک معمار از مسئله و توانایی او در ارائه پاسخ است، وقتی طراح پل خاجو عبور ساده از روی آب را به یک سمفونی فضایی تبدیل می‌کند. عمق دریافت و توانایی عرضه حداکثر جمال، جلال و کمال در اثر خویش است و جالب این است که این کار را با طعمی ایرانی انجام می‌دهد که از راه غور در ساختمان‌های گوناگون روح و فرهنگ ایرانی مشاهده می‌گردد، غور در ادبیات، مشق چشم با آثار، مانوس شدن با نواها، تعمق در خلیات و هر تلاش دیگری که امکان چنین حضوری را فراهم نماید تواند بود. بزرگترین مشخصه معماری ایرانی، ایرانی بودن آن است و برای ایرانی بودن باید عمیقاً و تنها ایرانی بود.

### توسعه درون شهری و تجدید حیات

در کشورهای پیشرفته، توسعه درون شهری و احیا و توجه به بافت‌های تاریخی، پیشینه‌ای بس طولانی دارد. در این رهگذر، طرح‌ها و آرای منطقی همیشه وجود داشته و به طور مستمر بحث و نظریه‌های گوناگون ارائه شده است، که زمان، عامل اصلی اجرای این‌گونه اقدامات در ارتباط با طرح‌ها است، و نقش اساسی و مهمی را ایفا می‌کند. زمان اجرای چنین طرحهایی در بافت‌های قدیمی نباید به درازا کشیده شود، چرا که متوقف شدن کار در

چنین محیط‌هایی به دلسردی و سرخوردگی مردم و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در آن می‌انجامد. هرچه کار سریع‌تر به ثمر بنشیند آغاز مراحل بعدی باعث استقبال بیشتر و دلگرمی مردم به امر مشارکت و نوسازی خواهد شد.

تنوع‌بخشی کارکردی و تجدید سازمان در حیات شهری بافت‌های تاریخی باید در زمینه تسهیلات و تنوع‌پذیری چشم‌اندازها به مکانی جذاب تبدیل شوند، که در روند آن، بازده سرمایه‌گذاری به طور قطعی تأمین و راه برای برنامه‌ریزی و استمرار حیات بافت‌های تاریخی خود هموار شود.

شناخت عملکردها و کشف و احیای ضرایب مستور در بناها و بافت‌های تاریخی، خود مستلزم دانایی و تحقیق و تجربه‌ای است که لزوم توجه و آگاهی به آن در بازسازی و نوسازی پروژه‌های مرمتی حائز اهمیت است. بدون شناخت و کشف این اصول، هر گونه تغییری در عملکردها به بیراهه کشاندن فرهنگ و آداب و رسوم، و حیات زندگی گذشتگان است. شناخت ارزش‌های فرهنگی و بررسی ویژگی‌های آن به منظور ملاحظات مرمتی و احیا با حفظ هویت فرهنگی بافت، مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و ارایه راه‌حل‌های فراگیر پایدار و مستمر در احیای بافت‌های باارزش است تلاش در جهت احیا در محله‌های تاریخی شهری باید در چارچوب بافت و محیطی حساس صورت پذیرد، تا



واکنش های مثبت خود را بروز دهند. در این صورت فرآیندهای حفاظت،  
سیانت و بهسازی محله های تاریخی در روند تجدید حیات خود به محیطی  
سرزنده و فعال و پویا تبدیل می شوند.

تفاهم و همسویی نظرهای مردم و مسئولان به توفیق برنامه های مرمتی  
کمک مؤثری می کنند، اگر این توفیق دست دهد راه برای ادامه مرمت  
بافت های قدیمی شهر و توسعه پایدار آن هموار خواهد شد.

### بهسازی و مناسب سازی محیط

مهمترین ضرورت توجه به سیمای کالبدی بافت های تاریخی، توجه به  
فرسودگی روزافزون آن است که جلوگیری از تداوم این روند، تدوین برنامه ها  
و طرح های ضربتی و عاجلی را طلب می کند، تا از تهدیدهای زیست محیطی  
و نابودی آن جلوگیری شود. هرگاه به سرعت به مناسب سازی محیط پرداخته  
و به شرایط زندگی امروز توجه نشود. محیط های تاریخی و باارزش به  
فضاهای خالی از سکنه و بی روح و بی ثمر تبدیل خواهند شد. حاصل این گونه  
بی توجهی سوق دادن این محیط در جهت تبدیل آن به محله های ناامن،  
فاسد و خالی از سکنه است. ضرورت های اجتماعی محلی در بهسازی بافت  
قدیم عمدتاً ناشی از تخلیه تدریجی محل از ساکنان قدیمی، و مهاجرت اقشار

اجتماعی اصیل مناطق قدیمی و جایگزینی آنها با مهاجرین کم درآمد است که فاقد هر گونه وابستگی به این مناطق هستند. از سوی دیگر، پیشگیری از بروز و گسترش انواع بزهکاریهای اجتماعی و واگذاری بافت‌های قدیمی به فعالیت‌های خاص و رده پایین، باعث کاستن ارزشهای فرهنگی نهفته در آن شده است. بررسی دلایل نارضایتی از زندگی در بافت قدیم، نشان می‌دهد که علت اصلی نامطلوب بودن بافت تاریخی علاوه بر فقدان دسترسی و خدمات لازم و مناسب، وجود و حضور بزهکاران و معتادان نیز از عوامل مهم بوده اند. باید گفت که اقدام به بهسازی در بافت‌های باارزش و واجد پیشینه‌های تاریخی، چنانچه به صورت کلی و همه‌سو نگر در زمینه برنامه‌ریزی سازمان فضایی آن و هم‌گام و هماهنگ با بقیه ارکان پیرامونی‌اش، صورت نگیرد و فقط بصورت مقطعی و موضعی به آن نگریسته شود، به نتیجه جامع و پایداری نخواهد انجامید. بافت قدیم، به صورت زنجیروار با فعالیت‌ها و عملکردهای همجواری همساز است، و از نظام سلسله مراتب عملکردی فضاهای شهری پیروی می‌کند. در برنامه‌ریزی احیای بافت‌های قدیمی، باید به دو برنامه کوتاه و بلندمدت توجه کرد. برای احیای بافت قدیمی، اقدام به نگهداری و جلوگیری از تأثیر عوامل فرسایش و ویرانگر آن، در اولویت نخست یا کوتاه‌مدت قرار می‌گیرد. در برنامه‌های بلندمدت که سیر و روند کار احیا

و بازسازی مطابق برنامه‌ها و نیازهای نواحی به فضاهای لازم و ضروری تعیین می‌شود و سیمای آتی را رقم می‌زند، بهتر است به صورت محرمانه انجام پذیرد تا با عوامل تخریب‌گر مالکین در جهت ازبین بردن ارزشهای فرهنگی بناها مواجه نشود. سازمان اجرایی محدوده طرح باید در زمینه مسائل حقوقی کلیه سازمان‌ها و تشکیلاتی که مستقیماً با بافت تاریخی ارتباط پیدا می‌کنند، آنها را با برنامه‌های خود مطلع کنند و نمایندگان از آنها را به منظور همکاری در سیر و روند احیا و نوسازی سهیم و شریک کند. کلیه سازمان‌های دولتی، نظیر وزارت نیرو، مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها و سایر نیروها را برای به کار انداختن سازوکارهای لازم و کاستن از روند طولانی دیوان سالاری مبتلابه و دست و پاگیر امر توسعه همکاری دعوت کنند.

### سیاست‌های فراگیر و مشارکت مردم

بنابراین، برای حفظ و تقویت هویت موجود و مدد رساندن به ایجاد هویتی جدید، ضروری است که شهرها سیاست‌های فراگیر را برای وجوه حیاتی چشم‌انداز شهری خود تدوین کنند. میراث‌های قدیمی و یادمان گذشته را احیا کنند و در تقویت و نگهداری آنها بکوشند. بناهای تاریخی شهرها یادآور فرهنگ تمدن‌های شهری گذشته‌اند و حفاظت از تک تک بناها

یا مجموعه بناهای مهم برای حفظ تداوم بصری و اجتماعی شهرهایمان امری حیاتی است. این میراث عظیم فرهنگی منشاء الهام راهیابی به حل مشکلات بازسازی تاریخی خواهد بود که با شناخت فرهنگ غنی به آنچه که میراث پربها و با ارزش گذشتگان است دسترسی می‌یابیم و با رقه‌های امید و حیات زنده و پویای مجددی را در آنها زنده کنیم. توفیقات و هویت بافتهای تاریخی گذشته را که ماحصل آن ارتباط نزدیک و تفاهم بین مردم، پژوهشگران و مدیریت شهری یا نظام بوده دوباره احیا کنیم. در این مورد ایفای نقش و مشارکت مردم بارز است و به عنوان عامل اصلی حصول موفقیت، در نهایت احیای بافتها و بناهای تاریخی را در پی خواهد داشت. در این راستا، حفاظت و احیای بناها و بافت‌های باارزش قدیمی به کاربری‌های جدید تبدیل می‌شود و فعالیت مناسب آنها با حیات جدید و روزمره انطباق پیدا می‌کند.

بی‌گمان احیای بافت و حفاظت از آثار تاریخی، با چشم‌پوشی از این که نحوه مشارکت فعال مردم را طلب می‌کند. از آنجا که موضوع و مقوله‌ای ملی است، دولت باید کمک‌های ضروری و سرمایه‌گذاری‌های اساسی خود را در این حوزه تحقق بخشد و یارانه‌های لازم را در اختیار این بخش قرار دهد. نمی‌توان از مردم انتظار داشت که تمام هزینه‌ها را پرداخت کند و این هزینه در واقع باید از محل اعتبارات ملی پرداخت شوند تا بعد از احیا شدن

بافت‌های تاریخی، مردم محیط نو و فعال خود را حفظ کنند و در چارچوب چنین روشی است که انگیزه کار و مشارکت مستمر برای مردم میسر می‌شود. در واقع احیای بافتهای قدیمی قدرت متمرکز می‌خواهد که به طور اصولی و منطقی برنامه‌ریزی و طراحی شوند و قدم اول را به عنوان شروع کار بردارد و مقدمات مشارکت و سهیم شدن مردم را در این برنامه‌ها پیشنهاد نماید. و ضمن آگاهی دادن به روشن کردن مسائل و تشویق مردم، انگیزه همکاری و همفکری را در مردم ایجاد نماید.»

می‌دانیم که تنها بافتی که دستاوردهای قرن‌ها معماری و شهرسازی و فرهنگ در آن گنجیده شده بافتهای تاریخی شهرهاست. منطقه تاریخی و بافت‌های باارزش شهرها بسیار در خور توجه و دارای ویژگی خاصی است. این امر گستردگی معیارهای وسیع مداخله در امر حل مشکلات را ترسیم و تعیین می‌کند، که بخشی از آن مشارکت عظیم مردم ساکن را می‌طلبد. تجربه دنیا و کشور ما نیز نشان داده که هرچه مردم ارزش این آثار را عمیق‌تر درک کند کوشند، و هرچه مسئولان با این ارزش‌ها و کیفیت آنها آشناتر باشند و بپذیرند که این هم بخشی از فعالیت‌های عمرانی و اسای است، طبعاً در برپایی و نگهداری آن توفیق بیشتری خواهند داشت. افراد با فضاهایی که

در آن زندگی می کنند رابطه فرهنگی برقرار می کنند. بنابراین، امر احیا و حفاظت پدیده‌های فرهنگی است و تحقق آن نیاز به فعالیتهای فرهنگی دارد.

### ارزش‌های اقتصادی و هویت‌بخشی

بناها و هسته‌های قدیمی و شهرهای سنتی علاوه بر محتوای فرهنگی و معنوی خود، به منزله سرمایه های عظیم اقتصادی نیز تلقی می‌شوند و تبلور تلاش‌های مادی و معنوی مردم در طول تاریخ به حساب می‌آیند. در این ارتباط بناها و بافتهای واجد ارزش، تنها یک موزه کالبدی نیست، بلکه مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر می گیرد. سرشت اساسی کالبدی با مجموعه‌های باارزش دیرین، شکل‌گیری هماهنگ، مداوم، پیوسته و یکپارچه آن در گذر زمان است. متأسفانه، در حال حاضر بافتهای باارزش کارایی لازم را در برابر شکل زندگی امروز ندارند و به همین جهت روزه روز فرسوده تر و از کارافتاده تر می‌شوند.

یکی از دلایل عمده‌ای که باعث می‌شود بافتهای شهرهای بسیاری هویت خود را شتابان از دست بدهند، ناتوانی آنها در اتخاذ و به کار بستن سیاست‌های بصری یکدست بوده است. به عناصر مهمی چون ساختمانهای بلند اجازه داده می شود تا بی‌هیچ دلیلی در شهرها سر برآورند و در اغلب

موارد ویژگی‌های زیبای موجود در حفظ آسمان را از شکل بیاندازند. آشفتگی در سیاست‌گذاری و فقدان سیاست‌های قاطع در مورد ساختمان‌های تاریخی، به وارد آمدن ضایعات غیرقابل جبران پردامنه‌ای به بناهای تاریخی و حتی کل بافت با ارزش تاریخی انجامیده است. اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های هماهنگ و کارآمد، به هویت از دست رفت بافت‌های تاریخی کمک خواهد کرد تا روش و پویایی گذشته خود را بدست آورند.

حفاظت ارزش‌های تاریخی پیشینه بس طولانی دارد و در طول زمان برای احیای این آثار تمهیدات و دستورالعمل‌هایی مطابق با شرایط زمان و مکان اندیشیده شده است. میراث تاریخی، تبلور فرهنگی گذشته و صیانت آینده هر جامعه است. پیشگامان معماری جهان برای حفظ و احیای ارزش‌های تاریخی و فرهنگی از دیرباز با برگزاری همایش‌ها و هم‌اندیشی‌ها تلاش کردند تا قوانین و بیانیه‌هایی را برای حفظ ارزش‌ها، وضع و تدوین کنند. باید در نظر داشت که توسعه درون شهری و احیای بافت‌های تاریخی نباید به طول انجامد، زیرا در غیر این صورت به دلسردی و سرخوردگی ساکنان می‌انجامد. کلیه ابنیه بافت‌های کهن همساز با شرایط اقلیمی و طبیعی ساخته شده‌اند و پاسخگوی منطقی و کارکردی نیازها به بهترین وجه بوده‌اند. در

روند تنوع بخشی و تجدید سازمان بافت های باارزش، باید چنان عمل شود که این بافت ها هویت و اصالت خود را از دست ندهند. هم سو بودن با آرای مردم به توفیق برنامه های مرمتی و توسعه پایدار مرمت شهری کمک موثری می کند. بهسازی باید با محیط پیرامون هم گام و هماهنگ باشد، و باید توجه داشت که بافت قدیم از نظام سلسله مراتب فضاها پیروی می کند. باید احیا و باز زنده سازی بافت های قدیمی را در طی برنامه های کوتاه مدت اجرا کرد.

لازم است دولت در حوزه احیای بافت های باارزش سرمایه گذاری کند و برای این کار یارانه ها و تسهیلات لازم را از هر جهت فراهم آورد، تا هزینه های جانبی بر دوش مردم نیفتد. در ضمن باید برنامه های تشویقی به منظور ایجاد انگیزه های همکاری و همفکری با مردم را نیز در نظر بگیرد. باید از تجربه های کشورهای پیشرفته بهترین و بیشترین بهره را گرفت و به ارزشهای اقتصادی و اجتماعی در بافت نیز باید توجه کافی کرد، چراکه صرفاً نباید شکل کالبدی مورد نظر باشد. بی کمان بازده اقتصادی بافت های باارزش عدم از کارافتادگی و فرسودگی بافت های تاریخی را تضمین می کند.

باز زنده سازی استخوان بندی بافت کهن (دلایل انتخاب پروژه):



توجه به ساختارهای کهن شهرهای قدیمی، حفظ، احیاء و ساماندهی شالوده های بنیادین آن می تواند به تداوم حیات یک شهر کمک نماید. استخوان بندی شهر چارچوب اصلی گسترده شهر بوده و بافت شهری به مثابه پر کننده ها این ساختمان اصلی را در بر می گیرد. احیاء استخوان بندی اصلی می تواند به حفظ کل این پیکره منجر شود حتی اگر بافت شهری کهن نیازمند تخریب و بازسازی مجدد باشد چنانچه سازه های بر پا دارنده شهر حفظ و احیاء شود، ادامه حیات شهر کهن تضمین بیشتری خواهد داشت. روش احیاء و باززنده سازی بافتهای قدیم به مدد احیاء و بازسازی استخوان بندی اصلی شهر، بر این دیدگاه استوار است که امر حفاظت و مرمت در بافتهای قدیم به عنوان مقوله ای شهرسازانه تلقی شود و به صورت احیاء و فعال ساختن یک رشته فضاها، ابنیه و عملکردها در نظر گرفته می شود. در این روش اقدامات احیاء بافت قدیم می تواند با رشد و توسعه بقیه شهر پیوند یابد.

برای دستیابی به چنین اهدافی باید ویژگیهای کالبدی، عملکردی، بصری و دسترسی ها در استخوان بندی شهر قدیم مورد بررسی قرار گرفته و باز زنده سازی به مدد اصولی ویژه صورت پذیرد. بدین ترتیب می توان بنیادی ترین مداخله را در بافتهای شهری کهن داشته و پیامد این مداخله، احیاء حیات مدنی بافت کهن بوده و لذا نقش مستقیم نهادهای دولتی می تواند در احیاء

استخوان بندی شهر خلاصه شده و به طور غیر مستقیم هدایت و کنترل مرمت بافت شهری پیرامون را بدست گیرد.

تاثیر رشد شهر و تحولات پدید آمده در الگوهای زیستی جوامع شهری امری اجتناب ناپذیر بوده و لذا شهر ناگزیر از پذیرفتن تغییرات است. آنچه در فرایند تحولات و گسترش شهرها حائز اهمیت است. بی توجهی به ساختارهای کهن شهرهای قدیمی و عدم تلاش در حفظ احیاء و ساماندهی شالوده های بنیادین آن اعم از شالوده های کالبدی، عملکردی و شالوده های ناپایداری روابط اقتصادی و مراودات فرهنگی و اجتماعی است. عدم آگاهی به بنیانهای برپا دارنده و نگهدارنده ساختار شهرهای کهن به متلاشی شدن مجموعه های با ارزش و تاریخی و از هم گسیختن استخوانبندی اکثر شهرهای قدیمی ایران منجر شده است. آگاهی و تسلط طراحان و سیاستگذاران بر ساختار گذشته و حال شهرها امری ضروری است. چنین آگاهی علاوه بر اینکه بر اقدامات عمرانی شهرها جهت صحیح می دهد، میتواند این امکان را فراهم سازد که با ارزش نهادن به تجارب گذشتگان و حفظ آثار برای تداوم حیات مجموعه های شهری و استخوانبندی اصلی شهرها راههای نوینی بررسی گردد.

بر اثر توسعه مداوم و بی سازمان شهرها، سازه های ارتباطی و ناپیدای شهر و زنجیره زندگی در شهر سنتی از هم گسیخته شده است. استخوانبندی شهر

قدیم از دیدگاه تامین نیاز فعالیت های گوناگون اجتماعی و اقتصادی یا به عبارت دیگر چگونگی تکوین و تداوم حیات شهری با شهر جدید انطباق نیافته است. قطع تداوم فرهنگی به هم پیوندی عملکردهای شهری و به ویژه مجموعه های تاریخی به مرور خدشه وارد آورده است. فقدان سیاست های مناسب توسعه و نابسامانی توزیع کاربریهای شهری موجب از هم پاشیدن و گسیختگی در استخوان بندی اصلی شهرها که دارای وحدت و یکپارچگی و پیوند مناسب بوده اند، شده است. از جنبه های فضایی و بصری نیز شالوده های نمادی شهر کهن فروپاشیده است. عناصر یادمانی و هویت بخش شهرها در مقایسه با بناهای مرتفع جدید الاحداث به بناهایی کوتاه و بی اهمیت بدل شده اند. نابسامانی ها و ناهنجاریهای ایجاد شده که پیامد عدم توجه به ساختار و سازمان فضایی شهرهای کهن و استخوان بندی اصلی آنها می باشد لزوم بازنگری در روشهای احیاء بافت کهن را مطرح ساخته است. برای جلوگیری از فروپاشی بیشتر سازه های کهن شهرها و افزایش نابسامانیها، ضرورت دارد بین محورها و عناصر تاریخی و کارکردهای مهم کنونی در گستره شهر پیوندی ناگسستنی ایجاد نمود و بدین ترتیب به بازیابی اعتبار مراکز شهری قدیمی کمک نمود.

با بررسی ساختار و استخوان بندی اصلی شهرهای قدیمی و درک قانونمندیهای توسعه و تکامل آن می توان تاثیر عمده ای در احیاء و بالمال در

بهبود وضعیت کنونی شهر داشت. اجزاء و عناصر پدید آمده در تاریخ تحول و تکامل شهر، امکانات بالقوه بسیار برای تجدید حیات داشته و می توانند در هویت بخشی شهر و تقویت شبکه نمادین آن نقشی ویژه داشته باشد. عناصر قدیمی شهرها چنانچه مورد برخورد منفعلانه قرار نگیرد می توانند نقش مطلوبی در هویت بخشی به شهر ایفاء نمایند اما این عناصر در مقابل تعارضات مداوم نمی توانند به زندگی خود ادامه دهند و هویت اولیه آنها نخواهند توانست بی قید و شرط حفظ شوند. برای تداوم ارزشی این مجموعه عناصر باید روشهای بکار گرفته شود تا آنچه باقی مانده است به صورتی دائمی و کارا حفظ شود. ساماندهی اسکلت اصلی، امتیازی برای شهر و بافت کهن آن است زیرا غیر فعال بودن مجموعه های کهن شهری و یکنواختی بافت را خنثی می کند. ساماندهی استخوان بندی اصلی شهر می تواند روشی تلقی شود که با تکیه بر پیوند نامرئی و متقابل شهروندان و دلبستگی های آنان به ارزشهای فرهنگی و بصری شهر، اقدامات بهسازی و احیاء بافت های کهن شهری را دنبال نماید.

سازمان فضایی یک شهر به مدد عناصر اصلی آن که شبکه ای به هم پیوسته از کاربریهای مهم و عمومی شهر است شکل می پذیرد، این عناصر، محدوده ای را در شهر شکل می دهند که حداکثر تراکم فعالیتی و تمرکز و تردد جمعیت را داشته و تقاضای استفاده زیاد از این فضاها، بسیاری از

شهروندان را به سوی خود جذب می نماید. این محدوده فصل مشترک تمام نواحی و مناطق اصلی شهر بوده و در اغلب شهرها موقعیتی مرکزی دارد. در شهرهای ایرانی این عناصر و کاربریهای شهری شامل فضاهای مذهبی، فرهنگی، تجاری، اداری، سیاسی - حکومتی و گذران اوقات فراغت می باشد. از دیگر اجزاء مهم این شبکه، اصلی ترین راههای شهر را می توان منظور نمود که غالباً پیوند دهنده عناصر اصلی مذکور است. در محدوده استخوان بندی اصلی شهر بیشتر مراودات اجتماعی و اقتصادی تحقق می پذیرد و شبکه نمادین شهر نیز از آن شکل گرفته و بر آن منطبق است. به عبارت دیگر استخوانبندی شهر نمودار حیات شهر و چگونگی فعالیت آن است.

استخوانبندی شهر یک پدیده تاریخی و پویا است، زیرا در جریان سیر تحول شهر شکل گرفته و کامل می شود. اسکلت یک شهر به مفهوم پیوستگی و انسجام بین مجموعه هایی از عناصر شهری، در هویت بخشی و تداوم حیات یک شهر بسیار موثرتر از تک عناصری است که در گسترده شهر پراکنده شده اند. استخوان بندی شهر در تداوم شکل پذیری ساختار کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شهر در طول حیات آن بسیار نقش ساز بوده و در حالی که به شدت از آن تاثیر پذیرفته چندی و چون خود را مدیون ماهیت فعالیت های یک شهر بوده و بدین لحاظ است که در اثر تحولات ساختار اجتماعی اقتصادی و سیاسی شهر بیشترین تغییرات را پذیرا می شود.

مراحل رشد استخوان بندی شهرهای تاریخی و تجربیات سایر

### کشورهای باستانی

روش احیای بافت کهن با تکیه بر باززنده سازی استخوانبندی اصلی آن بر این دیدگاه استوار است که امر حفاظت و مرمت در بافت های قدیم باید به عنوان مقوله ای شهرسازانه تلقی شود یعنی باید به صورت احیاء و فعال ساختن یک رشته فضاها، ابنیه و عملکردها در نظر گرفته شود. یک اثر تاریخی تنها در فضای زندگی داخلی خود رشد نمی کند بلکه هم از زندگی خود وهم از روابط وسیعی که در مکان و زمان با سایر یادمانها و با همه بناهای مهم شهر برقرار می کند. تاثیر می پذیرد. چگونگی نجات دادن یک بنای تاریخی و یا یک مرکز تاریخی از چارچوب زندگی شهر و از مجمعه شکلی و ساختاری تمامی سطح شهر نشات می یابد. برای تداوم زندگی گذشته و تاریخ شهر در حیات کنونی آن که یک مقوله فرهنگی است، استخراج پدیده زمان (وقایع تاریخی) در قالب مکان ( بناها و محوطه های تاریخی) می تواند نگرشی مناسب تلقی شود. در روش احیاء و باززنده سازی بافتهای قدیم به مدد احیاء و بازسازی استخوانبندی اصلی شهر، اقدامات احیاء بافت قدیم می تواند با رشد و توسعه بقیه شهر پیوند یابد. با هم پیوندی

عناصر معماری دو مجموعه (استخوانبندی قدیم و جدید) تعیین کارکردهای جدید در بافت قدیمی انجام می پذیرد. بدین ترتیب همزمانی در نظر داشتن طرحهای مرمت بافت قدیم و طرحهای شهری جدید در سایر بخشهای شهر باید مد نظر قرار گیرد.

با احیاء استخوانبندی اصلی شهر کهن، فضاهای شهری که انباشت تجارب یک جامعه در ادوار مختلف می باشد، حمایت می شود. با حرکت در چنین فضایی دریافتهای از محدوده های حسی فراتر رفته و به محدوده های ادراکی و زمینه های فرهنگی دست می یابد. در صورتی که شبکه بنیادین عناصر و فضاهای مهم شهر کهن باززنده سازی شود پیوند گذشته، حال و آینده فرهنگ یک جامعه برقرار گشته و بدین ترتیب معیارها و ارزشهای نسلها متصل و منتقل می شود. در چنین نگرشی، تنها حفظ سنتها و فرهنگ گذشته هدف نبوده بلکه تبلور فرهنگ غالب موجود و در نظر گرفتن مجالی برای پاسخ به دگرگونیهای فرهنگی آینده جامعه نیز مد نظر است. ارتقاء ارزشهای فرهنگی جامعه با به هم پیوستن بازتابها و پاسخهای کالبدی و فضایی به یکدیگر در این روش مرمت شهری، حاصل می آید. فرهنگ و تاریخ فراموش شده شهر با جریان روزمره زندگی ساکنین شهر همراه شده بدین ترتیب شهروندان بیشتر با آن آشنا شده و با این اقدام در هم آمیختگی و پایبندی به ارزشهای مثبت آن زمینه سازی می گردد.

استخوان بندی شهر چارچوب اصلی گستره شهر بوده و بافت شهری به مثابه پرکننده های این ساختمان اصلی را در بر می گیرد. لذا احیاء ساخت اصلی میتواند به حفظ کل این پیکره منجر شود. حتی اگر بافت شهری کهن نیازمند تخریب و بازسازی مجدد باشد، چنانچه سازه های بر پا دارنده شهر حفظ و احیاء شود ادامه حیات شهر کهن تضمین بیشتری خواهد داشت. برای عملی ساختن طرحهای ساماندهی و باززنده سازی استخوان بندی بافت کهن در چارچوب اقدامات مرمت شهری، اقدامات را می توان در چند گام اصلی برنامه ریزی و اجرا نمود:

اولین و مهمترین قدم، شناخت استخوان بندی بافت کهن می باشد. در این راستا، حداقل دو دسته بررسی ضرورت دارد، اول بررسی ویژگیهای کالبدی و عناصر و اجزاء اصلی استخوان بندی کهن شهر و دوم بررسی ویژگیهای فعالیتهای اصلی شهر از ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در گام بعدی، تحلیل ویژگیهای شناخته شده قبلی به تشخیص و تعیین امکانات و تنگناهای این مجموعه کمک خواهد نمود. گام سوم، تعیین نوع اقدام ممکن، اعم از حفظ یا تغییرات عملکردی و کالبدی (شناخت، تخریب، بهسازی، نوسازی و توسعه و...) خواهد بود. در مراحل بعدی باید الگوهای احیا را اعم از احیای خصوصیت فضایی - کالبدی مثل ویژگیهای ابنیه، شبکه راهها، نمادها، مصالح و... در نظر گرفت. قدم بعدی، تهیه ضوابط و دستورالعملهای اجرایی



مثل ضابطه های مرمت، نگهداری، ساماندهی و یا ساخت و سازهای جدید خواهد بود و گام نهایی، تهیه برنامه های اجرایی با سرمایه گذاریها، تشکیلات اجرا و کنترل و تعیین اولویتهای اجرایی مانند برقراری ارتباطات گسیخته شده و... می باشد.

مرحله شناخت در میان مراحل فوق العاده بنیادی ترین نقش را دارد و موارد بسیار زیادی از جنبه های گوناگون باید مورد توجه و شناخت قرار گیرد. مهمترین این موارد بررسی شناخت سیر تحول تاریخی شهر و استخوانبندی آن و عناصر ویژه هر دوره، تغییرات پدید آمده در این عناصر اعم از تخریب، بازسازی، حفظ و یا الحاق عناصر و مجموعه های جدید ویژه هر دوره می باشد. بررسی رابطه متقابل جهت رشد شهر و رشد استخوانبندی آن نیز در این مبحث جای ویژه ای دارد. بررسی محورهای اصلی شهر و جایگاه آنها در محدوده استخوانبندی کهن شهر و یا ارائه دسترسی از مناطق مختلف شهر به آن از دیگر موارد مهم مرحله شناخت است. نحوه ارتباط بخشها و مجموعه ها یا عناصر استخوانبندی شهر و نقاط گسیختگی، متروک شدن مجموعه ها یا عناصر و عملکردهای پیرامونی و بررسی علل آن از جمله ناسازگاری عملکردی و یا فرسودگی بافت نیز باید مورد ملاحظه قرارگیرد. در مراحل مختلف رشد و تحول استخوانبندی یک شهر، تغییر جهت ها یا به عبارت دیگر مفاصل اصلی تغییر جهت ها باید شناخته شود.

بازشناسی بناها، محوطه ها و مراکز تاریخی و راسته های با ارزش و حوزه نفوذ هر کدام نیز اهمیت دارد. در گزینش ابنیه و ارزش گذاری آنها، ویژگیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باید ملاک عمل قرار گیرد. پس از شناخت عناصر، بررسی انواع شرایط فرسودگی و از کارافتادن و متروکه شدن بناها مثل ترک جمعیت، از دست دادن کاربری یا فعالیت، تغییر عملکرد، تغییر بافت و شبکه راههای پیرامون صورت می پذیرد. در کنار شناخت این عوامل انهدام یا فرسودگی، در صورت فعال بودن این عناصر و مجموعه ها، عواملی که باعث حفظ و بقای کالبد و پویایی حیات و فعالیت آن شده اند نیز جای توجه و بررسی دارد.

پس از شناخت ویژگی های موجود و عوامل موثر در آن، شناخت قابلیتها و امکانات جایگزینی ها مطرح می باشد در این راستا، آشنایی با کانونها و جریانهای اصلی فعالیت در شهر در حال حاضر و تطابق یا تاثیر آن بر محورها و ابنیه شناخته شده در بافت کهن ضرورت دارد. چگونگی استفاده از بناها و محورهای مهم استخوانبندی کهن شهر و تاثیر آن در فرسودگی یا قابلیت احیاء باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

از جمله موارد مهم در شناسایی قابلیت های احیاء استخوانبندی بافت کهن شناخت پدیده های اجتماعی و مراودات فرهنگی - اجتماعی مردم و تحولات پدید آمده در آن است، زیرا گرایشهای نوین زندگی شهری و رفتارهای

اجتماعی ساکنان شهر، آداب و رسوم که در فضاهای عمومی شهر صورت می گرفته است را دستخوش دگرگونی ساخته و لذا بسیاری از فضاهای عمومی در استخوانبندی اصلی شهر کهن معنا و مفهوم کارکردی خود را از دست داده است. از این روش بافت پیوندهای کنونی نهادها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی و محیط کالبدی موجود اهمیت بسیار دارد. شناخت تحرکات و ارزشهای اقتصادی عناصر و فضاهای مرکز قدیمی شهر نیز حائز توجه فراوان است. برای تحقق اجرایی طرحهای باز زنده سازی بافت کهن شهر و استخوانبندی اصلی آن، بررسی مسئله مالکیت ها، قوانین و ضوابط اداری و تاثیر طرحها و برنامه های تهیه شده نیز نکته مهم دیگری است که به اجرایی بودن طرحهای مرمت شهری کمک می نماید.

در پی شناخت ویژگیهای بافت کهن و استخوانبندی اصلی آن، برای طرحهای احیاء و ساماندهی باید اصولی را مدنظر قرار داد. این اصول به منزله راهبردهای تهیه طرحها و یا به عبارت دیگر ویژگی طرحها می باشد. اهم این موارد عبارتند از:

- بناها و محوطه های تاریخی پراکنده در سطح شهر با یکدیگر پیوندی مطلوب یابند.

- در برقراری ارتباط نقاط مهم با یکدیگر اصل سلسله مراتب اهمیت بناها در نظر گرفته شود.

- در ترکیب ابنیه قدیم و جدید، خوشایندی مجموعه آنها مد نظر باشد.
- روند تدریجی شکل گیری استخوانبندی اصلی شهر در طول تاریخ تحول آن رعایت شده و در صورت امکان تقویت و توسعه یابد.
- ساماندهی شبکه رفت و آمد و دسترسی به استخوانبندی بافت کهن برای حداکثر کارایی مجموعه صورت پذیرد.
- تغییر شکل و تغییر عملکرد برای پاسخگویی به نیازهای جدید در کل مجموعه استخوانبندی بافت کهن و عناصر آن مورد ملاحظه باشد.
- در ترکیب عناصر قدیم و جدید القای وحدت فضایی مد نظر قرار داشته باشد.
- شکوفایی عملکرد استخوانبندی بافت کهن به مدد احیای عملکردی ابنیه قدیمی برنامه ریزی گردد.
- به ایجاد جلوه های بصری تک بناها توجه شود.
- در مرمت و باز زنده سازی کل مجموعه با حفظ یکپارچگی آن، به تعریف و تعیین نقاط عطف، در ابتدا و انتهای محورهای مختلف مبادرت گردد.
- علاوه بر رعایت ملاحظات فوق در روش احیاء بافت کهن، در ساماندهی شالوده های بافت قدیم یک شهر باید مشخصه توالی و تسلسل نهفته بوده به نحوی که عامل گذشت زمان مراعات گردد. عناصر شهری و تاریخی در

امتدادهایی معین سامان داده شوند به نحوی که محورهای بوجود آمده واجد تسلسلی در زمان و فضا و مبین تجربیاتی پیوسته از نسلهای پیاپی باشد، بدین لحاظ می توان شاخص ها و نمادهایی را از هر مقطع تاریخی بازشناخت و به کمک احیای آنها تداوم فرهنگی جامعه را تبلور عینی بخشیده به انتظام آورد. شرط لازم آن است که مجموعه های یکپارچه و پیوسته به احساس آمده و مظاهر هر قسمت و مقطع تاریخی در قسمت دیگر جاری شود به نحوی که احساسی از پیوستگی درونی اجزا بوجود آید. ممکن است پاره ای عناصر به صورت مشخص تر ملاحظه شود، اما تداوم تمام مجموعه استخوانبندی شهر کهن حفظ می شود. در این روش باید برای احیای ارزشهای نمادین فضا در زندگی و حیات یک جامعه شهری، به احیای شبکه نمادین شهر اقدام نمود. به این منظور صرفاً عناصری که از جنبه فیزیکی و معماری و جلوه های بصری بارز هستند مد نظر، نمی باشد، بلکه یک عنصر یا عملکرد یا واقعه تاریخی می تواند به یک بنا یا فضا چنین اهمیتی ببخشد و لذا در احیاء شبکه نمادین شهر ملحوظ گردد. عناصری که دارای تاثیری بصری قابل توجه بوده و به عبارت دیگر نشانه های شهری در سلسله مراتبی مشخص منطبق بر سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر به سامان آیند و به مثابه اشاراتی بر تداوم تاریخی و فرهنگ شهر برای ناظرین در آمده، شناخت مردم را از تاریخ شهر تقویت نمایند.

در مرمت بافت قدیم و استخوانبندی آن می توان با حفظ پاره ای از عناصر (ساختمانها) که به اندازه کافی از نظر مقیاس، اندازه و عملکرد نمایانی دارند، مجموعه هایی که از ترکیب چند عنصر هویت ویژه یافته اند و راههایی اصلی که مجموعاً موجود تجانسی در سطح بافت (قدیم و موجود) می گردند، به انتظامی نوین در گستره شهر (کهن و حاضر) دست یافت. جایگاه اسکلت اصلی بافت قدیم، در تداوم اسکلت اصلی شهر در حال حاضر و با ارزیابی آن در کل شهر، تعیین می شود به نحوی که با کل سطح شهر ارتباط معقول یابد.

در محدوده بافت قدیم، استخوان بندی اصلی میتواند به صورت یک مسیر پیاده مرکزی مطرح گردد و با خزش در بافت پیرامون، از امکانات و فضاهای بافت تخریبی اطراف بهره مند شده و به دامنه نفوذش اضافه شود. بدین ترتیب بازسازی از عناصر و مراکز شهری یا مراکز محله ای شروع و با به هم دوختن آنها کم کم گسترده خود را افزوده رشد می یابد به نحوی که سازگار با نیازهای نوین گردد. در این روش، حدود بناهای تاریخی و مراکز شهری، تخریب ابنیه ای که با توجه به طراحی شهری اولیه ساخته شده اند و یا تخریب ساختمانهایی که دید یادمانهای شهری و ساختمانهای با ارزش معماری را به نوعی سد کرده اند نیز می تواند صورت پذیرد.

در روش مرمت استخوانبندی اصلی بافت کهن، توسعه کالبدی برای بهسازی به صورت تصرف فضا از داخل به خارج و به صورت توسعه تدریجی و پیشروی در طول محورهای قدیمی می تواند پیش بینی شود. در ساماندهی این محدوده و آرایش حجمی آن، نمایانی پاره ای عناصر حتی در مقیاس شهر با حفاظت پاره ای از ابنیه تاریخی صورت می پذیرد. ضوابط همجواری با بناهای تاریخی ویژه از نظر تامین چشم انداز مناسب از محورهای اصلی باید مورد تاکید خاص باشد. برای بهتر جلوه دادن این گونه بناها، می توان آنها را کنار مسیرهای اصلی قرار داد و با قرار دادن آنها در ابتدا و انتهای محورهای اصلی، به ویژه اگر شامل بافت شهری تخریبی باشد، چشم انداز به آنها آزاد شود. برای این منظور ساختمانهای مهم تاریخی می تواند توسط فضاهای باز احاطه شود و بدین وسیله فضا را تحت سلطه آورد. بدین گونه تاثیری بصری المانها و فضاها زیاد می شود، مشروط بر آنکه در یک شبکه نمادین سازمان یافته است.

ساختمانهای جدید علی رغم هماهنگی با ساختمانهای یادمانی قدیمی، برای تاکید بر این عناصر تاریخی باید به خوبی از آنها قابل تشخیص و تفکیک باشند. طراحی بخشهای جدید در کنار استخوانبندی بافت کهن و در جهت تکمیل آن باید ضمن آن هماهنگ با محوطه ها، مقیاس، مصالح، سبک و هویت ویژه عناصر تاریخی می باشد، معرف ویژگیهای زمان احداث خود باشد.

رعایت جلوه بصری بناهای حفاظت شده در بافت کهن شهر از جمله ضروریات باز زنده سازی است لذا رعایت ضوابط معینی برای داشتن فاصله مناسب با بنای تاریخی با استفاده از روشهای مثل پلکانی نمودن بنا یا احداث طبقات کمتر در قسمت جلو ساختمان و عدم انسداد چشم انداز جهات مختلف به بنای تاریخی مطرح می گردد. برای ایجاد هماهنگی بناهای همجوار عناصر با ارزش تاریخی در مجموعه استخوان بندی بافت کهن، از تکرار ریتم، فرم یا اندازه یکی از عناصر اصلی معماری یا مشابهت مصالح در ساختمانهای جدید می توان استفاده کرد. در اتصالات بین ساختمانهای قدیم و جدید، می توان یک فرم وسط به عنوان بخش اتصالی در نظر گرفت. مثلاً از فرورفتگی، قوسها، انعکاس و تکرار برخی از فرمها یا ریتم ها، امتداد یکسان خطوط افقی بنای قدیمی اوج تدریجی ارتفاع و نظایر آن استفاده شود.

در رابطه با ویژگیهای عملکردی استخوانبندی بافت کهن برخی عملکردهای موجود تثبیت و برخی عملکردهای جدید تزریق می شود. عناصر قدیمی که عملکرد گذشته آنها فاقدکارایی است می تواند به عناصر نوین شهری با کارایی جدید تبدیل شود. تزریق عملکردهای جدید در مکانهای بلااستفاده در کنار مجموعه های بزرگ می تواند انجام شود. بین فعالیتهای مشابه در استخوان بندی بافت قدیم و معاصر شهر مانند فعالیتهای تجاری، می تواند پیوند برقرار شود.



از نظر ویژگیهای فضایی و فضا سازی در ساماندهی اسکلت بافت قدیم، هر فضا با توجه به موقعیت قرار گیری در استخوان بندی مرمت شده بافت قدیم و نوع عملکرد آن و ویژگیهای اجتماعی، تعریف خاص خود را می یابد. اما تنوع فضایی نیز باید حاصل آید. با حرکت در فضاهایی به هم مرتبط شهر بهتر آن است که احساسی از پیوستگی درونی اجزا بوجود آید. در چنین فضایی باید یک دیالوگ اجتماعی - فرهنگی بین گذشته و حال برقرار باشد و فضاهای استخوان بندی بافت کهن به شیوه ای باز آرایشی شود که مظهری از مبادلات فرهنگی و اجتماعی، فردی و جمعی باشد. این فضاها باید هم تماشایی بوده و هم نمادی باشد تا مکاشفه و تفکر در سیر تحول تاریخ شهر همراه با خوشایندی از دیدن و احساس فضا به طور همزمان حاصل آید.

در تامین دسترسیها به استخوان بندی بافت قدیم نیز نکاتی چند باید مورد نظر قرار بگیرد، تامین حرکت سریع سواره در اطراف استخوان بندی اصلی بدون قطع بافت آن ضرورت دارد. احداث شبکه پیاده جدید در تطبیق با شبکه پیاده قدیم می تواند صورت بگیرد. ترجیح دارد یک شبکه تردد اصلی در اسکلت اصلی شهر به صورت پیاده پیش بینی می شود و مکانی گردد که سایر راسته های پیاده شهر نیز به آن پیوندند. اتصال عناصر اصلی و سازه های تاریخی شهر به کمک مسیرهای پیاده مشجر می تواند بر ارتقاء کیفی فضا و فعالیتهای محدوده استخوان بندی بافت کهن بیافزاید.

برای ایجاد شبکه دسترسی مناسب و مطلوب به مجموعه استخوانبندی اصلی شهر و یا عناصر یادمانی آن که بسیار اهمیت دارد پنج نوع عمده دسترسی میسر می باشد:

1- راههای انشعابی از کل سطح شهر و بافت قدیم به استخوانبندی بافت تاریخی منتهی شود. در این صورت مرکزیت این محدوده تاکید می شود اما ممکن است موجب افزایش تراکم رفت و آمد گردد.

2- راه عبوری اصلی شهر به شبکه راه درون استخوانبندی بافت قدیم شهر متصل و بدین ترتیب از مرکز تاریخی شهر عبور نماید، چنین راه حلی تنها هنگامی امکان پذیر است که به پیوستگی استخوان بندی بافت قدیم لطمه وارد نیآورده و نوع شبکه راه این محدوده امکان عبور ترافیک را بدهد و یا این راه دسترسی به صورت غیر همسطح در نظر گرفته شود و در غیر این صورت یک شریان عبوری پیاده باشد.

3- دسترسی که تا نزدیکی مرکز تاریخی و استخوان بندی کهن شهر امتداد یابد بدین ترتیب ضمن فراهم آوردن دسترسی سریع سواره، بافت محدوده قدیمی در هم شکسته نخواهد شد.

4- راههای مماسی که بدون عبور از مرکز تاریخی از مرزهای مجاور آن عبور نماید.

5- راه یا دسترسی حلقوی یا انشعابی پیرامون مرکز تاریخی و استخوان بندی بافت قدیم که ترجیح دارد برای عبور پیاده در نظر گرفته شود

در مرمت شهری به روش احیاء استخوان بندی بافت قدیم، باید در نظر داشت که بخشهای نسبتاً فعال امکان تجدید حیات و حتی رشد را داشته باشد. در غیر این صورت بخشهای مرده استخوانبندی امکان ادامه حیات را از دست می دهند مگر آنکه در قالب و محتوایی جدید باز زنده سازی شود.

در میان الگوهای متعدد مرمت شهری با احیاء استخوان بندی بافت کهن، چند الگو از کارایی بیشتر برخوردار می باشد. از آن جمله الگوهایی است که به هم پیوستن ساختمانهای جدید بر اساس ایجاد فضای رابط یا اتصال دهنده را در نظر دارد. به کمک تنوع فضایی در ارتباطات درونی این فضاهای بین ساختمانها، انتظام فضا و ابنیه از درون صورت می گیرد.

روش دیگر به کمک محورهای انتظام بخش، ساماندهی صورت می گیرد در مجموعه ها مجزا با فضاهای کوچک بینابین آنها در راستای مشخصی که محور اصلی هر مجموعه است سازمان داده می شود محورهای متقاطع و ارتباط درونی آنها با هم یک نتیجه دینامیک و پویا بدست می دهد.

الگوی دیگری که می توان بکار گرفت، انتظام فضا بر مبنای ایجاد خطوط نیرویی است که با کشش بین نشانه های شهری تعریف شده است و تاثیر متقابل آنها مجموعه استخوان بندی شهر را تحکیم می بخشد. وجود مفاصل

در طول خطوط نیروی ارتباطی بین مجموعه ها اتفاقی نیست بلکه توسط موقعیت ساختمانهای قدیمی و میادین عمومی شکل می گیرد. روشی دیگر در ساماندهی و احیاء استخوان بندی بافت قدیم به کمک تسلسل به هم پیوسته یک سری فضاهای شهری و میادین حاصل می آید. در این شیوه از جزئیات کالبدی فضاها مثل سنگ فرش کف، سلسله ای از عناصر نشانه ای و فضای سبز که پیوستگی فضاها را تداعی می نماید، می توان استفاده نمود. در جهت تکمیل این روش می توان از ارتباط عناصر نشانه ای منفرد و گره های کالبدی (Nodel point) بهره گرفت.

در هر کدام از این شیوه ها چنانچه ترکیبی از دو وجه فضا سازی و عملکردی در نظر باشد. موفقیت طرح بیشتر خواهد بود. مشخصات فضایی و تاثیر بصری میادین می تواند متفاوت بوده و هر یک کارکتر خاص خود را داشته باشد.

به کمک احیاء استخوان بندی شهر قدیم و پیوند آن با شهر جدید به انکاء شناخت روند زندگی و حیات مدنی شهر در حال حاضر، راه توسعه پدیده های موجود برای تداوم سهل تر زندگی مردمان شهر و به ویژه بافت قدیم آن پیش بینی می گردد. با چنین دیدگاهی شاید بتوان ضمن جلوگیری از نوسازی بی رویه و بدون برنامه شهر که به گسیختگی و فروپاشی استخوان بندی اصلی و سازه های بر پا دارنده آن منجر می گردد، تسلسل تاریخی و

توسعه مقطعی شهر را در قالب فضا و کالدهای آشنا و هماهنگ با ساختارهای قدیمی شهر امکان پذیر ساخت. به کمک الگوها و اصول مطرح شده می توان بنیادی ترین مداخله را در بافتهای شهری کهن داشته و پیامد این مداخله، احیاء حیات مدنی بافت کهن بوده و لذا نقش مستقیم نهادهای دولتی می تواند در احیاء استخوان بندی شهر خلاصه شده و به طور غیر مستقیم هدایت و کنترل مرمت بافت شهر پیرامون را بدست آورد.

### تاریخچه تهران

شهر تهران که امروز از نظر گسترش و فزونی جمعیت در ردیف شهرهای بزرگ جهان قرار دارد، از نظر پیشینه تاریخی، و در سنجش با شهرهای کهنسال ایران زمین، شهری نوساز و جوان است. کهن ترین سند تاریخی که در آن از شهر تهران نام برده شده، کتاب تاریخ بغداد است. خطیب بغدادی در شرح حال محمد بن حاد، محدث نامور سده سوم هجری او را عبدالله حافظ تهرانی رازی می خواند. بدین سان پیداست که در آن زمان تهران دیهلی از دیهلی ری به شمار می رفته که نام آن را با نام ری همراه آورده است. پیشتر از آن نام تهران را در هیچ یک از اسناد و مدارک کتبی موجود، نمی یابیم، و از آن پس نیز تنها در منابعی انگشت

شمار به تهران - آن هم به سبب شهرت محصولات کشاورزی به ویژه انار آن بر می خوریم.

نخستین جغرافیانویسی که از تهران آگاهی درخور توجهی در کتاب خود آورده، یاقوت حموی است. او در کتاب معجم البلدان می نویسد: "تهران دیهی است از دیه‌های ری، که مردم آن بسیار سر کشند، و نه تنها به حاکمان وقت یاغی اند، بلکه با خود نیز در ستیزند. بدان سان که ساکنان محلات دوازده گانه آن نمی توانند به کویهای یکدیگر رفت و آمد کنند." وی می افزاید: "ساکنان تهران در خانه هایی که در زیر زمین ساخته بودند، می زیستند".

آنچه یاقوت حموی در آغاز سده هفتم هجری درباره تهران نوشته، مورد تایید دیگر جغرافیانویسان سده هفتم هجری قرار گرفته است.

ویرانی ری، بر اثر جنگهای فرقه ای، و تعصیبات مذهبی در سده ششم و حمله خانمان سوز مغول در سال 617 هـ.ق. بدان شهر، سبب آبادانی و افزایش جمعیت تهران شد، تا آنکه این روستای سر سبز در نیمه دوم سده دهم هجری مورد توجه شاه تهماسب صفوی قرار گرفت، و او دستور داد تا به سال 961 هـ.ق. بارویی بر گرد آن کشیدند. از این زمان تهران چهره شهر به خود گرفت و روز به روز به گسترش نهاد. دور باروی شاه تهماسبی در حدود

شش هزار گام بود، و یکصد و چهارده برج و چهارده دروازه داشت که عبارت

بود از:

1- دروازه شاه عبدالعظیم

2- دروازه دولاب

3- دروازه شمیران

4- دروازه قزوین

شاه عباس در سال 998 هـ ق هنگامی که برای دفع حمله عبدالمومن خان ازبک عازم خراسان بود به تهران آمد و در این شهر بیمار شد، بدان سان که نتوانست به موقع خود را به خراسان برساند، در نتیجه عبدالمومن خان شمار بسیاری از مردم مشهد را کشت و شهر را غارت کرد. نوشته اند که شاه عباس به همین سبب از تهران بیزار بود. با این همه چنارستانی در این شهر ایجاد کرد که بعدها به ارگ تبدیل شد.

پتیرودلاواله جهانگرد ایتالیایی که در سالهای 1026 تا 1033 هـ ق. در ایران بوده، تهران را شهر چنارها نامیده است، و می نویسد: "اگر دو مرد دست به دست هم دهند، باز هم نمی توانند چنارهای تهران را بغل بگیرند".

در دوران واپسین پادشاهان دودمان صفوی، در محل چنارستان شاه عباسی ساختمانی به دستور شاه سلیمان بنا شد، و شاه سلطان حسین نیز در آخرین سال پادشاهی خود چندی در این شهر به سر برد.

پس از برافتادن صفویان، تهران نیز چون دیگر شهرهای ایران به دست افغانها افتاد، و آنان در ارگ تهران ساکن شدند، ولی پس از شکست از نادرشاه تهران را غارت کردند و بسیاری از مردم را کشتند و از تهران گریختند.

به روزگار نادرشاه توجه چندانی به تهران نشد، اما کریم خان زند، برای اداره و ادامه جنگهای خود با محمد حسین خان قاجار، تهران را مرکز فرماندهی سپاه خود ساخت، و هم او بود که برای نخستین بار اندیشه پایتختی تهران را در سر می پروراند. تا جایی که در سالهای ۱۱۷۲ و ۱۱۷۳ هـ.ق. به دستور او دیوانخانه و حرمخانه ای در محوطه ارگ بنا کردند، و به دور ارگ بارور خندقی بر پا ساختند.

اندیشه پایتختی تهران که به روزگار کریم خان زند پدید آمده بود، سرانجام به دست آقا محمد خان قاجار جامه عمل پوشید، و تهران به سال ۱۲۰۰ هـ.ق. به پایتختی ایران انتخاب شد، و لقب دارالخلافه یافت. در زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، تهران به تدریج رونق و آبادانی بیشتری یافت، بناهای تازه در آن ایجاد شد، و جمعیت آن رو به فزونی نهاد. با این همه تهران هنوز شهری نبود که در خور پایتختی ایران باشد. به جز ارگ سلطنتی دیگر محلات شهر از نظر ساختمانهای مسکونی و داشتن امکانات شهری بسیار فقیر بودند. کوچه های تنگ گردآلود و تاریک در هوای گرم تابستان، و پر گل و لای و چاله و چاه در زمستان از ویژگیهای تهران این زمان بود. همه



جهانگردان و ماموران سیاسی که از تهران بازدید کرده اند، از این وضع شکوه سر داده اند.

در روزگار پادشاهی محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار به تدریج آبادانی و گسترشی در تهران پدید آمد. دگرگونی اساسی در وضع شهر تهران و نخستین گسترش حساب شده شهر در سال 1284 هـ.ق. انجام گردید. طرحها و تصاویری که در مجموعه حاضر از نظر خوانندگان گرامی می گذرد، مربوط به آندسته از بناهای تهران است که پیش از 1284 هـ.ق بنیاد نهاده شده است، و وضع و چگونگی تهران پس از توسعه، و بناهای دوره بعد، در مجموعه دیگری از نظر گرامی شما خواهد گذشت.

تا سال 1284 هـ.ق. شهر تهران همچنان در حصار کهن شاه تهماسبی قرار داشت. و به حداکثر گسترش خود رسیده بود. افزایش روز افزون جمعیت، کمبود زمین برای خانه سازی، ایجاد و گسترش باغها و خانه های مسکونی در خارج حصار شهر، و سرانجام نیاز به شهری که در خور پایتختی ایران باشد، ناصرالدین شاه قاجار را بر آن داشت تا اندیشه گسترش تهران را به مرحله اجرا درآورد.

اجرای طرح توسعه تهران به عهده میرزا یوسف مستوفی الممالک صدراعظم و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه گذاشته شد.

جمعی از معماران ایرانی و مهندسان خارجی زیر نظر یک مهندس فرانسوی به نام بهلر طرح توسعه شهر را مهیا ساختند برابر طرح تازه شهر تهران را حصارى هشت ضلعى با دوازده دروازه محصور مى کرد.

کار توسعه شهر با ویران سازی باروی کهن، و پر کردن خندقهای دور شهر آغاز شد، و ایجاد باروی جدید و کندن خندقهای تازه به دور آن، و ساختن دروازه های نو بیش از ده سال به درازا کشید. تهران جدید یکباره از نظر وسعت چندین برابر شد. محیط شهر از سه کیلومتر به نوزده کیلومتر، و وسعت آن از چهار میلیون متر مربع به بیش از هیجده میلیون مترمربع رسید. محله های قدیمی به تدریج توسعه یافت. و با گشایشی که با افزوده شدن زمینهای تازه در کار شهر پدید آمد معابر، باغها و خانه های جدید ساخته شد. بخش شمالی شهر از نظر آبادانی پیشرفت و سرعتی روزافزون داشت، اما در بافت شهر کهنه تهران دگرگونی اساسی پدید نیامد. مشکلات بزرگی چون بی نظمی، تنگی و باریکی و پر پیچ و خمی کوچه ها و معابر، تاریک بودن آنها در شب، خاک آلود بودن در فصلهای خشک، و پر گل بودن آنها در زمستان و مشکلات بسیار دیگر همچنان در بخش کهنه شهر تهران موجود بود. اما در بخش شمالی شهر ایجاد خیابانهای تازه چون لاله زار، علاءالدوله و مریضخانه و چراغ گاز و بنای ساختمانها و پارکها و میدانهای جدید چون پارک ظل السلطان و عمارت مسعودیه، پارک و عمارت آتابک،

پارک امین الدوله، باغ و عمارت بهارستان و میدانهای توپخانه و مشق به تدریج به تهران چهره یک شهر تازه بخشید.

همزمان با توسعه شهر و در سالهای پس از آن ابنیه مهمی چون تکیه دولت، دروازه دولت (در شمال اگر در جای دروازه ارگ) سردرالماسیه، موزه یا تالار سلام، ساختمان گالری، اندرون یا فرح آباد و ... در داخل محوطه ارگ، عشرت آباد، سرخه حصار و کامرانیه نیز در خارج از تهران ساخته شد.

در فاصله سالهای 1248 تا 1309 هـ.ق. جمعیت تهران از 160000 تن به 250000 تن افزایش یافت. در همین سال شمار خانه های تهران به 18000 باب رسید که از این تعداد 9000 باب آن در بخش جدید شهر ایجاد شده بود.

روند توسعه تهران در آغاز سده چهاردهم هجری رو به آهستگی نهاد تا جایی که در طول پادشاهی مظفرالدین شاه یعنی از سال 1313 تا 1324 هـ.ق. به جز ساختمان قصر فرح آباد آن هم در خارج از حصار شهر، بنای قابل توجه دیگری در تهران ساخته نشد و از آن پس نیز تا پایان دوره سلطنت سلسله قاجار به سبب ناپایداریهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تهران نه تنها رو به آبادانی و گسترش نداشت، بلکه آنچه در طول سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم هجری شناخته شده بود، رو به ویرانی و فرسایش نهاد.

سه مسافر خارجی که در آغاز سده چهاردهم هجری قمری در تهران بسر می بردند. یعنی مادام یولافوا، ویلیام جکسن و خانم ا. ولفنوس تهران را فاقد شرایط یک شهر بزرگ می دانند، و به هنگام شرح وضع شهر از کوچه های پر خاک و گل و پر پیچ و خم آن شکوه می کنند، و از کثیف و گردآلود بودن معابر و میدانهای شهر شکایت دارند.

### تحلیل سیر تحول ساختار و استخوانبندی اصلی شهر تهران

اولین اقدام رسمی برای عمران شهر، با توجه به وضعیت سیاسی - نظامی آن دوره که کشیدن دیوار به دور شهرها را ایجاب می نمود، دستور به احداث باروی شهر توسط شاه طهماسب در حدود سال 961 هـ ق بود. گرچه این سکونتگاه کوچک نقش سیاسی - نظامی در منطقه نداشت اما به لحاظ تغییر ماهیت آن از ده به شهر، تأمین امنیت آن از طریق احداث برج و بارو ضرورت یافته بود. از این مقطع تهران در مقیاس یک شهر، مطرح شده است. مساحت شهر درون حصار حدود 400 هکتار بوده که عمدتاً از باغات و مزارع تشکیل می شده است. بخشهای مسکونی و بازار نیز در داخل حصار قرار داشته اند.

باروی شهر تهران، 114 برج و 4 دروازه داشت. دروازه‌ها در مسیر جاده‌های اصلی ارتباطی شهر با شهرها و آبادیهای پیرامون قرار داشتند. دروازه قزوین در مدخل بازارچه قوام‌الدوله در (میدان شاهپور) در مسیر ارتباطی با قزوین، دروازه دولاب در مدخل بازارچه نایب‌السلطنه خیابان ری فعلی و در راستای جاده ارتباطی با خراسان، دروازه شمیران در مسیر پامنار با نواحی شمالی شهر ارتباط داشته و دروازه شاه عبدالعظیم یا دروازه اصفهان در ابتدای بازار دروازه یا بازار حضرتی در مسیر ارتباطی مهم شهر با مدفن حضرت عبدالعظیم، قم و اصفهان قرار داشتند. از آنجایی که رفت‌وآمد اصلی تهران از دروازه شاه عبدالعظیم بوده است، راسته بازار به منزله ستون فقرات شهر، در مسیر دروازه عبدالعظیم به سوی دروازه قزوین شکل گرفته و مسجد جامع در محل تلاقی این محور با دو مسیر مهم دیگر ارتباطی شهر، واقع می‌شود. ارگ سلطنتی که از این به بعد محدوده مشخصی می‌یابد، در شمال راسته بازار و مسجد جامع واقع بوده است. این سه عنصر مهم که استخوانبندی اصلی شهر را شکل می‌دادند، توسط محله‌های اصلی شهر (بازار - سنگلج - عودلاجان و چال میدان) احاطه شده و مجموعاً ساختار شهر را شکل داده بودند.

محله بازار در مرکز هسته اصلی تهران قدیم واقع بوده است که در تمام دوران پیدایش و گسترش شهر، آباد و مرکز کار و فعالیت و دادوستد بوده است و لیکن در زمان شاه طهماسب رونق و رواج بیشتری یافت.

### پیدایش شهر تهران و رشد آن در دوره صفویه و زندیه

#### ویژگیهای کالبدی (پیدایش شهر تهران و رشد اولیه آن)

زوال شهر ری، آغازی برای رشد اولیه آبادیهای اقماری آن از جمله دیه تهران به شمار می‌آید. آهنگ رشد این آبادی مقارن با دوره سلطنت پادشاهان صفوی سریعتر شد. همگام با برگزیدن قزوین به پایتختی از سوی شاه طهماسب صفوی، تهران مورد توجه خاص و آبادانی بیشتر قرار گرفت. این توجه مدیون عوامل چندی است.

موقعیت کوهپایه‌ای و خوش آب‌وهوای تهران که شرایط مناسبی را برای سکونت، کشاورزی و باغداری فراهم می‌آورد، بویژه وجود شکارگاههای خوب در دامنه کوههای البرز و شمیران، وجود اماکن معتبر که نظیر مقابر امامزاده یحیی، سید اسماعیل، امامزاده زید و سید نصرالدین و شاه عبدالعظیم که در عین حال مدفن جد شاه طهماسب نیز بوده به جلب توجه سلاطین وقت به این منطقه کمک نمود.

## موقعیت استخوانبندی اصلی در شهر

ساختاری کالبدی شهر شامل استخوانبندی اصلی در مرکز شهر،

محل‌های مسکونی در پیرامون آن، باغات و مزارع در حواشی محله‌های مسکونی و سپس احاطه کل شهر یا حصار بوده است.

استخوانبندی اصلی شهر در راستای شمالی - جنوبی، حد فاصل دو

دروازه مهمتر شهر و در امتداد بخشی از مسیر اصلی شهر قرار داشته است، دو منتهی‌الیه شمالی و جنوبی آن به حصار شهر می‌رسیده است.

براساس الگوی سنتی شهرهای ایران، قسمت شاهی یا همان ارگ

حکومتی در شمال شارستان (بخشهای مسکونی) به صورت مستقل قرار

داشته و رابط آن با استخوانبندی شهر در قسمت شارستان یک فضای باز

شهری (سبزه‌میدان) بوده است، موقعیت ممتازتر اراضی شمال شهر از نظر

آب و هوا، شیب، چشم‌اندازها، نزدیکتر بودن به قنوات و موقعیت بهتر تدافعی

را شاید بتوان عوامل استقرار بخش حکومتی در شمال ناحیه مسکونی شهر

دانست. این الگو در تمام دوران تحول و توسعه شهر تاکنون باقیمانده است.

## ساختار استخوانبندی اصلی

الگوی ساختار کالبدی استخوانبندی اصلی شهر، خطی بوده و عنصر مهم آن (ارگ - مسجد جامع) به صورت هسته‌ای در مجاورت محور خطی اصلی قرار گرفته‌اند. علت این امر شکل‌گیری و تبعیت عناصر اصلی استخوانبندی شهر از شبکه محورهای اصلی ارتباطی بوده است. ایجاد کشش بین دو قطب (دروازه‌های شاه عبدالعظیم و قزوین)، فرم خطی را بوجود آورده است.

هسته‌های اصلی فوق‌الذکر در محل تلاقی محورهای اصلی ارتباطی شهر واقع شده‌اند، گرچه فرم چلیپایی محورهای ارتباطی، می‌تواند عاملی در ایجاد یک هسته مرکزی (الگوی هسته‌ای) برای استخوانبندی اصلی شهر باشد، اما در خصوص طراحی محل تلاقی محور شمالی - جنوبی یا شرقی - غربی در یک نقطه به صورت چهارراهی نبوده، بلکه در چند نقطه و یا فاصله از هم به صورت سه راهی است لذا حفاصل این چند نقطه ایجاد شبکه‌ای نموده که موقعیتی را برای گسترش خطی همان هسته اصلی فراهم می‌آورد و فرم L شکل به آن می‌دهد. یکی از هسته‌ها در رأس (مسجد جامع) و دیگری در انتهای یکی از اضلاع این فرم واقع می‌شود (ارگ). دو هسته اصلی فوق



توسط محور خطی بهم ارتباطی غیرمستقیم دارند. یکی از این هسته‌ها (ارگ) خود دارای ابنیه متعدد بوده که الگوی گروهی دارند.

### بافت شهری

مراد از بافت شهری استخوانبندی اصلی شده، قطعه‌بندی اراضی عناصر آن و نحوه ترکیب پر و خالی (فضاهای باز و ساخته شده) در قطعات مختلف با یکدیگر و با گذر اصلی (مسیر دسترس) است. به طور کلی بافت عناصر استخوانبندی اصلی شهر درون‌گرا است. غیر از عناصری که خود فضای باز هستند (مثل سبزه‌میدان) فضای باز ویژه هر عنصر شهری (فضای باز نیمه‌عمومی)، در مجاورت تشریح اصلی همجوار آن قرار نداشته و فضای باز، محصور در قسمتهای ساخته شده است. قطعه‌بندیهای اراضی محدوده استخوانبندی اصلی شهر نسبت به بقیه سطح شهر بزرگتر بوده و الگوی همجواری پر و خالی با گذر به صورت همجواری مستقیم ساختمانها با گذر و همجواری غیرمستقیم فضای باز عمومی (گذر) به نیمه‌عمومی (حیاط سراهای مجاور در بازار) بوده و ارتباط بین آنها از طریق دالانهای برقرار می‌شده است. این الگو برای مسجد جامع نیز تکرار می‌شود. ارگ شهر نیز دارای همان الگوی درون‌گرا است، زیرا فضای باز اصلی توسط حصار محصور

شده است و ساختمانهای متعدد با الگویی نامنظم در درون محوطه باز وسیع و اختصاصی ارگ پراکنده شده‌اند. وسعت این اراضی نسبت به دیگر عناصر استخوانبندی اصلی شهر بسیار زیاد است.

در مجموع الگوی بافت شهری استخوان‌بندی شهر به لحاظ ابعاد و اشکال قطعه‌بندی اراضی نامنظم است. ترکیب فضاهای باز اصلی با فضاهای محصور یا سرپوشیده نیز دارای الگو و شکل یکسانی نیست. تعدادی از این میادین در ابتدای محدوده اسکلت اصلی شهر و مهم‌ترین آن (سبزه‌میدان) به صورت مفصلی، عامل ارتباطی شریان اصلی بازار شهر با ارگ حکومتی است.

نکته قابل ذکر در انواع دسترس‌های فوق، تفاوت بین آنها به دلیل نوع عملکرد عناصر شهری بوده است. ارتباط و دسترسی اصلی از محله‌ها به مسجد جامع به عنوان مکان مذهبی و فرهنگی با عملکردی که می‌توانسته مورد استفاده مستقیم و روزمره مردم باشد، هم مستقیماً از طریق راسته‌ها و معابر اصلی تأمین می‌شده و هم از طریق بازار ارتباط برقرار بوده است. اما در خصوص ارگ حکومتی با عبور از معابر اصلی و بازار و سپس عبور از یک فضای واسط (سبزه‌میدان) و با عبور از یک دروازه و حصار، ارتباط غیرمستقیم و کنترل شده برقرار بوده است.

الگوی شبکه دسترسیها در کل شهر و نسبت به استخوانبندی اصلی، نکته دیگری است که قابل توجه است. مجموعه معابر شهر دارای سلسله مراتب بوده و محوری که استخوانبندی اصلی شهر در امتداد آن قرار می‌گیرد و اصلی‌ترین و پررفت و آمدترین بخش این شبکه می‌باشد. شبکه راههای شهر، الگوی شطرنجی نامنظم و ارگانیک دارد و اغلب تقاطعهای راههای فرعی با محورهای اصلی به صورت سه راهی است. ارتباط بین دو دروازه شمالی - جنوبی شهر از طریق یک محور اصلی مستقیماً برقرار بوده است. ارتباط محور غربی - جنوبی (مهمترین محور تردد در شهر) نیز به صورت مستقیم برقرار بوده است. ارتباط بین شرق و غرب شهر از طریق یک محور اصلی بوده که با دو محور شمالی - جنوبی و غربی - جنوبی دارای تقاطع بوده است. دو محور شمالی - جنوبی و غربی - جنوبی در یک نقطه (دروازه جنوبی شهر) با هم مجاورت می‌یافتند. محدوده استخوانبندی اصلی شهر و مرکز ثقل فعلیتی و ترددی، محل تلاقی این چند محور اصلی بوده است. بازار یا بخشی از استخوانبندی اصلی شهر بر یک گره ارتباطی مهم شهر منطبق شده است. نوع تقاطع دو محور اصلی شهر (وجود فاصله بین تقاطعهای دو محور اصلی با یک محور دیگر) باعث بروز یک حوزه پرکشش و متمرکز در ناحیه بین دو تقاطع شده و فرم بازار را تقویت و تشدید نموده است.

## سیر تحول شهر و استخوانبندی آن در دوره قاجار

دوره اول: از آغاز دوره قاجار تا زمان ناصرالدین شاه

### ویژگیهای کالبدی

#### سیر تحول شهر و استخوانبندی اصلی آن در دوره قاجاریه

آقامحمدخان قاجار پس از رسیدن به قدرت، تهران را به عنوان پایتخت انتخاب کرد و در سال 1200 در کاخ گلستان به تخت سلطنت تکیه زد. نقش جدید شهر به عنوان پایتخت، عاملی در احداث بناهای زیبا شد که شکل و سیمای شهر را تغییر داد. مرمت حصار شهر و آغاز احداث قصر قاجار، تنها ساخت و سازهایی بود که در زمان آغاز حکومت محمدخان قاجار صورت گرفت.

در زمان فتحعلی شاه، خندقی در اطراف شهر ایجاد می شود. ساختمانها، مساجد، تکایا، بازارچه و محلههایی تازه احداث و قصرهای متعدد در خارج شهر بنا می گردد. وی در خارج محدوده شهر آن زمان، باغ نگارستان را بنا می نماید. قصر قاجار در جاده قدیم شمیران به عنوان محل ییلاقی شاه احداث می شود. باغ لاله زار نیز در خارج تهران قدیم بوجود آمده و قصر لاله زار در آن بنا می گردد. در محل ارگ نیز چند عمارت تازه احداث شد. در این مقطع زمانی، مسجد شاه در جنوب شرقی ارگ و مجاور بازار بنا می شود. مدرسه

مروی از دیگر بناهای این زمان می باشد. در باغ شاه در طرف غربی شهر، عمارتی ساخته شد که بعداً محل استقرار ژاندارمری و سربازخانه شد. بدین ترتیب ضمن حفظ ساختار استخوانبندی اصلی شهر، با احداث عناصر جدید، در مجاورت و یا نزدیکی این مجموعه به اعتبار بیشتر آن اقدام می شود.

در زمان محمدشاه، توسعه ساخت و سازها با احداث چند محله جدید ادامه می یابد. در این زمان، توسعه و تکمیل مسجد جمعه و بازار بین الحرمین انجام می پذیرد. با احتساب دروازه شمیران و دروازه غار، در همین محدوده زمانی تهران دارای 6 دروازه می باشد. در این دوره نیز ضمن توسعه و تکمیل استخوانبندی قدیم شهر، همانند بسیاری از شهرهای اسلامی، عناصر برجسته شهر را مجموعه حکومتی (ارگ) و بناهای مذهبی و بازار تشکیل می داده اند.

### عناصر طبیعی و مصنوعی

به علت موقعیت خاص قرارگیری شهر در پهنه دشت، عناصر طبیعی نقش ویژه ای در استخوانبندی اصلی شهر نداشتند.

عناصر مصنوع استخوانبندی اصلی شهر در این دوران عبارت از ارگ یا محل عمارات حکومتی، بازار، مساجد جامع، شاه، مدرسه علمیه مروی، قصرها و باغهای حکام، اعیان و اشراف شهر بوده اند. به طور مشخص عناصر جدید به

استخوانبندی اصلی شهر، اگر باغها و قصرها مستثنی شود، پیرامون‌های عناصر قبلی احداث شده و به طور کلی به صورت تکمیل همان مجموعه تلقی می‌شود.

### موقعیت استخوانبندی اصلی در شهر

محدوده عناصر اصلی استخوانبندی شهر، همچنان دارای موقعیت مرکزی در شهر بوده و گرچه گرایش الحاق عناصر جدید به سمت شمال بوده است، اما غیر از باغهای جدیدالاحداث و عمارات آنها که به طور پراکنده در شمال و غرب بنا شده‌اند، سایر عناصر در مجاورت و نزدیکی عناصر قبلی قرار گرفته و با توسعه شهر از تمام جهات جغرافیایی (در محدوده داخلی حصار)، موقعیت مرکزی استخوانبندی شهر حفظ می‌شود.

توسعه محور اصلی عمدتاً به سمت جنوب و دروازه جنوبی شهر اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، عناصر جدید در اطراف ارگ سلطنتی (در ضلع جنوبی و شرقی) و تکمیل عناصر نظامی، حکومتی و دیوانی در داخل محدوده ارگ، مجموعاً موقعیت مرکزی استخوانبندی اصلی شهر را با الگوی توسعه تدریجی به اطراف تثبیت می‌نماید.

## ساختار کالبدی

در تکمیل الگوی خطی قبلی، توسعه استخوانبندی اصلی شهر در این مقطع، آن را به الگوی خطی، شاخه‌ای (محور تجاری اصلی) و ترکیب خطی - هسته‌ای از طریق احداث عناصر جدید در مجاورت استخوانبندی قبلی (مسجدشاه) تبدیل می‌نماید. ایجاد هسته‌های جدی در نزدیکی مجموعه قبلی، در کنار شاخه‌های انشعابی از محور اصلی (مدرسه مروی - بازارچه مروی)، توسعه و تکمیل هسته‌های موجود با الگوی گروهی (عناصر درون ارگ سلطنتی)، ایجاد هسته‌های پراکنده از کوشک‌های اعیانی و سلطنتی، صورت می‌پذیرد. البته باید در نظر داشت که هسته‌های کوچک از مراکز محله‌ای به طور پراکنده در سطح شهر وجود داشته است که توسط مسیرهای اصلی به استخوانبندی اصلی شهر مرتبط می‌شدند. همچنین هسته‌هایی از تمرکز فعالیت‌های تجاری در امتداد محور اصلی ساختار کالبدی به سوی دروازه‌های اصلی شکل می‌گیرد، بویژه در مجاورت دروازه (محمدیه) در قسمت جنوب غربی شهر که یک تمرکز تجاری پدیدار می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در توسعه استخوانبندی اصلی شهر در این مرحله، دو الگوی خطی - شاخه‌ای و خطی - هسته‌ای به صورت ترکیبی با یکدیگر وجود داشته است و چند محور شمالی - جنوبی، دارای اهمیت

بیشتری می‌شوند. دو مورد از این محورها به صورت ناپیوسته و منفصل از بازار، دارای عملکرد تجاری (به صورت حاشیه گذر) می‌شوند، اما دو مورد دیگر به صورت پیوسته با بازار یا ستون فقرات اصلی شهر، توسعه می‌یابند. یکی از این دو محور، همان محور اصلی ارتباطی شهر است که استخوانبندی اصلی شهر را به دروازه شمیران ارتباط می‌دهد. این محور که در دوره قبل از اهمیت کمتری برخوردار بود، با ظهور عناصر شهری جدید از جمله پامنار (یک نشانه شهری)، مساجد، کاروانسراها، عمارات اعیانی، دارای اهمیت بیشتری می‌شود. مورد دیگر گذرگاه مجاور ضلع شرقی ارک است (بازار خندق) که در جهت شمال آن قرار گرفته است.

### ویژگیهای عملکردی

عملکردهای اصلی عناصر و اجزا استخوانبندی اصلی شهر در این دوره به چند گروه عمده قابل تفکیک است. عملکردهای حکومتی و دیوانی، کارکردهای نظامی، فعالیتهای تجاری، کاربریهای مذهبی و فرهنگی از اهم این موارد به شمار می‌آیند. عملکردهای حکومتی و دیوانی همچنان در ارگ و در محدوده‌ای مستقل از استخوانبندی اصلی شهر به صورت یک هسته متمرکز است. کاربریهای نظامی مثل گارد سلطنتی، سربازخانه و وزارت جنگ



نیز در پشتیبانی عملکردهای حکومتی در مجاورت آن و در درون ارگ مستقر هستند. بخشی از عمارات مسکونی اعیان و اشراف در حواشی کاربریهای حکومتی و در محل دروازه ارگ (تخته پل) به صورت جداکننده مجاورت مستقیم آن با بخشهای مسکونی شهر قرار می‌گیرد. کاربریهای مذهبی - فرهنگی شامل مساجد و مدارس که نقش شهری دارند (مسجد شاه و مدرسه مروی) به دلیل ارتباط دوسویه آن با دستگاه حکومتی و عامه مردم در محدوده‌ای بینابین آنها (ارگ و بازار) واقع می‌شود. عملکردهای مشابه که مختص استفاده درباریان و خواص بوده است در درون ارگ کنار کاربریهای مسکونی آن (شمس‌العماره، عمارت بادگیر و ...) قرار می‌گیرد، از جمله این عناصر، مسجد مهد علیا، مدرسه دارالفنون، تکیه دولت و ... است.

بخش مهم دیگری از عملکردهای استخوانبندی اصلی شهر را کاربری تجاری و به طور خاص بازار تشکیل می‌داده که علاوه بر دادوستد، تولید صنایع دستی کوچک نیز در همان محدوده انجام می‌شده است. این کاربری که در ارتباطی مستقیم یا عامه مردم و نیازمند تغذیه مناسب از شبکه ارتباطی اصلی و پرتردد شهر است، به صورت شریانی در طول نسبتاً زیادی تداوم دارد و گرایش توسعه آن به سمت دروازه‌های شهر است. مجاورت بازار

با اماکن مذهبی (امامزاده زید و سیداسماعیل و ...) نیز این اماکن را در حوزه فعالیت روزمره مردم قرار داده است.

بخش اعظم گستره استخوانبندی اصلی شهر، تحت پوشش ارگ سلطنتی است و پس از آن عملکرد تجاری به عنوان فعالیت اصلی مردم، تلفیقی از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی است که در مجاورت با فعالیتهای فرهنگی - مذهبی، ترکیبی از کلیه فعالیتهای اصلی شهر را پاسخگوست.

### ویژگیهای شبکه دسترسی

استخوانبندی اصلی شهر در این دوره از دو سو مستقیماً توسط دروازه‌های شهر به خارج شهر ارتباط داشته است. ارگ از شمال توسط دروازه دولت (دسترسی اختصاصی) و بازار از جنوب (دسترسی عمومی)، توسط دروازه شاه عبدالعظیم با خارج شهر مرتبط می‌شده است. گسترش استخوانبندی اصلی شهر در امتداد محورهای اصلی دسترسی از نقاط مختلف شهر به آن را نیز باید ناشی از نقش مهم شبکه دسترسیها به این محدوده دانست. توزیع دسترسی از استخوانبندی اصلی شهر به نواحی مختلف آن از الگو و نظام مناسب برخوردار بوده به نحوی که به تمام قسمتهای شهر دسترسی فراهم می‌ساخته است. این الگو به صورت انشعاب شاخه‌های اصلی

از ستون فقرات شهر و سپس اتصال آنها به صورت شبکه شطرنجی نامنظم با راههای فرعی است. در شمال شهر، حد فاصل ارگ و بازار، شبکه دسترسیها در سلسله مراتب اصلی به فرعی آن، به صورت سه لوپ محاط شده در یکدیگر، الگوی ویژه‌ای را از قابلیت توسعه استخوانبندی اصلی شهر مطرح می‌نماید. در مجموع می‌توان گفت محورهای اصلی دسترسی بین اجزاء و عناصر اصلی به مرور، خود در زمره بخشهایی از استخوانبندی اصلی شهر درآمده‌اند. یک نمونه دیگر قابل ذکر از این دست، بازار بین‌الحرمین حدفاصل مسجد جامع و مسجد شاه است.

در توسعه راسته اصلی تجاری (بازار) به صورت خطی، که با شکل‌گیری هسته‌های تجاری یا سراها همراه است، دسترسی از طریق معابر فرعی (دالانها) برقرار می‌شده است. در این الگوی توسعه خزنده به سوی بافت مجاور بازار، سراهایی که از راسته اصلی بازار فاصله بیشتری می‌گیرند و دارای دالانهای طولانی‌تری هستند، اغلب از کوچه‌های فرعی مجاور نیز دارای دسترسی ثانوی هستند.

دوره دوم: دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت سلسله

قاجار

## ویژگیهای کالبدی استخوانبندی شهر

زمان زمامداری آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه را باید جزء مرحله رشد بطنی شهر به شمار آورد. رشد سریع کالبدی شهر در پنجاه سال پادشاهی ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه، اتفاق می‌افتد که دوره دوم در سیر تحول و رشد شهر در دوره قاجار است.

در زمان ناصرالدین‌شاه، علاوه بر احداث بارو، دروازه و خندق جدید در تهران، باغها و عمارات متعدد نیز در شهر بنا شده از جمله: باغ حسن‌آباد، باغ فرمانفرما، پارک اتابک محل کنونی سفارت شوروی (سابق)، پارک امین‌الدوله، باغ و عمارت بهارستان، عمارت مسعودیه (محل کنونی وزارت آموزش و پرورش)، باغ امین‌الدوله، باغ و عمارت مخبرالدوله، باغ و عمارت امیریه، بنا گردیدند. در پنجاه سال زمامداری ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه، به علت رشد سریع کالبدی تهران و اشغال سطح درون بارو، قصرهای سلطنتی، کوشکهای اعیانی، سفارتخانه‌ها و خانه‌های خارجیان در بیرون از حصار شهر ساخته می‌شوند. بدین لحاظ محدودیت برج و باروی صفوی در هم شکسته شده و حصار و خندق جدیدی با دوازده دروازه احداث شد و شهر چندین برابر توسعه یافت و مساحت داخل باروی شهر به حدود 20 کیلومترمربع

رسید. این باروی جدید به شکل هشت ضلعی نامنظم درآمد که تقلیدی از استحکامات پاریس بود. با تغییر حصار شهر،

### عناصر طبیعی و مصنوعی

شهر در این دوره نیز با توجه به ویژگی جغرافیایی منطقه استقرار و اندازه توسعه شهر، همچنان در نواحی هموار دشت تهران گسترده شده و لذا عناصر طبیعی ویژه‌ای در استخوانبندی اصلی شهر قرار نمی‌گیرد. عناصر مصنوع استخوانبندی شهر در این دوران عبارتند از: مجموعه حکومتی - نظامی ارگ، فضاهای باز شهری شامل عملکردهای نظامی - تشریفاتی مثل میدان توپخانه، میدان مشق، سبزه‌میدان و فضاهای حاشیه آن، بازار و سراهای متعدد آن، مساجد شاه، جمعه و سپهسالار، مدارس مروی و دارالفنون، هسته مذهبی نواحی جنوبی و مرکزی شهر مثل امامزاده زید، سیدولی، سیداسماعیل، شبکه دسترس‌یهای جدیدالاحداث شامل دروازه‌ها و خیابانهای مهم مثل ناصرخسرو، باب همایون، امیریه، چراغ برق و لاله‌زار، مریم‌خانه، علاءالدوله و دولت، جلیل‌آباد و ... تعدادی کاخها و عمارات حکومتی و اعیان‌نشین مثل دوشان تپه، قصر فیروزه، قصر قاجار، باغ بهارستان

که گرچه در این مقطع از عناصر اصلی استخوانبندی شهر نبوده‌اند اما در سمت‌گیری توسعه آن مؤثر بوده‌اند.

### موقعیت استخوانبندی اصلی در شهر

به لحاظ گسترش شهر از همه جهات، موقعیت مرکزی استخوانبندی اصلی در شهر، تقویت می‌شود. گرچه جهات اصلی توسعه استخوانبندی اصلی شهر در محور شمالی - جنوبی اتفاق می‌افتد اما اهمیت این توسعه در نواحی شمالی شهر بیشتر است. در جهت شمال و شمال غرب هر دو نوع توسعه کالبدی، به صورت پیوسته و گسسته (مجموعه باغ بهارستان، مسجد سپهسالار، کاخ و ...) وجود دارد. علت این امر، موقعیت ویژه اراضی شمال شهر است که در اختیار اعوان و انصار دستگاه حکومت بوده اما مهمتر از آن موقعیت بخش قدرتمند حکومتی - نظامی در قسمت شمالی شهر و استخوانبندی آن است که جاذبه و وزنه این توسعه را در شمال شهر افزونتر از سایر نواحی

### ویژگیهای عملکردی

در سازمان‌یابی حوزه‌های اصلی عملکردها در این دوران، تفکیک و تلفیق عملکردها، صورت مشخص‌تری به خود می‌گیرد. چهار جزء مشخص عملکردی در مجموعه عناصر و اجزاء استخوانبندی اصلی شهر قابل تفکیک است. بخش مهمتر، عملکردهای حکومتی - نظامی و تشریفاتی است. حوزه اصلی این عملکرد در بخش شمالی استخوانبندی اصلی شهر واقع بوده و شامل ارگ، توپخانه و مجموعه عناصر پیرامون آن شامل تلگرافخانه، نقاره‌خانه، بانک شاهی و ... میدان مشق و عناصر شهری مجاور آن مثل سربازخانه، قزاقخانه، چاشنی‌ساز خانه، تخت خانه و ... بوده است. عملکرد اصلی دیگر، فعالیتهای تجاری شامل بازار و سراهای مجاور آن و انشعابات جدید از راسته اصلی بازار به سمت محله‌های مجاور و دروازه‌های شاه عبدالعظیم، قزوین، شمیران و ... است. حوزه دیگر، بویژه فعالیتهای مذهبی است که در چند هسته مجزا و به صورت ترکیب شده با عملکردهای دیگر بوده است. در داخل هسته اصلی حکومتی یعنی ارگ، مجموعه‌ای از عملکردهای فرهنگی (دارالفنون)، مسکونی و تشریفاتی شامل کاخ گلستان، عمارت یادگیر و شمس‌العماره، مذهبی مثل تکیه دولت و مسجد مهدعلیا، نظامی مثل دیوانخانه، قورخانه، اصطبل‌ها و ... وجود داشته است. هسته مذهبی مجاور بازار و ارگ شامل مسجد جامع و مسجد شاه و مدرسه علمیه

مروی، هسته ترکیبی با بازار شامل امامزاده زید و سیدنصرالدین و هسته واقع در انتهای راسته بازار شامل مجموعه مذهبی سیداسماعیل و سرقبرآقا، هسته مجزای مسجد سپهسالار و ... می‌باشند.

فعالیت‌های تفریحی، بخش دیگری از عملکردهای شهری است که از دوره ناصرالدین‌شاه در شهر ظاهر و دارای هویت مشخص می‌شود. دو بخش اصلی این گروه، شامل مجموعه دوشان‌تپه و مجموعه لاله‌زار و باغ‌وحش مجاور آن است. بناهای خاصی مثل مریضخانه نیز در امتداد مجموعه بناهای جدید احداثی توسط دولت وقت، در خیابان امیریه (سپه) قرار می‌گیرد.

میادین و فضاهای باز شهری نیز جزیی از استخوانبندی شهر بوده و بنا به موقعیت مکانی استقرار دارای عملکردهای متفاوت بوده‌اند. برخی میادین مثل ارگ، توپخانه و مشق، دارای عملکردهای نظامی، حکومتی و تشریفاتی بوده و برخی دیگر مانند امین‌السلطان و سبزه‌میدان عمدتاً دارای فعالیت‌های تجاری و مبادلاتی بوده‌اند. فعالیت‌های فرهنگی - مذهبی در تکایا که در سطح شهر پراکنده بوده‌اند انجام می‌گرفته است.

### ویژگی شبکه دسترسی و آمد و شدها

دسترسی به محدوده استخوانبندی اصلی شهر در این مقطع همچون گذشته، از خارج شهر یا عبور از دروازه‌های شهر و طی مسیرهای اصلی و



فرعی به مجموعه تأمین می شده است. محورهای عمده ارتباطی نقاط مختلف شهر به این محدوده، شامل دو محور شرقی - غربی است که یکی دروازه گمرک را به دروازه خراسان مرتبط کرده و در نواحی جنوبی استخوانبندی اصلی شهر به آن دسترسی می داد و دیگری تأمین دسترسی در بخشهای شمالی استخوانبندی شهر است که مسیر اصلی آن دروازه باغشاه را به دروازه دولاب وصل می کرد. یک مسیر کوتاه اما مهم دیگر، مجموعه بهارستان و مسجد سپهسالار را از طریق دروازه دوشان تپه به مجموعه عمارت و تفرجگاه دوشان تپه در خارج حصار شهر مرتبط می ساخت. محور اصلی شمالی - جنوبی، دروازه شاه عبدالعظیم را با عبور از درون استخوانبندی اصلی شهر به دروازه شمالی (شمیران و دولت) وصل می کرد. محورهای فرعی دسترسی شمالی جنوبی یعنی علاءالدوله و خیابان یوسف آباد دسترسی دیگری را از بخشهای توسعه یافته استخوانبندی اصلی شهر به سوی دروازه شهر و حواشی شمالی آن تأمین می نمود. از طریق گذرها و راسته محله ها نیز دسترسیهای فرعی تری از محله های مختلف شهر به این محدوده برقرار بوده است. به طور کلی می توان گفت که از همه دروازه های شهر با طی یک مسیر مستقیم به مجموعه استخوانبندی اصلی شهر دسترسی برقرار بوده است.

در بخشهای توسعه یافته، الگوی دسترسی به عناصر استخوانبندی از طریق میداين وسیع و اصلی و خیابانهایی که به این میداين منتهی می شده اند. خیابانهای جدیدالاحداث که خود عاملی برای توسعه بعدی استخوانبندی شهر می گردند، عمدتاً دارای الگو شطرنجی بوده و در جهت شمالی شهر گسترش یافته اند.

در زمینه دسترسیهای داخلی بین عناصر استخوانبندی اصلی شهر، در توسعه این مجموعه ویژگیهای ذیل قابل تشخیص است:

الف) دسترسی عموم مردم به بخشهای جدید از طریق عبور از خیابانهای جدید که در حواشی عناصر واقع اند و با عبور از یک فضای باز شهری، به عملکردها و فضاهای پیرامون فضای باز ممکن می گردد. دسترسی به فضاهای باز شهری فوق الذکر متعدد بوده و از جهات مختلف ممکن است (میدان توپخانه، مشق و بهارستان). از بخش قدیمی استخوانبندی یعنی بازار و سبزه میدان با دو شاخه شدن از دو طرف ارگ (عنصر هسته ای قدیمی) به دو فضای باز شهری جدید دسترسی برقرار می شود.

ب) برقراری ارتباط خاص از درون هسته قدیمی (ارگ) به مرکز حکومتی - نظامی جدید شهر توسط یک مسیر ویژه جدیدالاحداث در درون ارگ تأمین می شده است.

ج) ارتباط مستقیم از محله‌های مجاور عناصر استخوانبندی اصلی شهر به هر یک از آنها و البته از طریق عبور از یک فضای شهری (مفصل شهری) برقرار بوده است.

د) ارتباطات درونی در مجموعه ارگ حکومتی به صورت عبور از فضاهای باز درون ارگ (مثل میدان ارگ) بوده که دسترسی غیرمستقیم عناصر مختلف درون ارگ با یکدیگر به این طریق تأمین می‌شده است.

و) محله‌های شهر از طریق عبور از یک معبر اصلی، یک بازارچه و سپس یک میدان یا فضای باز شهری به بازار دسترسی می‌یافته‌اند و از آن طریق نیز به طور غیرمستقیم به عناصر جدید دسترسی می‌یافتند.

### سیر تحول شهر و استخوانبندی آن در دوره پهلوی اول

#### ویژگیهای کالبدی

تهران در آغاز روی کارآمدن رضاخان همان صورت پایان عهد قاجاریه را داشت (1299 شمسی)، خصوصاً که در زمان مظفرالدین‌شاه، اقداماتی عمرانی خاصی انجام نشده و به وسعت شهر افزوده نشده بود.

در زمان رضاخان، با فراهم آمدن توان مالی، تحولات همه‌جانبه‌ای در شهر پدیدار شده، رشد و توسعه فیزیکی شهر نیز آغاز گردید. در این دوره

شهر تهران در کنار کارکردهای گذشته، دارای کارکردهای جدیدی بویژه در جهت تمرکز فعالیتهای اداری و توسعه صنعتی شد. این امر بر فعالیتهای سنتی شهر تأثیر گذاشته، پیدایش و گسترش نهادهای جدید شهری، اساس تحول و توسعه عملکردی و کالبدی تهران از آغاز قرن چهاردهم شد.

در دوره پهلوی اول، به علت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شهر تهران چهره یک جامعه اداری و صنعتی به خود گرفت. در این تحول بنیادین که در فاصله زمانی سالهای 1300 تا 1320 شکل می‌گیرد. دولت با اقدامات عمرانی به گسترش نهادهای دولتی و مؤسسات اجتماعی و اقتصادی جدید دست می‌زند تا به عنوان ابزار تأمین اهداف سیاسی - اقتصادی خود و زمینه‌سازی دگرگونی ساختار اجتماعی بکار بسته شود.

از نظر کالبدی، در آغاز این دوره، مجموعه شهری تهران، علی‌رغم توسعه‌هایی که یافته بود در داخل حصار ناصری قرار داشت. به علت سرعت آهنگ رشد شهر و با هدف ایجاد تغییرات بنیادین، در پی گسترش شهر به خارج از حصار و خندق دوره ناصری که از سال 1309 شروع شد، در سال 1311 تخریب باروی قدیمی شهر آغاز گردید که تا سال 1316 ادامه داشته و در این سال به طور کامل از میان برداشته شد. خندقهای پیرامون شهر پر شده و به جای آنها خیابانهای جدید در دوردور شهر احداث شد. بدین ترتیب

سیما و هویت شهر قدیم که شهری قرون وسطایی و محصور بود تغییر یافته و شهری که محدوده‌های رشد فیزیکی آن از میان برداشته شده بود، در جهت دست یافتن به سیما و هویتی نوین گام برداشت و نوسازی شهری سرلوحه اقدامات قرار گرفت.

تغییر ماهیت سیاسی - اقتصادی و عملکردی شهر با تغییر شکل "نوسازی شهری" در دوره ظاهری آن دنبال شد. در این راستا اقدامات گوناگونی صورت گرفت. سطوح جدیدی زیر ساخت و ساز رفته و محله‌های جدید احداث شد. یا برخی از محله‌های قدیمی به طور اساسی تخریب و بازسازی شد. ساختمانهای دولتی عمدتاً در درون محدوده قدیمی و در بخشهای توسعه یافته جدید، احداث شد. با ایجاد شبکه راهها و خیابان‌کشی‌های جدید، تأمین دسترسی در گستره جدید و بزرگ شهر توسط وسایط نقلیه ماشینی، پیگیری شد.

توسعه شهری آغاز شده که زیربنای تحولات استخوانبندی شهر نیز تلقی می‌شود، در یک چارچوب و نظام اداری به نام بلدیة (شهرداری) که در سال 1298 تأسیس شد، سازمان داده شد. از اولین اقدامات آن تخریب و نوسازی محلات فرسوده و قدیمی در مرکز و شمال غربی شهر از جمله محله سنگلج بود. تخریب کلی محله سنگلج یکی از اقدامات شهرسازی مهم این

دوران بود و در نظر بود در آن میدان بورس بوجود آید ولی این اقدام عملی نشد و مدتها به صورت بایر باقی ماند تا آنکه در سال 1329 پارک شهر فعلی در محل آن ایجاد شد. در ادامه تغییراتی که در محدوده‌های معینی در سطح شهر صورت گرفت، می‌توان از دخل و تصرف در ارگ سلطنتی نام برد. با درهم شکسته شدن حصار ارگ و دروازه آن، به استثنای کاخ گلستان و شمس‌العماره بقیه عمارات درهم کوبیده شد و به جای آن وزارتخانه‌های جدید احداث شد. از جمله در محل عمارت خوابگاه (اندرون) ناصرالدین‌شاه، وزارت مالیه احداث شد. در پی اقدامات فوق که برای فروپاشی نهادهای شهری رژیم گذشته (قاجار) صورت می‌گرفت. برخی دیگر از باغها و عمارات اعوان و انصار دربار، به کاربریهای جدید شهری تبدیل شدند. باغ اتابک به سفارت شوروی، باغ مسعودیه (ظل‌السلطان) به وزارت معارف داده شد. خانه علاءالدوله حاکم ستمگر تهران در انقلاب مشروطه نیز به بانک ملی و رهنی داده شد و کاخ کامران میرزا به نام امیریه تبدیل به دانشکده افسری شد. قصر قاجار که در زمان آقامحمدخان در راه قدیم شمیران بر فراز تپه‌ای احداث شده بود، به ساختمان‌های ستاد ارتش اختصاص یافت و بدین ترتیب عناصری که در دوره قبل پایه‌گذاری شده‌اند، در این دوره با تغییر عملکرد جزئی از استخوانبندی شهر می‌شوند.

غیر از تغییرات عمده‌ای که در کنار مرکز قدیمی شهر و محوطه ارگ قدیمی روی داده و تبدیل به مرکز نهادها و وزارتخانه‌های دولتی شد، محوطه میدان مشق (باغ ملی) نیز پذیرای تغییرات کالبدی عمده‌ای شد. وزارتخانه‌ها و سازمانهای ارتشی و باشگاه افسران در این فضای باز شهری احداث شدند. در پی این تغییر، کاخهای سلطنتی از مرکز شهر به غرب شهر منتقل شدند. محل باغ نگارستان در شمال میدان بهارستان از عمارات دوره فتحعلیشاه، که به مدرسه نقاشی کمال‌الملک اختصاص یافته بود به اداره هنرهای زیبا تبدیل شد (که بعداً محل وزارت ارشاد اسلامی گردید).

در دوره رضاخان بیشترین توسعه کالبدی در شمال شهر در امتداد خیابانهای سعدی، لاله‌زار، فردوسی، حافظ، فروردین و سی‌متری اتفاق افتاد. جریان توسعه به طرف شمال از زمان ناصرالدین‌شاه و تشکیل محله دولت آغاز شده بود. این ناحیه عمدتاً محل سفارتخانه‌های خارجی و سکونت اروپاییان و گروههای جدید اجتماعی بود. در عصر رضاخان بافزونی گرفتن گرایش به مدرنیسم و شکل گروههای اجتماعی جدید از شهرنشینان، حد شمالی شهر از باروی قدیمی فراتر رفته و تا خیابان تخت‌جمشید توسعه می‌یابد. توسعه ارتباطات شهری و خیابان‌کشی‌های جدید نیز به همراه رواج استفاده از وسایط موتوری، روند شتابان گسترش شهر به سمت شمال را

فزونی بخشید. در نواحی شمال شهر، بیشترین توسعه فیزیکی در پیرامون دروازه شمیران رخ می‌دهد. این نقطه کانون اصلی توسعه تهران به طرف شمال شرق و شرق شهر می‌شود. دروازه شمیران بعد از مدتی این نقش را به میدان فوزیه می‌بخشد. توسعه به سوی جاده مازندران و خیابان‌های دوشان تپه و عشرت‌آباد، دروازه شمیران را به یک مرکز توسعه شمالی در این بخش از شهر، تبدیل نمود. توسعه شهر به سمت جنوب بسیار کند اتفاق افتاد. وجود گودهای کوره‌های آجرپزی، اراضی کشاورزی، دیوارهای مخروبه حصار ناصری، گورستان قدیمی (سرقبر آقا)، عوامل بازدارنده توسعه کالبدی در این نواحی بودند. بیشترین توسعه تهران بعد از شمال شهر، به سمت غرب صورت گرفت، توسعه ناحیه غرب تهران در شمال باغشاه، در ادامه توسعه شمال شهر تهران بود که از حد خیابان بسی‌متری نیز تجاوز کرد. کانون توسعه جنوب‌غربی تهران، دروازه‌های قزوین و گمرک در امتداد جاده‌های قزوین و رباط کریم بودند.

از مهمترین فعالیتهای شهرسازی دوره پهلوی اول، احداث خیابانهای عریض و اقداماتی در زمینه ساختمان اماکن دولتی و فرهنگی بود که شالوده توسعه و تحول استخوانبندی شهر در مراحل بعدی می‌گردد.



از تأثیر رضاخان بر شهر تهران، آنچه بیش از هر چیز به یاد مانده، خیابان‌کشی‌های اوست که به تقلید از شهرهای اروپایی، بافت‌های شهری را می‌برد و ابتدا و انتهای شهر را به هم وصل می‌کرد. تغییر شکل خیابانهای قدیم به بلوارهای جدید با اشکال نسبتاً منظم و هندسی در دو دهه اول 1300 انجام پذیرفت. با پر شدن خندقهای پیرامون شهر، به جای آنها خیابانهای جدید در چهارسوی شهر با نامهای شاهرضا در شمال، شوش در جنوب، شهباز در شرق و سی‌متری نظامی در غرب در سال 1312، در چارچوب برنامه نوسازی تهران، به "تعویض و توسعه معابر" احداث شد. قانون عنوان ابزاری برای تبدیل شهر تهران به یک شهر نوین مطابق الگوی غربی بکار گرفته شد. بیش از آن از سال 1309 تعویض خیابانهای خیام، ناصر خسرو، فردوسی، استانبول، شاه‌آباد، نظامیه، سیروس، شاهپور، امیریه، مولوی (اسماعیل بزاز) و خانی‌آباد شروع شده بود. سپس خیابانهای پهلوی و کاخ احداث شدند. به تدریج یک شبکه جدید از خیابانهای و بلوارها در سطح شهر تهران شکل می‌گیرد، به طوری که 1/8 کیلومترمربع (9 درصد تمام شهر)، به زیر شبکه ارتباط و دسترسی شهری و میادین می‌رود.

در شهرسازی دوران پهلوی اول، کوشش می‌شود شهر تهران ساختی مشخص به خود بگیرد. میادین در انتهای خطوط عمده شهری و یا در محل

تقاطع آنها احداث می گردید و اطراف آن قرینه سازی می شد. ساختمانهای مهم در انتهای محور خیابانها یا در محور فضاهای باز شهری قرار می گرفت و قرینه سازی شکلی اهمیت زیادی داشت. بدین ترتیب تلاش می شد شهر از حالت تک مرکزی (توپخانه) بیرون آمده و هر یک از میادین آن را ثقل و اهمیتی خاص خود برخوردار شود.

میدانهای حسن آباد، مخبرالدوله، اعدام، راه آهن و منطقه سردرباغ ملی محصول این دوره هستند. گردیده، از این رو نوعی وحدت شکلی در بدنه "دستورات ساخت" خیابانها دارای طراحی شهری و این خیابانها احساس ایجاد شد که یکی از بهترین نمونه های آن خیابان امیریه و چراغ گاز بود که هنوز قطعات منفصلی از آن باقی است.

خیابان کشی های فوق الذکر، مبنایی برای توسعه شهر و استخوانبندی اصلی آن بودند. قسمت جدید شهر در حول محور شرقی - غربی خیابان شاهرضا و محور شمالی - جنوبی خیابان فردوسی شکل گرفت. در این منطقه بیشترین ساختمانهای دولتی و عمومی مانند دانشگاه، بیمارستانها، دبیرستانها، سفارتخانه های خارجی و ... ساخته شدند. هتل و کافه بلدیه (شهرداری) در چهارراه پهلوی بنا شده، سینما و تئاتر، هتلها و کافه های دیگری در خیابان لاله زار بوجود آمدند. خیابان فردوسی محل استقرار

ساختمانهای مختلف دولتی و بانکها و سازمانهای نظامی شد. مرکز جدید دولتی با خیابانهای منظم که عبارت بودند از: خیابانهای خیام، بوذرجمهری، سپه، سوم اسفند احاطه شد. مراکز تجاری و خدماتی در طول خیابانهای جدید مرکز شهر، جسته و گریخته بوجود آمدند. خیابان لاله‌زار و استانبول با پیدایش هتلها و کافه‌ها و مغازه‌های جدید، نقش گردشگاهی یافتند و مغازه‌های جدید در خیابانهای ناصرخسرو، چراغ برق، سپه و بوذرجمهری، بخشی از نقش تجاری بازار را برعهده گرفتند. در نتیجه تحولات در دوره رضاخان یک منطقه با کارکرد مرکز شهری در شمال تهران با ساختمان‌های نوین و خیابانهای مشجر و میدانهای بزرگ بوجود آمد.

به منظور تأمین عملکردهای جدید شهر در این دوره، نهادها و بناهای متعددی احداث می‌شود. تأسیس نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها مثل، وزارت مالیه (دارایی)، عدلیه (دادگستری)، شهربانی، وزارت امور خارجه، پست‌خانه و ... بناهای آموزشی و فرهنگی مثل دانشگاه تهران، مرکز تربیت معلم، دانشکده نظام، موزه ایران باستان، کالج البرز و دبیرستانهای انوشیروان، فیروز بهرام، بناهای صنعتی مثل کارخانه سیمان تهران، دخانیات، چیت‌سازی، سیلوی تهران، کارخانه برق تهران در میدان ژاله، کارخانه شهباز، کاخهای جدید سلطنتی مثل کاخ مرمر، کاخ سعدآباد، نهادهای اقتصادی مثل بانک

ملی، رهنی، بازرگانی، بیمارستانها، تغییر فرودگاه دوشان تپه و سایر مؤسسات مربوط به نیروی هوایی کشور و ورزشگاه امجدیه مهمترین این بناها هستند. تحولات کالبدی شهر تهران در دوره رضاخان را می توان تحت تأثیر جریان بین المللی جنبش مدرنیسم به شمار آورد. انتظام بخشی فضایی و کالبدی به ساخت شهر، به معنایی که شهرنشینی اروپایی به سبک هوسمانی "Haussman" زیر نفوذ آن بود، الهام بخش شهرهای ایران شد. ساماندهی تهران با الگویی از محورهای مستقیم و متعدد روی داد که میراث قرن نوزدهم اروپا بود. خیابانهای فرعی و اصلی که شهر دوره قاجار را به سوی شمال کشاندند و ساختن میادین که بخشهای مهم شهر را از یکدیگر متمایز می نمودند، در این زمان از ویژگیهای اساسی توسعه شهر شد، تحولات فوق الذکر به عنوان زیربنای دگرگونیهای استخوانبندی شهر به شمار می آید.

### موقعیت استخوانبندی اصلی و رشد آن در شهر

محدوده شهر تهران و وسعت آن پس از پر کردن خندقهای پیرامون حصار ناصری، رو به فزونی گذاشته و از سوی شمال و غرب بیشتر گسترش یافت، چنانچه به سال 1308 بیش از 24 کیلومتر مربع یعنی 6 برابر تهران عهد فتحعلی شاه بوده و 6 کیلومتر مربع بزرگتر از زمان ناصرالدین شاه شد. این

وسعت تا سال 1312 و 1313 شمسی که بیشتر خندقها پر شده بودند به 46 کیلومتر مربع رسیده و تا پایان دوره رضاخان وسعت شهر تقریباً 2/5 برابر دوره ناصری شد، اما آنچه قابل توجه است، گسترش استخوانبندی شهر همپای گسترش شهر در این مقطع تاریخی است.

الگوی شطرنج گونه خیابانها و بافت شطرنجی و منظم شهری و منطقه بندی فعالیتها از مبانی پایه ای تحولات شهری در دوران پهلوی اول هستند. بر این مبنا، عملکردهای شهری جدید در قالب اقدامات نوسازی شهری در هسته کهن شهر جای می گیرند و ساختمانهای قدیمی ارگ و برخی نقاط دیگر مثل توپخانه و میدان مشق و ... از میان برداشته و با عمارات جدید دولتی جایگزین می شود، گرچه برخی عمارات عالیه در این محوطه ها مثل کاخ گلستان و شمس العماره از این مقوله مستثنی می شوند.

خیابانهای چلیپایی دامنه توسعه شهر را به شمال، جنوب، شرق و غرب می کشانند. ابتدا خیابانهای خیام و بوذرجمهری، سپس شاه و فردوسی و بعد از آن پهلوی و شاهرضا این نقش را به عهده می گیرند. عناصر و عملکردهای جدید در شمال و جنوب شهر توزیع می شوند. در حقیقت این عصر را باید آغاز از هم گسیختگی عناصر اصلی استخوانبندی شهر و یا تغییر الگوی توسعه پیوسته استخوانبندی به الگوی توسعه گسسته آن دانست. به عنوان مثال

دانشگاه تهران با دانشگاه تربیت معلم در منتهی الیه شمال غربی و شمال شرقی شهر در آن زمان و ایستگاه راه آهن در جنوب شهر ساخته می شوند. نباید از نظر دور داشت که نقش خیابان به عنوان یک عنصر خطی، موجود تمرکز و انتظام خطی عناصر، در این دوره قوام یافته و در کنار تمرکز هسته‌های گذشته، به گسترش دامنه‌های نفوذ استخوانبندی اصلی شهر منجر می شود.

کاربردهای شهری، واقع در استخوانبندی اصلی شهر در آن مقطع تاریخی، گرچه از تنوع بیشتری برخوردار می شود اما به طور عمده ناشی از نقش و رضایت پایتختی شهر بوده و همچنان فعالیت‌های سیاسی و اداری، رتبه اول را دارد که خود یکی از قطب‌های اصلی در این مجموعه بوده و دارای رشدی پراکنده در حاشیه محورهای انشعابی از این قطب اصلی می شود. بعد از آن، اهمیت بیشتر بخشیدن به نقش اقتصادی شهر، عملکردهای بازرگانی و تجاری را فعال نگه داشته و نه تنها قطب اقتصادی بازار حفظ می شود بلکه با ماهیتی جدید (بانک‌ها و مراکز خرید) یا الگویی خطی - شطرنجی، در اطراف خیابانهای جدید توسعه می یابد. بعد از آن نقش جدید صنعتی و تولیدی با احداث کارخانه‌ها در نواحی حاشیه از شهر، در جنوب شرق و غرب که موقعیت ممتاز مواصلاتی با منطقه و شهرهای دیگر کشور دارد، رشد می کند.

سپس به کاربری نظامی و احداث پادگانها و تأسیسات ویژه آنها که به طور

هسته‌ای اما پراکنده در تمام جهات شهر، شکل می‌گیرد باید اشاره داشت. در انتها نقش خدماتی و تفریحی شهر، با احداث بیمارستان‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی نوین، مراکز تفریحی جدید، در حاشیه محورهای ارتباطی اصلی شهر، با الگویی پراکنده تقویت می‌شود. با عنایت به جمیع کاربریهای عمومی و شهری شکل گرفته در این دوره، نواحی ویژه کاربریها (اداری - تجاری، حکومتی، صنعتی) و محورهای نسبتاً ممتد از کاربریهای مختلف (تجاری - تفریحی و ...) و هسته‌های کوچک و پراکنده از کاربریهای دیگر (فرهنگی، خدماتی، نظامی، حمل‌ونقل و ...)، یک شبکه گسترده‌تر از استخوانبندی اصلی شهر را شکل می‌دهند. در میان الگوهای مختلف فوق، اگر مجاورت و تمرکز ناحیه‌ای و نیز خطی کاربریها، در تحکیم کالبدی و تقویت فعالیتی استخوانبندی اصلی شهر چه در آن دوره و چه در دوره‌های بعدی سهم بیشتری به عهده می‌گیرد (اصل تفوق همگرایی فعالیتها)، در حالی که هسته‌های پراکنده از کاربریهای عمومی در نقاط مختلف شهر، در برخی موارد با داشتن شرایط خاص مثل مجاورت یا شبکه ارتباطی اصلی شهر موفق بوده‌اند تا به یک قطب توسعه استخوانبندی اصلی شهر تبدیل شوند، در برخی موارد دیگر که شرایط خاص ناشی از نوع کاربری (جدایی‌گزینی نواحی

نظامی و ...) و یا شبکه ارتباطی مناسب نبوده‌اند، به صورتی منفصل باقی مانده‌اند.

### ویژگی دسترسی، آمدوشد در استخوانبندی اصلی شهر

یکی از اقداماتی که در دوره پهلوی اول در تهران صورت می‌گیرد و به عنوان وجه ممیزه عملیات عمرانی رضاشاه تلقی می‌شود، خیابان‌کشی‌های او در سطح شهر است. گرچه این اقدامات، تقلیدی از شهرهای اروپایی بوده و در نقاطی بافت قدیمی شهر را از هم می‌درد، اما موجب به هم دوختن ابتدا و انتهای شهر از جهات مختلف شده، همچنین برقراری دسترسی بین نقاط مختلف شهر را سبب می‌شود. این نکته از جهت فراهم آوردن دسترسی به استخوانبندی اصلی شهر از خارج شهر و از نقاط مختلف شهر به آن، حائز اهمیت است.

بررسی نقشه شهر و شبکه راهها در آن زمان، مبین آن است که احداث خیابانهای اصلی بویژه چهار خیابان واقع در خندقهای پیرامون شهر یعنی شهباز، شوش، سی‌متری امیرآباد و شاهرضا، یک مسیر کمربندی را شکل می‌دهد که همه دروازه‌های شهر را به هم مرتبط می‌سازد. یعنی تمام راههای منتهی به شهر از سطح منطقه، توسط این شبکه و نیز امتداد خیابانهای اصلی



که اغلب به محل دروازه‌های شهر می‌رسد، به درون شهر و استخوانبندی اصلی آن راه می‌یابد. الگوی شطرنجی نامنظم شبکه راهها و نحوه توزیع آن در سطح شهر به مجموعه استخوانبندی اصلی از جمله عمده‌ترین هسته‌های تمرکز فعالیت‌های تجاری (بازار و ...) و اداری (محدوده ارگ و باغ ملی) از چند جهت دسترسی برقرار می‌نموده است. سایر عناصر پراکنده در نواحی محدودتر (بهارستان - کاخ و ...) و نیز هسته‌های منفرد (دانشگاه تهران، بیمارستان، پادگانها و ...) توسط همجواری مستقیم، با راههای اصلی ارتباط می‌یافته‌اند.

استقرار نظام نوین دسترسی در سطح شهر با احداث شبکه‌ای از معابر اصلی و خیابانها، که از زمان ناصرالدین شاه آغاز می‌شود، در این دوره تکمیل شده و توسعه می‌یابد. با افزایش اهمیت خیابان در شبکه آمدو شد و بویژه ضرورت‌های ناشی از بکارگیری وسایط نقلیه ماشینی، رابطه عناصر و کاربریهای مستقر در استخوانبندی اصلی شهر و شبکه راهها به سه صورت در می‌آید:

حالت اول: اصلاح، تعریض و تداوم مسیرهای قبلی در جهت ارائه دسترسی بهتر به کاربریهای مهم شهری (مثل خیابانهای خیام، مولوی، امیریه، خانی‌آباد و ...)

حالت دوم: پیش‌بینی احداث کاربری همراه با احداث خیابان مثل خیابان شاهرضا و دانشگاه تهران یا ایستگاه مرکزی راه آهن و خیابانهای پهلوی و سی‌متری

حالت سوم: احداث شبکه راه و سپس استقرار تدریجی ابنیه و مراکز تجاری، تفریحی و اداری در حاشیه خیابان مثل خیابانهای لاله‌زار، استانبول، فردوسی، تخت‌جمشید و ...

سیر تحول استخوانبندی اصلی شهر از دوره پهلوی دوم تا حال

حاضر

ویژگیهای کالبدی

روند تغییر و تحولات ساختار کالبدی، اجتماعی و اقتصادی تهران که از شروع حاکمیت رژیم پهلوی آغاز شده بود، در این دوره نیز ادامه یافت. چگونه رشد تهران را در دوره پهلوی یعنی دهه‌های اخیر به چند مقطع زمانی کوتاه‌تر تقسیم‌بندی نموده‌اند که عبارتند از:

1- آفرینش بوروکراسی جدید در کشور (سالهای 1300-1320)،

افزایش شغل و منابع جدید درآمدی؛

2- رشد تهران ناشی از تحولات جنگ جهانی دوم (1320-1332)؛

3- گسترش تهران به دلیل دگرگونیهای ساختارهای اقتصادی و اصلاحات اراضی (1332-1345)، واریز شدن سرمایه مالکان، ناشی از فروش اراضی کشاورزی و سرمایه‌گذاری آنها در تهران؛

4- توسعه شهر به دلیل افزایش قیمت نفت صادراتی و ایجاد اشتغال کاذب و فرهنگ مصرفی (1345-1357)؛

5- رشد تهران پیامد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایران و عراق (1357 به بعد).

ویژگیهای مقطع اول در بخش قبلی مطرح شد، در مقطع دوم، گسترش شهر همانند دوره رضاخان آهنگی نسبتاً ملایم داشت. در مراحل اولیه، توسعه به صورت پیوسته در حاشیه چارچوب اصلی و قدیمی شهر یعنی محدوده خیابانهای شاهرضا، شهباز، سی متری و شوش انجام یافت. در مراحل بعدی، توسعه حومه‌ای در اراضی و نواحی پیرامون شهر از شمال، شرق، غرب و جنوب صورت پذیرفت. در مراحل نهایی یعنی از دهه پنجاه به بعد، گسترش شهر یا حاشیه‌نشینی و حومه‌نشینی و در نتیجه از هم گسیختگی پیکر شهر تهران همراه شد.

تا سال 1335، حدود توسعه شهر نسبت به محدوده آن در شروع رژیم پهلوی، عمدتاً از جهت جنوب غرب، غرب و شمال تهران صورت گرفت. در جهت جنوب شرق و شرق وسعت کمتری به سطح شهر افزوده شد.

احداث ایستگاه راه آهن، چند بیمارستان و کارخانه و نیز وجود چند خیابان سراسری شمالی - جنوبی (پهلوی، حافظ و ...) در ناحیه جنوب غربی شهر، عاملی برای توسعه به این سمت گردید. در جهت غرب نیز، غیر از احداث چندین مجموعه اداری و نظامی، وجود مسیرهای ارتباطی پرتردد به خارج شهر بویژه امتداد مسیر قدیمی جاده قزوین و نیز در شمال غرب احداث مجموعه‌هایی مثل دانشگاه تهران، بیمارستان و ... از عوامل کشش توسعه شهر بدان جهت بودند. در شمال شهر، توسعه سطح شهر عمدتاً در امتداد دو جاده، ارتباطی به شمیران (جاده قدیم شمیران و خیابان پهلوی) اتفاق می افتد. احداث چند خیابان جدید از جمله شاهرضا و تخت جمشید نیز عاملی در گسترش دامنه شهر به سمت شمال محدوده قدیمی می گردد. در ناحیه مرکزی شمال شهر تهران، وجود ناهمواریهای زیاد مانع از توسعه شهر در این محدوده تا این زمان شده بود. در این مقطع توسعه‌های ناپیوسته در حوالی شهر ری و شمیران که غالباً شامل باغها بوده، به منزله مناطق ییلاق نشین ساکنان مرفه، در حوالی دولت، دروس و ... صورت گرفت.

بعد از جنگ دوم جهانی، با ایجاد زمینه اشتغال در فعالیتهای گوناگون در تهران، تثبیت موقعیت آن از نظر اداری، فرهنگی، تجاری و صنعتی که از زمان رضاخان با احداث ادارات دولتی، کارخانه‌ها، چند دانشگاه (تهران، دانشسرای تربیت‌معلم، دانشکده افسری) پایه‌گذاری شده بود دنبال شد. جذب جمعیت مهاجر، ساکنان طبقه متوسط و مرفه شهر را به سکونت در نواحی حاشیه‌ای شهر قدیم و محلات جدید بویژه در شمال شهر ترغیب نمود، اما برخی از بازرگانان و بویژه بازاریان در مرکز شهر باقی ماندند. در نواحی مرکزی شهر نیز ساختمانهای مرتفعتر، به عنوان مراکز بزرگ اقتصادی و اداری، مورد استفاده قرار گرفت. به عنوان مثال خیابان ناصرخسرو و حاشیه خیابانهای شمالی و جنوبی پارک شهر به ساختمانهای اداری اختصاص یافت. خیابانهای جدید مثل شاهرضا به فعالیتهای تجاری در جداره و مسکونی در پشت آن، اختصاص یافت. این عاملی در جهت انتقال یافتن مرکز ثقل آینده شهر به سمت شمال بود.

در گامهای اولیه رشد شهر از سالهای 1322 به بعد، ابتدا باغات درون شهر به زیر ساخت و ساز رفت. با ادامه رشد شهر در اراضی پیرامون محدوده قبلی شهر، برخی از کاربریهایی که در حاشیه شهر و خارج آن قرار داشتند، مثل کاربریهای نظامی و صنعتی جزء اراضی شهر شده و با کاربریهای

مسکونی احاطه شدند. از سال 1340 به بعد شدت تهاجم به اراضی شهری افزوده شد که تا سال تصویب طرح جامع (1347) تابع هیچ ضابطه‌ای نیز نبود. گرچه مهاجرت به تهران از سال 1320 به بعد ابعادی وسیع یافت اما طی سالهای 1320 تا 1332 تغییر مهمی در الگوی شهرسازی و معماری تهران روی نداد، علی‌رغم آنکه گستره شهر در طی این مدت به میزان قابل توجهی اضافه شد.

در توسعه شهر در مرحله سوم، یعنی دهه‌های 30 و 40، جدایی‌گزینی بخشهای تجاری و مسکونی و استقرار مراکز کاری و فعالیت در حاشیه خیابانهای فردوسی، سعدی، لاله‌زار، تخت‌جمشید، جاده قدیم شمیران و امیرآباد تشدید شد. مراکز صنعتی نه تنها در جنوب شهر بلکه در طول جاده‌های منتهی به شرق و غرب شهر جایگزین شدند. بدین ترتیب غیر از بازار، خیابانهای اطراف آن مثل شاه‌آباد، استانبول و شاه، مهمترین مرکز تجاری و فعالیتی به شمار می‌رفتند. در این محدوده‌ها مغازه‌های کوچک و بزرگ، شرکتهای تجاری، بانکها، هتلها، شرکتهای بیمه و ... ساخته شدند. طبقات زیرین ساختمانها به اشغال فروشگاهها درآمد و طبقات بالاتر، دفاتر شرکتهای و یا آپارتمانهای مسکونی قرار داشتند. در این مدت حد فاصل بازار و بخشهای جدید شهر به سرعت ساخت و ساز شد. این محدوده مرکزی

بالاترین قیمت اراضی، بلندترین ساختمانها، بالاترین تراکم کاربری و بیشترین تمرکز جمعیتی را در طول روز داشته است. این ناحیه به علت فشردگی فعالیتهای مالی، بیمه، بانک و ادارات دولتی، بزرگترین ناحیه اشتغال شهر می شود.

### ساختار کالبدی استخوانبندی شهر تهران

با توسعه روزافزون گستره شهر تهران و به تبع آن استخوانبندی شهر، الگوی ساختاری آن نیز دگرگونیهای را پذیرا شده و به تدریج ترکیبی از الگوهای مختلف به خود می گیرد.

در ساختار کالبدی استخوانبندی تهران، وجود یک مرکز قوی بارزترین مشخصه آن است که مرکز ثقل فعالیتهای شهر نیز می باشد. این مرکز که همان هسته اولیه و قدیمی استخوانبندی شهر تهران است، به صورت مرحله ای و پوسته ای تدریجاً توسعه یافته است. ساختار درونی این هسته مرکزی، به صورت یک شبکه از محورهای خطی یا راسته ها در ترکیب با هسته های متعدد و مجاور آن است. محدوده تقریبی این هسته مرکزی از شمال تا حدود خیابان عباس آباد، از جنوب تا حدود خیابان شوش، از شرق تا هفده شهریور و غرب تا سی متری کارگر می رسد. الگوی رشد این هسته

مرکزی، در امتداد راههای اصلی منتهی به آن است که به مشابه شعاعهایی از آن خارج شده و در جهت‌های مختلف به صورت خطی رشد نموده است. عناصر شهری در جداره‌های این محورها از اوایل راه به صورت پیوسته و سپس به تدریج به صورت ناپیوسته واقع شده‌اند. دو امتداد از این شعاعهای منتهی به هسته مرکزی، در جهت شمالی - جنوبی و شرقی - غربی، از بقیه موارد اصلی‌تر هستند (محور خیابان آزادی - انقلاب و محور خیابان ولی‌عصر) به عبارت دیگر رشد ساختاری استخوانبندی شهر به صورت قطاعی و در امتداد محورهای اصلی شهر بویژه در جهت شمالی هسته مرکزی آن اتفاق می‌افتد. این قطاع از دو لوپ (حلقه بسته) درهم تنیده (بزرگراه چمران و مدرس، جاده قدیم شمیران و ولی‌عصر) و عناصر شهری مجاور آن تشکیل شده است. تعدادی از عناصر شهری، به صورت هسته‌هایی پراکنده در امتداد راههای شهری (اعم از راههای اصلی یا فرعی) قرار گرفته‌اند. این هسته‌های پراکنده که دارای کاربریهای متفاوت آموزشی، درمانی، اداری، تجاری، ورزشی و تفریحی هستند، به مثابه قطعات خرد شده و جدا مانده از استخوانبندی پیکره یکپارچه شهر هستند. هسته‌های پراکنده از عناصر اصلی شهر از نظر نقش و اهمیت شهری دارای دو سطح مختلف می‌باشند. مواردی مانند دانشگاهها و یا مراکز ورزشی و تفریحی، عملکردی در سطح شهر دارند و



هسته‌های دیگری مانند مراکز تجاری، عملکردی در سطح منطقه شهری دارند. این الگوی هسته‌ای پراکنده، به دلایل متعددی از جمله نیاز به فضاهای گسترده شهری، قیمت اراضی و محل تلاقی راههای اصلی شهر و منطقه، در نقاط مختلفی از سطح شهر پراکنده شده‌اند.

این مقاطع زمانی عبارتند از:

- 1- دوره صفویه و زندیه  
دیه تهران تا 1270 (هـ.ق)
- 2- دوره قاجاریه  
از سال 1270 (هـ.ق) الی 1305 (هـ.ش)
- 3- دوره پهلوی اول  
(ش)
- 4- دوره پهلوی دوم  
از سال 1305 الی 1320 (هـ.ش)
- 5- دوره پهلوی دوم  
از سال 1320 الی 1335 (هـ.ش)
- 6- دوره پهلوی دوم  
از سال 1335 الی 1345 (هـ.ش)
- 7- دوره جمهوری اسلامی  
از سال 1345 الی 1357 (هـ.ش)  
بعد از بهمن 1357 (هـ.ش)

هر چند که توضیح وقایع تاریخی خارج از بحث این فصل است اما به منظور شناخت شرایط حاکم بر هر دوره، شرح مختصری از وقایع مهم تاریخ شهرسازی شهر تهران در دوره‌های فوق ذیلاً ذکر می‌شود.

1- پیدایش تهران به عنوان شهر تا 1228 (هـ ق) و اقدامات اولیه صفویه و زندیه برای عمران و آبادی شهر و ساختن عمارتها و استقرار کاربریهای اصلی شهر

- پادشاهی صفویه و زندیه، بذل توجه شاه طهماسب صفویه به دیه تهران به واسطه نزدیکی به ری و قزوین و اقدامات وی در جهت ساختن برج و بارو. دروازه و خندق پیرامون تهران  
- توجه کریمخان به آبادانی و اقدام به ساختن عمارتهایی در تهران بخصوص در ارگ

2- از سال 1228 (هـ ق) تا سال 1305 (هـ ش) پادشاهی قاجاریه، اعلام تهران به عنوان پایتخت ایران  
- اقدام به بنا کردن عمارتها و باغهای متعدد توسط سران حکومت قاجار در تهران و دیه‌های اطراف  
- اقدام به توسعه شهر، احداث حصار جدید و حفر خندق جدید پیرامون شهر به دستور ناصرالدین شاه  
- اقدامات عمرانی امیرکبیر در محدوده شهر و بخصوص در ارگ

3- از سال 1305 (هـ ش) تا سال 1320 (هـ ش) حکومت پهلوی اول

- تسلط کامل روحیه تجدیدطلبی در همه سطوح مملکت  
- تخریب برج و باروی ناصری، شروع خیابان کشی برای تصحیح عبور و  
مرور وسایل نقلیه موتوری و پایه‌ریزی توسعه آینده شهر

4- از سال 1320 (هـ ش) تا سال 1335 (هـ ش) شروع حکومت  
پهلوی دوم  
- ورود متفقین به ایران، تبعید رضاشاه به جزیره موریس، شروع  
حکومت محمدرضاشاه، تحکیم پایه‌های حکومت پهلوی دوم  
- ادامه توسعه شهر

5- از سال 1335 (هـ ش) تا سال 1345 (هـ ش)  
- ادامه توسعه شهر و احساس نیاز به کنترل روند توسعه

6- از سال 1345 (هـ ش) تا سال 1357 (هـ ش)  
- رشد درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت  
- رشد چشمگیر جمعیت تهران در نتیجه مهاجرت شدید به تهران

- تدوین طرح جامع در جهت اصلاح و کنترل روند رشد شهر و تعیین

محدوده 25 ساله برای تهران

7- از سال 1357 (هـ. ش) انقلاب اسلامی بهمن 57 و انقراض حکومت

پهلوی

- رشد نابسامان جمعیت و وسعت شهر، نادیده گرفته شدن محدوده 25

ساله تهران و اعلام تبدیل شدن تهران به تهران بزرگ، ایجاد شهرکهای

اقماری و ...

### شناخت کاربریهای استخوانبندی اصلی شهر تهران

در میان کلیه کاربریهای مستقر در سطح شهر کاربریهای جزء

کاربریهای استخوانبندی اصلی محسوب گشته‌اند که اولاً کاربریهای عمومی

تلقی شده و ثانیاً در یکی از مقیاس‌های زیر عمل نمایند:

1- مقیاس بین‌المللی و کشوری 2- مقیاس شهری (کلان شهر) 3-

مقیاس یکی از منطقه‌های شهری

این کاربریها به 12 گروه ذیل تقسیم شده‌اند:

1- کاربری سیاسی - حکومتی؛

- 2- کاربری اداری و خدمات اداری؛
  - 3- کاربری تجاری؛
  - 4- کاربری فرهنگی - آموزشی؛
  - 5- کاربری بناهای مذهبی؛
  - 6- کاربری گذران اوقات فراغت؛
  - 7- کاربری خدمات و تجهیزات شهری؛
  - 8- کاربری بهداشتی و درمانی؛
  - 9- کاربری نظامی؛
  - 10- کاربری اداری - تجاری؛
  - 11- کاربری تجاری - فرهنگی؛
  - 12- کاربری تجاری - گذران اوقات فراغت.
- هر یک از گروههای فوق الذکر در برگیرنده تعدادی از کاربریهای شهری به شرح ذیل می باشند:

- 1- کاربریهای سیاسی - حکومتی
- کاربریهایی در این دسته قرار می گیرند که در آن تصمیمات کلی در مورد مسائل کشوری اتخاذ می شود. با توجه به بررسی این کاربریها در سیر

تاریخی خود، برخی از کاخها به عنوان مقر اصلی کار حکام وقت در رده کاربریهای سیاسی - حکومتی قرار می‌گیرند، در ضمن با توجه به نقش تاریخی برخی از سفارتخانه‌ها در تصمیمات این حکام و تأثیر همین روابط خارجی در تصمیمات دولتهای وقت، این کاربریها نیز در رده کاربریهای سیاسی - حکومتی قرار می‌گیرند.

این گروه شامل کاربریهای زیر می‌باشند:

- کاخها به عنوان مقر حکومت و محل اخذ تصمیمات حاکم وقت؛

- مجلس؛

- سفارتخانه‌ها.

تهران تا سال 1308 هجری شمسی که دگرگونی تازه ای در آن پدید آمد، چهره قدیم خود را حفظ کرده و از آن پس به تدریج بار دیگر گسترش و توسعه خود را از سر گرفت.

اقلیم:

موقعیت جغرافیایی شهرستان تهران:

شهرستان تهران واقع در استان تهران دارای 17000 کیلومتر مربع وسعت جهت شهرستان از شمال به شهرستان شمیرانات ، از جنوب به شهرستان ری و از شرق به دماوند و از غرب به کرج و ساوجبلاغ محدود می شود.

آبهای سطحی:

آبهای سطحی بافت شاپور فقط محدود می شود به جویهای باریکی که از وسط معابر داخل بافت عبور می کند . فقط در گذرهای اصلی تر آن روی این کانالها پوشانده نشده ولی در گذرهای باریکتر و فرعی تر این جوی ها سرباز بوده و آب در آنها جریان دارد. البته متاسفانه فاضلاب واحدهای مسکونی بافت هم وارد همین آب ها می شود.

دما و رطوبت

بر اساس آمار نزدیکترین ایستگاه هواشناسی منطقه متوسط دمای سالیانه معادل 18/7 درجه سانتی گراد و متوسط حداقل و حداکثر سالیانه به ترتیب 6/7 و 38/8 درجه سانتی گراد است.

در طی سال در ماههای دی، بهمن، اسفند درجه حرارت هوا به کمتر از صفر می رسد و دارای یخ بندانهای طولانی است و اختلاف دمای سالیانه 36/2 درجه سانتی گراد می باشد. میزان رطوبت به شرح زیر است:

حداکثر رطوبت در آذر ماه 82 درصد و حداقل آن در تیر ماه 27 درصد ثبت گردیده است. معدل رطوبت حداکثر سالیانه حدود 70 درصد و معدل رطوبت حداقل سالیانه حدود 40 درصد می باشد.

### بارندگی

متوسط بارندگی سالیانه در منطقه و بافت شاپور 270/6 میلی متر ثبت شده است. عمده میزان در هشت ماه سال از مهر تا اردیبهشت ثبت گردیده است.

### باد

به طور کلی جریان هوایی عمده این منطقه جریان هوایی اقیانوس اطلس است . و از شمال غرب وارد ایران می شود و پس از عبور از گیلان (تنگه منجیل) وارد دشت قزوین و ساوجبلاغ می شود که در محل به باد منجیل معروف است. موعد وزش این باد از اواخر پاییز تا اواخر بهار می باشد این باد نقش موثری در نزول برف و باران زمستانی دارد. این جریان هوایی در تابستان نزولات بسیار اندکی به همراه دارد. جریان هوایی دیگر حاکم بر منطقه که عمدتاً در تابستان از شمال عراق و سوریه به سمت ارتفاعات زاگراس جریان دارد که شاخه هایی از آن پس از عبور از این ارتفاعات وارد



منطقه مورد بحث می شود و موجب گرم تر شدن هوا در این بخش می گردد.

بادهای جنوب شرقی و شرق متاثر از جریانات هوایی نواحی مراکز ایران می باشد که در تابستان با عبور از کویرهای نمک (کویر لوت) گرد و غبار شن به همراه دارند.

از سوئی دیگر یک جریان هوایی از شمال غرب به طرف منطقه می وزد که سرچشمه آن اقیانوس اطلس است و تاثیر آن در منطقه جنوبی البرز مرکزی به خوبی محسوس است و باعث ریزش برف و باران در پاییز و زمستان می شود. در حالت کلی بادهای غربی، باد غالب در این حوزه می باشد.

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

| اسفند | بهمن | دی   | آذر  | آبان | مهر  | شهریور | مرداد | تیر  | خرداد | اردیبهشت | فروردین |                 |
|-------|------|------|------|------|------|--------|-------|------|-------|----------|---------|-----------------|
| 73    | 72   | 74   | 82   | 75   | 60   | 61     | 58    | 52   | 58    | 68       | 70      | حداکثر دما      |
| 43    | 50   | 58   | 60   | 60   | 30   | 30     | 20    | 15   | 22    | 30       | 32      | حداقل<br>رطوبت  |
| 54/3  | 10/7 | 53/8 | 22/3 | 38/8 | 21/4 | 1/2    | 0/01  | 0/04 | 0/04  | 12/2     | 32/2    | بارندگی         |
| 17/3  | 19/3 | 14/9 | 12/8 | 13/3 | 18/5 | 38/2   | 41/3  | 39/1 | 38/4  | 28/3     | 22/7    | حداکثر دما      |
| 12/5  | 11/4 | 9/9  | 9/7  | 10/3 | 13/3 | 28/3   | 32/7  | 30/8 | 31/5  | 20/3     | 14/8    | حداقل دما       |
| 4/8   | 7/9  | 5    | 3/1  | 3    | 5/2  | 9/9    | 8/6   | 8/3  | 6/9   | 8        | 7/9     | اختلاف<br>میانی |

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

## مردم شناسی

### زبان

مردم در بافت شاپور در طی دوره های مختلف تاریخی، با توجه به تغییرات زبان و گویش مردم در تهران زبان و گویش خود را سازگار می کردند. گویش مردم تهران پس از دوره صفوی و در دوره قاجاری به نام گویش قجری معروف می باشد. این گویش در اوایل دوره ناصری کم کم رو به زوال رفت و جای آن را گویشی با نام گویش ناصری که در این گویش استفاده از کلمات در بین افرادی که در دوره ناصری برای تحصیل یا تفریح به خارج از ایران و اغلباً فرانسه سفر کرده بودند رایج بوده است. تا حدود 60 سال پیش گویشی تحت عنوان لهجه تهرانی در بین مردم بافت مرکزی تهران که بافت شاپور نیز جزو آن می باشد به طور کلی زبان، گویش و لهجه مردم بافت شاپور همان لهجه تهرانی میباشد.

### دین

توزیع نسبی جمعیت بر حسب دین در شهر تهران به صورت زیر می باشد.

100٪

درصد جمعیت کل

98/3٪

درصد جمعیت مسلمان

0/16٪

درصد جمعیت زرتشتی

درصد جمعیت مسیحی ۰/۸۵٪

درصد جمعیت کلیمی ۰/۱۰٪

درصد جمعیت سایر اظهاریه نشده ۰/۵۲٪

توزیع نسبی بر حسب دین در بافت شاپور به دلیل وجود محله آرامنه در بافت با جدول توزیع نسبی جمعیت در تهران متفاوت است. درصد مسیحیان ساکن بافت و کلاً منطقه ۱۲ تهران مانند مناطق مجیدیه و توانیر (آارات) یکی از مناطق آرامنی نشین تهران می باشد.

جدول توزیع نسبی جمعیت بر حسب دین:

درصد جمعیت کل ۱۰۰٪

درصد جمعیت مسلمان ۹۵/۲٪

درصد جمعیت زرتشتی ۰/۱۶٪

درصد جمعیت مسیحی ۳/۹۵٪

درصد جمعیت کلیمی ۰/۱٪

درصد جمعیت سایر اظهاریه نشده ۰/۵۲٪

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

WWW

om

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

خانواده های معمولی ساکن در واحدهای مسکونی معمولی بر حسب تعداد افراد و تعداد اتاق در اختیار به تفکیک

مناطق بیست و دوگانه

|     |      |      |       |       |       |      |    |       |          |
|-----|------|------|-------|-------|-------|------|----|-------|----------|
| 220 | 2649 | 5056 | 10709 | 12120 | 11884 | 5801 | 72 | 48511 | منطقه 12 |
| 35  | 89   | 216  | 597   | 808   | 1171  | 1719 | 63 | 4698  | 1 نفر    |
| 38  | 232  | 553  | 1482  | 1990  | 2014  | 1149 | 2  | 7460  | 2 نفر    |
| 50  | 342  | 882  | 1932  | 2494  | 2682  | 1205 | 3  | 9590  | 3 نفر    |
| 50  | 565  | 1196 | 2593  | 2897  | 2579  | 857  | 3  | 1074  | 4 نفر    |
| 17  | 522  | 1009 | 1898  | 1900  | 1657  | 469  | 1  | 7473  | 5 نفر    |
| 19  | 414  | 603  | 1144  | 1127  | 928   | 240  | 0  | 4475  | 6 نفر    |
| 7   | 241  | 342  | 599   | 541   | 531   | 102  | 0  | 2363  | 7 نفر    |
| 2   | 132  | 140  | 257   | 202   | 190   | 40   | 0  | 963   | 8 نفر    |
| 1   | 56   | 60   | 123   | 95    | 89    | 8    | 0  | 432   | 9 نفر    |



|   |    |    |    |    |    |    |   |     |              |
|---|----|----|----|----|----|----|---|-----|--------------|
| 1 | 56 | 55 | 84 | 66 | 43 | 12 | 0 | 317 | 10 نفر بیشتر |
|---|----|----|----|----|----|----|---|-----|--------------|

واحدهای مسکونی معمولی بر حسب امکانات و تسهیلات و سال اتمام بنا به تفکیک مناطق بیست و دو گانه

| امکانات و تسهیلات  | جمع   | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سالهای 66- | سالهای | سال   | قبل از | اظهار |
|--------------------|-------|------|------|------|------|------|------|------------|--------|-------|--------|-------|
|                    |       | 1375 | 1372 | 1373 | 1370 | 1365 | 1355 | 54-        | 1345   | سال   | نشده   |       |
| منطقه 12           |       | 212  | 429  | 540  | 784  | 1077 | 3401 | 6980       | 5850   | 19096 | 584    |       |
| حداقل دارای برق    | 39186 | 211  | 429  | 540  | 784  | 1075 | 3398 | 6972       | 5840   | 19063 | 583    |       |
| حداقل دارای تلفن   | 25416 | 117  | 263  | 358  | 534  | 695  | 2316 | 5252       | 3995   | 11391 | 325    |       |
| حداقل دارای آب     | 39092 | 210  | 429  | 540  | 783  | 1073 | 3395 | 6956       | 5825   | 19007 | 582    |       |
| لوله کشی           |       |      |      |      |      |      |      |            |        |       |        |       |
| حداقل دارای گاز    | 10426 | 68   | 128  | 161  | 202  | 301  | 917  | 2548       | 1948   | 3855  | 143    |       |
| لوله کشی           |       |      |      |      |      |      |      |            |        |       |        |       |
| حداقل دارای کولر   | 33001 | 172  | 255  | 389  | 746  | 1008 | 3082 | 6499       | 5079   | 14821 | 439    |       |
| حداقل دارای دستگاه | 5934  | 73   | 94   | 166  | 373  | 451  | 1086 | 2191       | 688    | 490   | 72     |       |
| حرارت مرکزی        |       |      |      |      |      |      |      |            |        |       |        |       |

|                   |       |      |      |      |      |      |      |            |        |        |            |
|-------------------|-------|------|------|------|------|------|------|------------|--------|--------|------------|
| امکانات و تسهیلات | جمع   | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سالهای 66- | سالهای | قبل از | اظهار نشده |
|                   |       | 1375 | 1373 | 1372 | 1371 | 1370 | 1365 | 1355       | 54-    | سال    |            |
|                   |       |      | 1374 |      |      |      |      | 1345       | 1345   |        |            |
| منطقه 12          | 39245 |      | 292  |      |      |      |      |            |        |        |            |

| امکانات و تسهیلات                      | جمع   | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سالهای 66- | سالهای | سالهای | قبل از | اظهار نشده |
|--|-------|------|------|------|------|------|------|------------|--------|--------|--------|------------|
|  |       | 1375 | 1374 | 1373 | 1372 | 1370 | 1365 | 1355       | 54-    | 1345   | سال    | 1345       |
| حداقل دارای دستگاه حرارت و پرودت مرکزی | 1260  | 4    | 18   | 20   | 49   | 66   | 127  | 377        | 154    | 376    | 24     |            |
| حداقل دارای آشپزخانه                   | 34682 | 194  | 276  | 408  | 536  | 771  | 3301 | 6705       | 5262   | 15675  | 495    |            |
| حداقل دارای حمام                       | 31166 | 186  | 178  | 407  | 528  | 763  | 3177 | 6500       | 4909   | 12942  | 433    |            |
| حداقل دارای مستراح                     | 39038 | 212  | 291  | 429  | 540  | 783  | 3387 | 6959       | 5821   | 18964  | 579    |            |
| حداقل دارای آب لوله کشی و برق          | 39072 | 209  | 292  | 429  | 540  | 783  | 3394 | 6954       | 5822   | 18994  | 582    |            |
| حداقل دارای آب لوله کشی برق و تلفن     | 25359 | 117  | 170  | 263  | 358  | 533  | 2315 | 5238       | 3984   | 11363  | 324    |            |

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

[www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com)

|                                 |       |      |      |      |      |      |      |      |            |        |        |            |
|---------------------------------|-------|------|------|------|------|------|------|------|------------|--------|--------|------------|
| امکانات و تسهیلات               | جمع   | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سال  | سالهای 66- | سالهای | قبل از | اظهار نشده |
|                                 |       | 1375 | 1374 | 1373 | 1372 | 1371 | 1370 | -69  | 1355       | 1345   | سال    |            |
| حداق دارای آشپزخانه و حمام      | 30191 | 185  | 274  | 405  | 527  | 760  | 1041 | 3147 | 6417       | 4728   | 12289  | 418        |
| کلیه امکانات و تسهیلات فوق      | 183   | 0    | 1    | 1    | 1    | 5    | 5    | 16   | 80         | 26     | 43     | 5          |
| هیچ یک از امکانات و تسهیلات فوق | 1     | 0    | 0    | 0    | 0    | 0    | 0    | 0    | 0          | 0      | 1      | 0          |
| اظهار نشده                      | 37    | 0    | 0    | 0    | 0    | 0    | 2    | 2    | 5          | 7      | 20     | 1          |

واحدهای مسکونی معمولی بر حسب سال اتمام بنا ، نوع اسکلت و مصالح به کار رفته به تفکیک مناطق بیست و دو گانه

| سال | جمع | اسکلت | بتوان | سایر | اظهار |
|-----|-----|-------|-------|------|-------|
|-----|-----|-------|-------|------|-------|

| اتمام بنا | منطقه | آرمه | فلری  | آجر و آخن | آجر و بلوک | تمام آجر | تمام چوب | خشت و چوب | خشت و گل | سایر | ظهار نشده مصالح | نشده اسکلت |
|-----------|-------|------|-------|-----------|------------|----------|----------|-----------|----------|------|-----------------|------------|
| 12        | 39245 | 799  | 12571 | 13169     | 6057       | 661      | 247      | 3416      | 1093     | 147  | 16              | 1000       |
| 1375      | 212   | 12   | 178   | 15        | 0          | 2        | 0        | 0         | 0        | 2    | 0               | 3          |
| 1374      | 292   | 8    | 233   | 33        | 2          | 2        | 1        | 0         | 0        | 0    | 0               | 13         |
| 1373      | 429   | 29   | 321   | 42        | 1          | 10       | 0        | 0         | 0        | 0    | 0               | 6          |



|     |   |    |   |    |   |    |   |     |      |     |      |      |      |
|-----|---|----|---|----|---|----|---|-----|------|-----|------|------|------|
| 9   | 0 | 0  | 0 | 00 | 0 | 6  | 0 | 0   | 83   | 14  | 428  | 540  | 1372 |
| 14  | 0 | 1  | 0 | 0  | 0 | 20 | 0 | 1   | 111  | 41  | 596  | 784  | 1371 |
| 23  | 0 | 1  | 1 | 0  | 0 | 15 | 2 | 3   | 150  | 76  | 806  | 1077 | 1370 |
| 59  | 0 | 7  | 1 | 3  | 0 | 32 | 8 | 10  | 760  | 163 | 2358 | 3401 | -69  |
|     |   |    |   |    |   |    |   |     |      |     |      |      | 1365 |
| 137 | 0 | 20 | 8 | 30 | 7 | 96 | 9 | 155 | 2192 | 299 | 4027 | 4980 | -64  |
|     |   |    |   |    |   |    |   |     |      |     |      |      | 1355 |

|       |  |  |  |  |  |  |  |  |      |       |       |     |     |
|-------|--|--|--|--|--|--|--|--|------|-------|-------|-----|-----|
| اظهار |  |  |  |  |  |  |  |  | سایر | بتوان | اسکلت | جمع | سال |
|-------|--|--|--|--|--|--|--|--|------|-------|-------|-----|-----|

| اتمام بنا  | فلری | آرمه | آجروآشن | آجر و | بلوک | تمام آجر | تمام چوب | خشت وچوب | خشت و گل | سا یر | اظهار نشده مصالح | نشده اسکلت |
|------------|------|------|---------|-------|------|----------|----------|----------|----------|-------|------------------|------------|
| -54        | 1594 | 76   | 3080    | 527   | 8    | 185      | 12       | 207      | 40       | 21    | 6                | 94         |
| 1345       |      |      |         |       |      |          |          |          |          |       |                  |            |
| قبل از سال | 1917 | 71   | 6611    | 5319  | 40   | 291      | 225      | 3157     | 1039     | 93    | 7                | 326        |
| 1345       |      |      |         |       |      |          |          |          |          |       |                  |            |

|     |   |   |   |    |   |   |   |    |    |    |     |     |               |
|-----|---|---|---|----|---|---|---|----|----|----|-----|-----|---------------|
| 316 | 3 | 2 | 4 | 19 | 2 | 3 | 2 | 39 | 72 | 10 | 112 | 584 | اظهار<br>نشده |
|-----|---|---|---|----|---|---|---|----|----|----|-----|-----|---------------|

خانوارهای معمولی بر حسب نوع سوخت مصرف برای پخت و پز و برای ایجاد گرما به تفکیک مناطق بیست و دو گانه

|          |            |
|----------|------------|
| پخت و پز | ایجاد گرما |
|----------|------------|

| منطقه         | جمع   | نفت سفید | گازوئیل | گازمایع | گازطبیعی | برق | هیزموزغال چوب | سایر | اظهارنشده |
|---------------|-------|----------|---------|---------|----------|-----|---------------|------|-----------|
| منطقه 12      | 48579 | 33875    | 4295    | 245     | 10080    | 48  | 8             | 27   | 0         |
| نفت سفید      | 3065  | 2980     | 18      | 85      | 1        | 6   | 1             | 1    | 0         |
| گازوئیل       | 81    | 40       | 40      | 1       | 0        | 0   | 0             | 0    | 0         |
| گازمایع       | 35135 | 30677    | 4186    | 185     | 26       | 31  | 4             | 25   | 1         |
| گازطبیعی      | 10268 | 166      | 47      | 1       | 10053    | 0   | 1             | 0    | 0         |
| برق           | 19    | 5        | 4       | 0       | 0        | 10  | 0             | 0    | 0         |
| هیزموزغال چوب | 3     | 2        | 0       | 0       | 0        | 0   | 1             | 0    | 0         |
| سایر          | 8     | 5        | 0       | 0       | 0        | 1   | 1             | 1    | 0         |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |            |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|------------|
| 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | اظهار نشده |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|------------|

### جمعیت

بر اساس آمارهای سال 1284 هـ.ق. رقم ذکر شده جمعیت تهران 147256 نفر می باشد که شامل جمعیت غیر نظامی (شهروندان) است و اگر رقم 8480 نفر افراد قشون مقیم تهران هم بر آن افزوده شود رقم کل 155736 تن نفوس به دست می آید که جمعیت مقیم یا ساکن تهران در آن زمان است. این جمعیت در محدوده ای زندگی می کرد که از سمت شمال به حصار حدود خیابان چراغ گاز و میدان توپخانه، از سمت مغرب به حدود خیابان مولوی و از سمت مشرق به حدود خیابان ری می رسید.

### تراکم جمعیت

این بافت با توجه به فرسودگی و کاهش امکانات و تسهیلات شهری با جمعیت گریزی رو به رو است. کاهش جمعیت شب (ساکن) در منطقه که خود به نوعی می تواند سبب حفظ و عدم تخریب در بناها باشد تسریع آسیب ها و تخریب ها را سبب شده است. وجود کاربری های فرامنطقه ای نیز باعث شده منطقه دارای جمعیت بیش از حد روز شده است که علت عمده آن بازارهای اصلی و مراکز تجاری فرامنطقه ای موجود در این بخش است. این رفت و آمد و جمعیت روز که ترافیک و مشکلات عبور و مرور را به دنبال دارد خود از عوامل تشدید آسیب ها و صدمات به ساختار قدیمی بافت می باشند. در حالت کلی می توان گفت با وجود تراکم جمعیتی بالا در منطقه تراکم

مسکونی در این بخش پایین است و می توان این منطقه را از مناطقی دانست که توان جمعیت پذیری بالایی دارد و با افزایش تسهیلات و امکانات شهری مطلوب و رفع کمبودها و مشکلات ساکنین قابلیت سکونت جمعیت را داراست. مشاهدات آماری و ارقام بدست آمده از سرشماری ها در زیر آمده است:

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)



جمعیت بر حسب سن، جنس و نوع خانوار به تفکیک مناطق بیست و دو گانه:

| خانوار دستجمعی |      |        | خانوار معمولی ساکن |       |        | جمع   |       | سن       |            |
|----------------|------|--------|--------------------|-------|--------|-------|-------|----------|------------|
| زن             | مرد  | مردوزن | زن                 | مرد   | مردوزن | زن    | مرد   | مرد و زن |            |
| 168            | 2211 | 2379   | 91533              | 95713 | 187246 | 91701 | 97924 | 189625   | منطقه 12   |
| 0              | 0    | 0      | 7080               | 7360  | 1444   | 7080  | 7360  | 14440    | 0-4 ساله   |
| 19             | 6    | 25     | 9759               | 10190 | 19949  | 9778  | 10196 | 19974    | 5-9 ساله   |
| 44             | 26   | 70     | 11589              | 11999 | 23588  | 11633 | 12025 | 23658    | 10-14 ساله |
| 28             | 428  | 4560   | 9500               | 9707  | 18207  | 9528  | 10135 | 19663    | 15-19 ساله |
| 42             | 1187 | 1229   | 7870               | 8414  | 16282  | 7912  | 9601  | 17513    | 20-24 ساله |
| 4              | 353  | 357    | 8120               | 8982  | 17102  | 8124  | 9335  | 17459    | 25-29 ساله |
| 1              | 124  | 135    | 7331               | 7729  | 15060  | 7332  | 7863  | 1519     | 30-34 ساله |
| 0              | 24   | 24     | 6177               | 6784  | 12961  | 6177  | 6808  | 12985    | 35-39 ساله |

|       |       |       |       |       |       |       |       |       |                    |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|--------------------|
| 0     | 18    | 18    | 4826  | 5345  | 10171 | 4826  | 5363  | 10189 | 40-44<br>ساله      |
| 1     | 10    | 11    | 3895  | 3769  | 7664  | 3896  | 3779  | 7675  | 45-49<br>ساله      |
| 0     | 6     | 6     | 3231  | 3206  | 6437  | 3231  | 3212  | 6443  | 50-54<br>ساله      |
| 1     | 3     | 4     | 2807  | 2914  | 5721  | 2808  | 2917  | 5725  | 55-59<br>ساله      |
| 1     | 4     | 5     | 2711  | 2995  | 5706  | 2712  | 2999  | 5711  | 60-64<br>ساله      |
| 27    | 10    | 37    | 6519  | 6196  | 12715 | 4546  | 6209  | 12752 | 65 ساله و<br>بیشتر |
| 0     | 2     | 2     | 118   | 123   | 241   | 118   | 125   | 243   | نامشخص             |
| 26/84 | 23/08 | 23/34 | 28/30 | 28/07 | 28/18 | 28/30 | 27/96 | 28/12 | میانگین<br>سنی     |

## زمین شناسی

رشته کوه البرز به تپه ماهورهای پایکوهی منتهی می‌شود و دره‌های کوهستانی مانند اوین، درکه، حصارک، سوهانک و ... در این دامنه‌ها تشکیل یافته‌اند. منطقه سوم جایی است که شهر اصلی تهران بر آن مستقر شده است. کوههایی که از سمت شمال و شرق شهر تهران را احاطه کرده‌اند، مهمترین عنصر مشخصه فضایی شهر است. کوهپایه‌ها یا تپه ماهورهای دامنه جنوبی البرز، دارای قسمت‌های بلند و فرونشست‌هایی است که عبارت است از: بلندیهای سعادت‌آباد، شمیران و دزاشیب، تپه‌های لویزان، محمودیه، قیطریه، الهیه و امانیه و جنوبی‌تر از آن، بلندیهای طرشت و تپه‌های عباس‌آباد، یوسف‌آباد و امیرآباد، اراضی برجسته‌ای هستند که شهر بر فراز آنها ساخته شده است. فرونشست‌های عمده در ناحیه کوهپایه‌ای تهران را فرونشست اوین، تجریش، نیاوران و فرونشست داودیه شامل می‌شود. این پستی و بلندیها به شهر سیمای مشخصی داده است. پس از عباس‌آباد می‌توان گفت که دشت تهران - ری شروع می‌شود و قسمت‌های مرکزی و جنوبی شهر تهران و نیز شهر ری بر پهنه این دشت گسترده شده است.

گستره کنونی تهران از حدود 900 تا 1800 متری از سطح دریا امتداد یافته است. ارتفاع در میدان تجریش در شمال شهر حدود 1300 متر و در

میدان راه آهن در جنوب شهر که 15 کیلومتر پایین تر است 1100 متر است یعنی به ازای هر کیلومتر مساحت، 13/5 متر افت شیب وجود دارد.

شیب کلی شهر تهران از شمال به جنوب بوده و در بخشهای مختلف شهر تفاوت شیب مشاهده می شود. مقطع شمالی - جنوبی پهنه تهران از نظر شیب بندی به چهار منطقه تقسیم می شود:

- 1- در دامنه کوهستان شمیرانات با شیب 10-15٪؛
- 2- از تجریش تا تپه های عباس آباد با شیب متوسط 3-5٪؛
- 3- از عباس آباد تا منطقه مرکزی شهر تهران (محور خیابان انقلاب) با شیب 2٪؛

4- از مرکز شهر تهران تا کناره کویر با شیب 1٪؛

چنین جایگاهی در استقرار شهر همراه با اختلاف ارتفاع شمال و جنوب و پستی و بلندیهای پراکنده درون محدوده ساخت و ساز شده شهر، ایجادکننده ویژگیهای بصری و ریخت شناسی شهری شده است. قله توچال، از مهمترین محورهای شمالی جنوبی تهران، یعنی خیابان ولی عصر، جاده قدیم شمیران و (در گذشته از لاله زار)، قابل رؤیت است. قله سه گانه شرق تهران از محورهای عمده شرقی - غربی شهر به ویژه خیابان انقلاب قابل مشاهده است. در انتهای این محور یعنی خیابان دماوند، قله دماوند مشخص است و نیز از برخی خیابانهای شهر در جهت شمال شرقی، قابل رؤیت است. اتوبانهای جدید داخل

شهر با جهت‌گیریهای متفاوت، در حین حرکت مناظر متنوعی از کوهستان البرز و بخصوص دماوند و پستی و بلندیهای درون شهر را در معرض دید قرار می‌دهند. این جلوه‌های مختلف از مشخصه فضای طبیعی شهر تهران، در طراحی محیطی و طراحی شهری تهران و ساماندهی استخوانبندی اصلی آن حائز توجه هستند.

کوهستان البرز که طی چند دهه اخیر، شهر را به سوی خود جذب نموده است، مانند دیواره‌ای هلالی شکل فضای جغرافیایی شهر تهران را محصور می‌کند و از ارتفاع 1800 متری به علت شیب زیاد و تنگناهای کوهستانی، مانع بسیار سختی در سمت شمال و شرق در مقابل گسترش فیزیکی به وجود آورد. در سمت جنوب و غرب در سطح دشت تهران، فضای کافی و گسترده‌ای برای توسعه شهر در مراحل مختلف وجود داشته و هیچ مانع فیزیکی در پیش روی گسترش آن قرار ندارد.

### موقعیت جغرافیایی و طبیعی بافت شاپور

استان تهران با موقعیت خاص جغرافیایی و استراتژیکی منحصر به فرد در بین دیگر استانها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر همین اساس شهر تهران در نقطه‌ای از استان قرار گرفته که از جهت شمال به ارتفاعات و رشته کوههای البرز مرکزی و بخش جنوبی آن به کویر شهر ری و ورامین منتهی می‌شود.

علاوه بر آن از دو بخش شرقی و غربی آن رودخانه های مهمی چون کرج و جاجرود طی مسیر می کنند. ارتفاع متوسط تهران از سطح دریاهای آزاد 1200 متر است و فراوانی بناهای موجود فعلی در آن هم در کوهپایه و هم در ناحیه پست آن پیشروی کرده است. در این بین بافت شاپور در ضلع غربی حصار دوره صفویه که میدان شاپور در گذشته دروازه معروف قزوین نامیده می شده است قرار دارد. این بافت در حال حاضر در مرکز تهران قرار گرفته است. هم اکنون این بافت مورد نظر بررسی شده از سمت غرب به میدان و خیابان وحدت اسلامی و در امتداد شرقی غربی به سمت خیابان خیام کشیده شده است. بافت سنتی و قدیم حاکم به این مجموعه که می توان آن را شمالی، جنوبی از سمت خیابان مولوی به سمت خیابان 15 خرداد در نظر گرفت بافتی متراکم واجد اغلب المان های شهری که می تواند به عنوان استخوان بندی شهری هسته مرکزی را تشکیل دهد می باشد. بازارچه قوام الدوله که از سمت غرب به میدان وحدت اسلامی (شاپور سابق) منتهی است، مسجد و مدرسه معیر الممالک به عنوان قطبی فرهنگی، مذهبی و بناهای مسکونی موجود در اطراف این راستاها نمایانگر اصول و شیوه شهرسازی ایران است.

بافت مورد نظر شامل بازارچه قوام الدوله (حاج طرخانی) و امتداد آن بازارچه پیر که امروزه تقریباً چیزی از آن باقی نمانده و با عبور از خیابان مهدویان احدی به مسجد و مدرسه معیر الممالک و آب انبار با ارزش و تاریخی آن ختم می شود و از سوئی دیگر و از سمت شمال با عبور از مسجد تاریخی حریری و خیابان

حریری به خیابان احمد قزوین به بازارچه وزیر دفتر و حمام قدیمی شاهزاده خاتون ختم می شود.

### سیر تاریخی و تحولات بافت شاپور:

تحولات تاریخی تهران مرکزی از دیدگاه کالبدی به هفت دوره تقسیم می شود.

1- دوره اول: از قریه تهران که روستائی تابع ری بوده است تا احداث بارو توسط

شاه تهماسب صفوی (حصار تهماسبی) در سال 932 هجری شمسی

2- دوره دوم: با احداث حصار تهماسبی و ایجاد چهار دروازه شمیران، قزوین،

دولاب، و شاه عبدالعظیم با مساحت 400 هکتار تهران به شهر تبدیل شد. در

ایبن دوره سازمان قضایی کشور صورتی قرون وسطایی داشت و پیوند محله و

مرکز شهر در مقیاس پیاده از طریق شاخه های اورگانیک انجام می گرفت .

الگوی شهر هسته ای بود و بر کانون ارگ و بازار تمرکز یافته بود. که در حقیقت

جریان حیاتی شهر داد و ستد و فعالیت های روزانه در این مراکز استقرار یافته

بود. بازارچه قوام الدوله و مسجد معیر الممالک را می توان از بخشهای مهم این

هسته مرکزی دانست که نحوه قرار گیری بافت مسکونی در کنار بازار و نحوه

نفوذ بازار در بافت به صورت خطی شاخه ای است.

3- دوره سوم: این دوره از زمان پایتختی تهران که در سال 1250 هجری قمری

توسط آقا محمد خان قاجار دارالخلافه نام گرفت تا احداث باروی دوم در سال

1284 (حصار ناصری) توسط ناصرالدین شاه ادامه دارد.

4- دوره چهارم: تهران در عهد ناصری است در این دوره نقشه دارالخلافة ناصری تهیه شد و الگوی معماری از گرایش به درون خارج شد (نحوه شهرسازی سنتی در ایران) و توجه به فضاهای منفی اهمیت یافت. با افزایش سطح بازشوهای رو به معابر، ظاهر شدن بالکن ها و ایوان ها و استفاده از نقوش، تزئینات و اختلاف مصالح همه نوعی برون گرائی در عرصه های کالبدی موجب گشت. این برون گرائی با توان و ساخت ساختمان هائی بیش از یک طبقه نمود بیشتری یافت. بدنه سازی راکد محوطه و میدان های شهر (هر چند در التفاظ با معنای معماری فیزیکی) رونق بیشتری یافت که شکل این حصار به صورت 8 ضلعی بود. در بافت مورد نظر وجود بالکن و ایوان ها و ساختمان های 2 طبقه هر چند به تعداد اندک نشان از این برون گرائی دارد و افزایش بازشوها و اجتناب از تقسیمات اندرونی و بیرونی که در بناهای این بخش دیده می شود حاکی از آن است که بسیاری از ساخت و سازهای بافت در دوره چهارم انجام گرفته است.

5- دوره پنجم: همزمان با حکومت پهلوی اول است. تجدد گرائی در چهره شهر انعکاس یافت دو عنصر مهم شهری یعنی بناهای دولتی و عمومی در سوئی دیگر با وارد کردن مهندسین و تکنولوژی کشورهای اروپائی با استفاده از مصالح بادوام و نه چندان ملموس با معماری پیشین ما میل به نمایش استحکام و امتداد در کالبد شهری امکان تجلی یافتند. خیابان ها و میدان های جدید ساختار جدیدی را در شهر تهران شکل دادند. در این دوره خیابان کشی ها اغلب با



تخریب بافت قدیم انجام شد. با الگوی توسعه شطرنجی تحلیل شد و بدین ترتیب الگوی جدیدی نسبت به مرکز شهر شکل گرفت.

در این دوره در محدوده بافت شاپور نیز تحولات و ساخت و سازهای انجام می گیرد. بافت اورگانیک حاکم بر منطقه جهت احداث خیابان های شطرنجی طبق نقشه های تهیه شده در این دوره تخریب می شود. خیابان وحدت اسلامی، خیابان خیام، خیابان مولوی از جمله خیابان های مذکور می باشد. در مقیاس کوچکتر برخی دسترسی ها درجه دو نیز در این مقطع تعویض و یا اصلاح شدند که این دخل و تصرفات نیز به نوبه خود سبب برخی تخریب ها در بافت شد.

6- دوره ششم: از حدود 1330 هجری شمسی آغاز و تا مقطع انقلاب اسلامی ادامه داشته است. این بخش اغلب توسعه ها در نواحی تازه ای صورت گرفته و توسعه به حاشیه ها و مکان های جدید شهری انتقال یافت. در حقیقت مدیریت شهری به احیای بخش مرکزی پشت کرد و توسعه کالبدی را به سمت شمال تهران و سپس غرب و شرق سوق داد. در این دوره بافت شاپور نیز مانند بسیاری از بافت های مرکزی دیگر دچار تغییر و تحولات چندانی نشد.

7- دوره هفتم: این دوره از مقطع انقلاب در سال 1357 تا امروز ادامه دارد. شاید بتوان تحولات این دوره را به قدرت رسیدن مجدد بازار و تمرکز فعالیت های اقتصادی و تجاری در محدوده بازار و پیرامون آن و بازگشت مجدد مراکز عمده حکومتی شهر به مرکز شهر مانند نهاد رهبری، ریاست جمهوری، شورای نگهبان و ... تهیه طرح سازماندهی تهران آتک که مرکز تهران و حوزه مرکزی را

به عنوان یک حوزه فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته و بار فعالیت های اداری و تجاری را در حد امکان از این بخش انتقال داده است. ارائه طرح ها و مطالعات موردی در زمینه بخش های مختلف شهر جهت حفظ و احیا و اجرای پروژه های نوسازی بافت (شروع مداخلات) و ثبت بناها و محوطه های واجد ارزش توسط میراث فرهنگی دانست. به ثبت رسیدن بازارچه قوام الدوله و مسجد مدرسه معیر الممالک، گذر وزیر دفتر و برخی گذرها و بناهای واجد ارزش بافت مورد نظر نیز در همین دوره اتفاق افتاده است.

#### خصوصیات معماری:

این منطقه بخشی از هسته تاریخی شهر تهران و مرکز کلان شهر است که همراه با فرسوده شدن بافت و زیر ساخت های شهری و افت کیفیت محیطی منطقه با جمعیت گریزی روبرو شده است. بافت فرسوده این منطقه با تعداد زیادی از ساختمان های کم دوم و سازه های چوبی و خشتی را می توان در زمره بافت های کم دوام به حساب آورد. مصالح عمده به کار رفته در ساخت و سازهای این بخش آجر و چوب است. کوچه های باریک و بافت ارگانیک دسترسی ها و ارتباط ها را نیز می توان از خصوصیات بافت به شمار آورد. پوشش گذرها که در گذشته بخش عمده دسترسی ها را پوشش می داده و امروزه در بخش های اندکی دیده می شود با طاق و قوس های باربر و آجر چینی های منظم که نقش

ترئینات را نیز بر عهده داشته اند. از شاخصه های اصلی معماری بافت به شمار می رود اغلب بناهای قدیمی در یک طبقه بنا شده اند اگرچه بخش های الحاقی جدید به برخی اضافه شده است ولی همچنان بخش عمده بافت را همین بناهای قدیمی و یک طبقه تشکیل می دهند. همانند بسیاری از بافت ها و بناهای قدیمی نظم و تکرار رعایت اصول و قوانین هندسه به خوبی در بناها مشهود است قوس ها و دهانه های برابر با نظم و هماهنگی خاصی تکرار شده اند.

### سیمای بافت

اهمیت فرم و سیمای بافت شهری از آن جهت می باشد که سیمای بافت معرف، خطوط اصولی عبور و مرور، قسمت های اصلی بافت که هر کدام چه کاربری دارند نظیر معرفی قسمت هایی با استفاده های صنعتی، مسکونی و ... و حتی معرفی نقاطی می باشد که کانون های اصلی بافت را تشکیل می دهند. معرفی سیمای بافت از طریق ارائه موقعیت قرارگیری بافت اگر در کنار یک اثر طبیعی باشد، معرفی نواحی قرار یافته در جوار آن و نشانه های بارز آن نظیر بناهای شاخص و عواملی که از تمام نقاط شهری مرئی است و در جهت یابی در شهر مورد استفاده قرار می گیرد. در مورد بافت شاپور و سیمای آن می توان به کوچه های تنگ، ساختمان های کم ارتفاع قدیمی با نماهای آجری، پنجره هایی قدیمی که اکثراً از جنس چوب می باشند با نرده های آهنی و ورودی های کم عرض و کم ارتفاع ساختمان ها، اشاره کرد. مردم ساکن به فرم های بناها به

کوچه های تنگ به تمام نشانه های بافت که هر کدام برای خود نام و داستانی جداگانه دارد، به سابقه تاریخی بناها، علاقه و بستگی فراوان یافته اند. هر صحنه از بافت را می توان با یک نظر شناخته و هر صحنه ، انبوه خاطرات را به ذهن می آورد. هر قسمت به قسمت دیگر پیوند می یابد و محیط بصری جزء پیوند یافته ای از زندگی مردم می شود بافت و سیمای آن به راحتی قابل رویت و تشخیص است. به نظر می رسد سیمای بافت احساسی از رضایت و شادی در ذهن افراد ساکن بوجود می آورد و سبب می شود تا شخص وجود خود را حس کند.

عواملی همچون، راه ها، لبه ها، نشانه ها عواملی هستند که سبب تنوع و استواری برای هر بافت می شود. در بافت شاپور راه های اصلی کیفیتی مخصوص خود دارند که آنها را از طرف خود متمایز می کند. این تمایز با تمرکز فعالیت های تجاری در امتداد راه و درخت کاری حاصل شده است و سرعت و مسافت در این راه ها به نسبت دیگر راههای بافت ، بیشتر است.

مسیر حرکت اصلی در بافت، جهتی واضح و روشن دارد. راههای پیچ در پیچ طویل و راههایی که به تدریج انحنا می یابند و پس از مدتی مسیر آن به کلی تغییر می کند. راه های فرعی بافت می باشند که اگر شخصی با آنان آشنایی دیرین نداشته باشد، دچار آشفتگی و اغتشاش ذهنی فرد می شوند.

لبه مرز بین دو قسمت، شکاف در امتداد طول و بین دو قسمت بافت - مثال هایی از لبه در سیمای بافت می باشند اگرچه لبه ها عوامل جانبی سیمای

شهری هستند و نمی توان از آنها به عنوان محورهای تقارن و توازن یاد کرد اما برای بسیاری از مردم عالمی می باشد که در سیمای شهر سامانی بوجود می آورد. و در اتصال اجزاء قسمت هایی مانند حدود بافت با عواملی همچون دیوار، نقش مهمی دارند لبه های بافت انتخابی گروه شمال غربی خیابان خیام از شرق، لبه شمالی کوچه مهدویان از جنوب - میدان وحدت اسلامی از جنوب غربی، نمای شرقی خیابان وحدت اسلامی از غرب و نمای جنوبی کوچه فرزین از شمال می باشد.

گره ها نقاط حساس بافت می باشند که کانون های مبدا و مقصد افراد را در بافت بوجود می آورند در بافت انتخابی، میدان وحدت اسلامی ایستگاه متروی خیابان خیام، و مسجد معیری و ورودی بازارچه معیری، گره های شهری می باشند. در مورد نشانه های بافت که عواملی برای تشخیص قسمت های مختلف شهری می باشند می توان از بناهایی با ظاهر مشخص یا علائم آنها نام برد. مانند مناره های مسجد معیری، دودکش حمام معیری در بافت مذکور.

تمام عوامل ذکر شده در فوق، عواملی هستند که در تمایز یک بافت شهری از دیگر بافت ها نقش موثری دارند. به عنوان مثال راه های اصلی بافت مانند خیابان های طرخانی با مغازه هایی در طرفین کوچه های فرعی پرپیچ و خم، نمای خیابان های محدود کننده بافت، مناره های مسجد معیری، مناظری هستند که جز در این بافت در قسمت دیگری از شهر دیده نمی شوند و شاخصه های شهری این بافت می باشند.

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

WWW

om

[www.kandooch.com](http://www.kandooch.com)

### وجه تسمیه بافت شاپور:

باغ معیرالممالک در اوایل دوره پهلوی اول و اواخر دوره قاجار توسط وراث معیر الممالک تقسیم و تفکیک گشت. در پی اصلاحات رضاخانی در اوایل دوره سلطنت رضا شاه پهلوی و همراه با اصلاحات خیابان تهران به عنوان مثال ساخت خیابان با ولی عصر (پهلوی سابق)، ساخت خیابان دکتر شریعتی (جاده قدیم شمیران)، میدان انقلاب و خیابان انقلاب (میدان مجسمه)، تخریب دروازه های تهران و تخریب بعضی بناها مثل ساختمان شهرداری، بخشی از باغ معیر که توسط وراث معیر تفکیک گشته بود (مصادره گشته و به محل های مسکونی در بافت معیر تبدیل گشت. سرداران رضا شاه در کودتای 1299 و فتح تهران قبل از تاجگذاری رضاخان در بخش های مختلف تهران ساکن شدند. چراغعلی خان امیر اکرم خانه ای قاجاری را در چهار راه امیر اکرم که بعدها به نام او نامگذاری شد تصاحب نمود و به افتخار این سردار نام چهار راه امیر اکرم نامگذاری شد. خیابان های مخبر الدوله و قوام السلطنه نیز به ترتیب شبیه ترتیب بالا به نام این اشخاص نامگذاری شد.

خیابان نیز در همین روال و جریان به این نام که نام عموی بزرگ رضاخان پهلوی که برادر پدر رضا شاه (عباسعلی خان دادش بیگ) بود، نامگذاری گشت. حد فاصل باقیمانده باغ های معیر تا خیابان شاهپور را به نام بافت شاپور نامگذاری کردند. اطراف باغ های معیر و مسجد معیر به نام بافت معیر باقی مانده

است. شاید علت این ثبات نام بافت به خاطر وقفی بودن زمین های معیر علی  
الخصوص مسجد معیر بوده است.



## تعریف و تاریخچه حریم

حریم اثر تاریخی برگرفته از اصطلاح حریم در فقه است که در مورد اموال عمومی مردم، به ویژه در مورد قنات به کار می‌رفته است.

حریم محدوده‌ای است با ضوابط قانونی برای حفظ اثر از راه پیوند آن با محیط که از سوی متولی اثر تاریخی تعیین می‌شود. هر موجودیتی، از جمله اثر تاریخی، دارای حریمی است که در وهله نخست ضامن بقای اوست. به این معنا که از یک سو بازدارنده و از سوی دیگر فراخواننده است. حریم از آن رو بازدارنده است که یکپارچگی و موجودیت اثر را حفظ و میزان آمیختن اثر را با دیگر موجودیت‌ها روشن می‌کند و از آن رو فراخواننده است که در پیوند با آنچه در محیط است، بودن خود را معنا می‌بخشد.

طبق مدارک موجود اولین اثر ثبت شده سلیمان تپه در استان ایلام در تاریخ 1310/6/24 به شماره یک به ثبت رسیده است و اولین تعیین حریم مربوط به امامزاده عبدالله بافق یزد در تاریخ 1349/9/23 به شماره ثبت 901 می‌باشد.

تا پایان سال 1381 کل آثار تاریخی ثبتی به 8010 و کل حرائم تصویب شده 811 عدد بودند. این بدان معناست که فقط 10 درصد آثار ثبت شده دارای حریم می‌باشند و با توجه به اینکه تعداد بسیاری از آثار تاریخی مشهور هنوز

پرونده ثبتي نیز ندارند، به اهمیت و حجم کاری وسیع آینده این مجموعه پی می‌بریم.

شکل ظاهری حریم اثر تاریخی، محدوده یا محدوده‌هایی است که به دقت تعریف و بر نقشه مشخص شده‌اند. تعداد و وسعت محدوده‌ها به ویژگیهای اثر و محیط بستگی دارد و پس از بررسی‌های زیر تعیین می‌شود:

- 1- وضعیت اثر از نظر ویژگیهای زیبایی شناختی، تاریخی و فنی.
  - 2- محیط پیرامون اثر و نحوه توسعه آن از نظر ویژگیهای باستانشناختی، تاریخی، معماری، فنی و اقتصادی.
  - 3- بررسی محیط گسترده‌تر از نظر زیرساختهای شهر و منطقه، معیشت و جایگاه اثر در معیشت منطقه و روش زندگی.
  - 4- پیوند دیداری دوسویه میان اثر و محیط
  - 5- بررسی امکان وارد آمدن خسارتهای بالقوه و بالفعل به اثر تاریخی و پیوند آن با محیط مصنوع و طبیعی پس از انجام بررسی‌های یاد شده، محدوده‌هایی که مشمول معیارهایی همانند هستند تفکیک و روی نقشه مشخص می‌شوند.
- این محدوده‌ها با نام حریم درجه یک و حریم درجه دو خوانده می‌شوند.
- یک طرح حریم از چند گونه حریم تشکیل می‌شود که گونه‌ها و شمار آنها بستگی به ویژگیهای اثر دارد:

1- حریم حفاظتی: این حریم برای پیشگیری از فرو ریختن یا آسیب دیدن کل اثر تعیین می‌شود. و با توجه به وضعیت کالبدی اثر و مخاطرات محتمل بر آن قابل تغییر است. در این حریم، فعالیتها، استحداثات و کاربری‌های آسیب‌رسان به اثر و ضوابط آنها روی نقشه برشمرده می‌شود.

2- حریم بصری: این حریم برای حفظ و ارتقای پیوند دیداری دوسویه میان اثر تاریخی با بستر طبیعی و مصنوع آن "دید از اثر تاریخی به بیرون و دید از بیرون به اثر تاریخی" و پیش‌گیری از هرگونه گسست در چشم‌انداز تدوین می‌شود. حریم بصری در طول زمان کمتر دچار دگرگونی می‌شود.

3- حریم کاربردی: این حریم برای تضمین آینده پویای اثر در بستر طبیعی و مصنوع و تبدیل اثر تاریخی و محدوده پیوسته به آن، به کانونی فعال که ترویج‌کننده زندگی جمعی باشد و برای تقویت پیوستگی و همگنی کارکردهای شهرها و مراکز تاریخی، در طرح حریم بخش ویژه‌ای به تعیین کارکردهای مطلوب، قابل توصیه و نامطلوب اختصاص داده می‌شود.

### تحلیل سازه‌ای بافت:

تحلیل سازه‌ها ورودی بازارچه قوام و نحوه کارایی و کیفیت کارایی داربست

اجرا شده در آن.

در داربست طاق ورودی بازارچه قوام، یک المان خرپایی و دو المان مورب صرفاً نقش نگهداری پارچه و پوشش کشیده شده روی داربست را دارند و جنبه سازه‌ای ندارند. لذا شکل و دیاگرام به صورت شماتیک رسم شده و این عناصر در تحلیل‌ها نقش ندارند.

نیروهای حاصل از فشارهای تحمیل شده به یکی از جناحین سازه گنبد، توانسته است تعادل را در سازه گنبد برهم زده و برآیند نیروهای افقی را از صفر تغییر داده و حالت تعادل را در آن از بین برده است. در ضمن بارهای عمودی که بر روی این طاق وجود داشته است بیشتر از تحمل بخش فوقانی طاق بوده و این نیروها نیز سبب تخریب بخش فوقانی طاق گشته است. لذا به منظور جلوگیری از تخریب بیشتر سازه یک داربست با 3 المان افقی و چندین المان عمودی نامنظم و نامتقارن در زیر سازه طاق کشیده شده است.

این المان عمودی توانسته است نیروهای باربر عمودی که بر روی طاق نیرو وارد می‌کند را کمی تحلیل دهد و نیروی عکس‌العمل لازم برای حفظ نیرهای عمودی را تأمین نماید. اما عملکرد افقی و نیروهای افقی که به سبب نشست ساختمان و فشار فونداسیون خانه همسایه و مغازه مجاور به طاق وارد شده هنوز به قوت خود باقی است. این المان عمودی یعنی داربست توانسته با این یک لنگر، نیروهای افقی را تعدیل کند اما نتوانسته است این نیروها را کاملاً

خنثی کند. لذا این نیروها همچنان به ایجاد تنش در سازه طاق ادامه می دهند و حتی ریزش آجرهای روی طاق حاکی از این موضوع می باشد.

تحلیل سازه گذرهای قوسی شکل بر روی کوچه‌ها و بین 2 واحد

مسکونی مقابل هم:

قوس روی گذرهای بافت مذکور، دچار آسیب‌های شدیدی به سبب تصرفات مختلفی که روی آنها انجام می‌شود، شده است. در اینجا به تحلیل و بررسی 2 نوع دخل و تصرف اشاره شده است.

(1) افزایش نیروهای عمودی بالای قوس

در بالای بعضی از این قوسها اتاقهایی کوچک وجود دارد. اضافه کردن طبقات این اتاقها و یا انبار کردن مواد سنگین مثل ورقهای آهن در این نوع سازه‌ها، باعث تخریب این سازه‌ها گشته‌اند. نیروهای عمودی روی این قوس، وقتی از حد مجاز بالاتر باشند به نوک قوس و پایه‌های قوس که در جرز دیوار تعبیه شده‌اند، فشار وارد می‌شود و نوک قوس شروع به تخریب می‌کند.

(2) وارد آمدن نیروی افقی استاتیکی (ثابت) به قوس

وقتی یکی از واحدهای مقابل هم که بین آنها یک طاق وجود دارد، ساخته شود و یا نوسازی گردد، بر اثر این دخل تصرف که روی خانه مجاور انجام می‌شود، ایستایی قوس به هم ریخته و یک نیروی افقی در خلاف جهت خانه ساخته شده و یا تخریب شده، ایجاد می‌شود. این نیروهای افقی نمی‌تواند توسط نیروهای افقی دیگر در سازه تحمل گردد و ایجاد یک لنگر در سازه می‌کند. این

لنگر در سازه باعث تخریب دو طرف قوس گشته و به مهار بین پایه‌های دو قوس مطابق دیاگرام کشیده شده، آسیب وارد می‌کند.

### تحلیل سازه طاق و قوس مغازه‌ها و حجره‌های داخل بازارچه قوام:

انواع دخل و تصرفات در این سازه و نحوه آسیب رساندن این دخل تصرفی: در بین مغازه‌ها و حجره‌های داخل بازارچه بعضی از واحدها طبق دیاگرام رسم شده، دیوارهای جانبی خود را لاغر کرده و از عرض آنها کاسته‌اند. این واحدها برای بیشتر کردن فضای واحد خود دست به این اعمال می‌زنند. لاغر کردن و کم کردن حجم دیوارهای مغازه‌ها که پایه‌های طاق مذکور می‌باشند، باعث کم شدن مقاومت این دیوارهای باربر برای تحمل بار عمودی گشته و حتی به جهت تغییر ناگهانی و بحرانی زاویه انتقال نیرو در قوس می‌توانند نیروهای افقی را نیز تولید کرده و باعث عدم تعادل سازه گردند. این سازه در زیر نقاط خالی از آجر شده و در جرزهای باربر بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند.

همچنین در بین مغازه‌ها بعضی از آنها، سازه قوس بالایی را برداشته و جای آن تابلوی مغازه را نصب می‌کنند. بعضی نیز بدین ترتیب به ارتفاع مغازه خود اضافه کرده و کرکره بالای مغازه را روی آنها نصب می‌کنند. این دخل و تصرف باعث ایجاد نیروهای افقی در نقاط تخریب شده و به صورت بحرانی و ناگهانی می‌شوند. با از بین رفتن شیب قوس و عدم هدایت صحیح و آرام نیرو به

پایه‌های، این سازه در مقابل نیروهای عمودی بالای سر خود بسیار آسیب‌پذیر می‌شوند احتمال ریزش کلی این سقفها وجود دارد. در ضمن در صورت پایداری و یا محکم کردن این سقفها با تیرآهن، این نیروها به مغازه مجاور و جرز برابر منتقل می‌شود که مسلماً ایجاد این تنشها اثرات مخربی در تعادل کل سازه طاق و دیوارهای برابر آن خواهد داشت.

### آسیب‌شناسی

هرگاه خواسته باشیم شناخت وضع موجود بنا را که یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر باز زنده‌سازی بناهای تاریخی است، به طور کامل به پایان ببریم، آسیب‌شناسی یا پاتولوژی، قدمی است بسیار اساسی در شناخت بیماری‌ها، عدم تعادل‌ها و تغییر شکل‌هایی که در نهایت زندگی بنا را مختل کرده‌اند. پس از اتخاذ تصمیم برای مرمت یک بنای تاریخی - بی‌توجه به اینکه تصمیم‌گیری براساس کدام یک از بناهای هنری - فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی شهری - صورت گرفته باشد - مادام که بنا برای تحقیق و مطالعه در اختیار مرمت‌کننده قرار دارد، هیچ‌گونه دخالتی در وضع موجود آن نباید صورت گیرد. بنای موضوع مرمت مانند بیماری است که برای معاینه و تشخیص قبل از معالجه در اختیار پزشک قرار می‌گیرد و جز در مواردی که خطر انهدام قسمتی



از بنا مطرح است (و در بخش های محدودی از پیکره آن)، مداخله در وضع آن می تواند موجب زیان های غیرقابل جبرانی گردد. اصولاً اقدامات ضروری که برای آثار باستانی لازم است، اغلب با تأخیر انجام می گیرند و پیش بینی لازم برای حفظ تداوم و نگهداری آثار باستانی به عمل نمی آید. برای دخالت در آثار باستانی تحت عنوان مرمت لازم است عملکردی فوق العاده ظریف در حد معاینه یک بیمار انجام پذیرفته، اطلاعات دقیقی از بیماری بدست آید تا برنامه درمان صحیحی تهیه گردد. اولین برنامه مرمتگر، آماده نمودن اثر هنری برای مطالعه دقیق می باشد که بتواند پس از مطالعه و دقت کافی، مشکلات اثر را پیدا کرده، آنها را طبقه بندی نماید. مشکلات موجود علاوه بر تقسیم بندی شامل گروه بندی هم می شوند و علاجه ها و راه حل های لازم نیز طبق ضرورت با راه حل های ابتدائی آغاز و بعد طبقه بندی خواهند شد.

### بررسی عوامل مخل در بافت و تقسیم بندی آن:

#### عوامل مخل خارجی

با عملکرد آبی: این عوامل دربرگیرنده زمین لرزه، سیل، طوفان، بهمن، آتش سوزی و غیره می باشد. طبق مطالعات انجام شده در محل بنا، هیچ کدام از عوامل فوق در بنای مذکور اتفاق نیفتاده اند.

با عملکرد بطنی: این عوامل که در بنا باعث ایجاد عدم تعادل و سپس بروز عارضه شده است، شامل موارد ذیل می باشد:

### عوامل فیزیکی:

– **حرارت:** تغییر دما و حرارت مستقیم؛ خارج کردن دودکش بخاری از پنجره و خروج آن از زیر سقف، سبب سوختن لمه کوبی زیر سقف شده و برخی از آنها جدا شده اند.

### – رطوبت:

**رطوبت نزولی:** رطوبت ناشی از ریزش نزولات آسمانی است؛ رطوبت نزولی چوبها را خیس میکند و موجب تسریع پوسیدگی می شود و همچنین سبب شسته شدن اندود خارجی ساختمان می شود. عواملی که سبب تسهیل جذب رطوبت نزولی در این بنا می شوند عبارتند از:

- 1- عدم عایق بندی درست سقف
- 2- شیب بندی نامناسب سقف، سبب ماندن آب باران روی سقف شده و جذب رطوبت را افزایش می دهد.
- 3- عدم مرمت و تعویض اندودهای عایق
- 4- عدم استفاده از مصالح عایق بومی با توجه به اقلیم و طبیعت بنا و استفاده از قیر گونی بر روی سطوح شیب دار بام.

استفاده از پوشش سفالی برای سقف و فضاهای خالی بین سفالها و عایق‌بندی نامناسب سطوح زیرین سبب نفوذ رطوبت به سقف و انتقال آن به دیوارها می‌شود.

5- اجرا جزییات آب‌چکانها و رخ‌بامها به شیوه غلط یا استهلاک و فرسایش رخ بام و عدم تعویض و تعمیر به موقع آن.

**رطوبت صعودی:** این رطوبت بر اثر نفوذ آب به پی دیوارها و حرکت آن طبق قانون لوله‌های مویین به طرف بالا به‌وجود می‌آید. تأثیر این نوع رطوبت با توجه به اقلیم مورد بحث بلامنازع می‌باشد. این نوع رطوبت با نفوذ در پی و بالا رفتن در جرزها و دیوارها سبب بروز نشست می‌شود. همچنین نشست زمین ناشی از جذب رطوبت صعودی زمین می‌باشد.

اشکال بروز رطوبت صعودی در بنا عبارتند از:

- 1- پیدایش لکه‌های رطوبت در کف
  - 2- پیدایش لکه‌های رطوبت در قسمت اتصال دیوارها بر پی
  - 3- بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی (که مربوط به اقلیم می‌باشد)
  - 4- افزایش قدرت جذب مصالح به کار رفته مانند آجر
  - 5- وجود عناصر گیاهی در اطراف پی بنا
- رطوبت اشباع هوا:** این نوع رطوبت نیز در اقلیم مربوطه، عامل تعیین‌کننده‌ای در بروز صدمات بر بناها و به طور مثال ترکیب ملات با آن سبب

از دست دادن خاصیت چسبندگی ملاتها و یا جذب آن سبب پوکی آجر و مصالح و نیز بار وارده به ساختمان را افزایش می دهد. همچنین باعث رویش گیاهان و یا قارچ زدگی و یا کپک زدگی و زمینه ایجاد عوامل میکروبیولوژیک در بنا می شود.

اشکال ظهور این عامل مخل در بنا به صورتهای زیر می باشد:

1- پیدایش لکه های رطوبت در جداره ها و ...

2- پوکی آجر دیوارها

3- کدر شدن و یکنواختی جداره ها

4- شوره زدگی

5- پیدایش انواع قارچهای ریز

علاوه بر رطوبت اشباع هوا، خود بنا نیز به دلیل نوع کاربرد، دارای هوایی مربوط و نسبتاً راکد است که این امر نیز موجب بروز اختلافاتی همچون موارد نامبرده و در مقیاس وسیعتر می شود؛ شکل بروز عوارض با مورد قبل مشترک است.

### عوامل گیاهی

خالی شدن ناشی از عملکرد ریشه درختان و رشد نباتات که در بنای مذکور سبب خالی شدن پی و بخشی از جداره شده است. رشد شاخه های درختان در بخش پشتی بنا به سقف نیز آسیب رسانده است.

- جلبکها: انواع جلبک در پوشش داخلی و خارجی سقف به چشم

می خورد.

- قارچها: سطوح داخلی از قارچ پوشیده شده‌اند و منظر زشتی پیدا

کرده‌اند، همچنین جذب بیشتر رطوبت به دلیل وجود قارچ، سبب سست شدن

اندود سطوح شده است.

**عوامل بیولوژیکی و میکروبیولوژیکی:**

- جانوران موذی: موش و موریهانه

- فضولات حیوانات در ترکیبهای شیمیایی ثانوی: وجود فضولات پرندگان

در زیر شیروانی و جذب رطوبت آن توسط لکه‌کوبی آن.

**عوامل مرکب:**

به طور کلی تخریب یا تهدید یک بنا بوسیله مجموعه‌ای از عوامل مخل

می‌باشد بدین ترتیب که وجود یک عامل زمینه را برای تأثیر گذاشتن عامل

دیگر فراهم می‌آورد و یا اثر عامل دیگری را تسریع می‌کند. به عنوان مثال از

جذب رطوبت توسط آجر، این مصالح پوک و ترد می‌شود و این از همگسیختگی

داخلی تأثیر بار نامتوازن سقف سرعت خارج شدن از فرم را افزایش می‌دهد و یا

آنکه در شکاف ناشی از شکست سقف پرندگان لانه می‌سازند و فضولات آنها

علاوه بر ایجاد بار اضافی رطوبت خود را به مصالح زیرین و لکه کوبی و دیوارها

می دهد.

بخش اول

بازارچه قوام الدوله

## بازارچه قوامالدوله، موقعیت، تاریخ و تحولات:

بازارچه قوامالدوله در ضلع غربی حصار صفویه قرار گرفته در گذشته در محل ورودی بازارچه یعنی میدان شاپور دروازه معروف قزوین قرار داشته و همین امر سبب رونق بیش از پیش بازارچه بوده است. این بافت کهن در دوره صفویه و قاجاریه از نقاط اعیان نشین شهر تهران به شمار می‌رفته است. هم‌اکنون بازارچه قوامالدوله در هسته مرکزی شهر تهران در منطقه 12 شهری قرار گرفته است. از سمت غرب به میدان وحدت اسلامی (شاپور سابق) و امتداد شرقی - غربی به سوی بازارچه معیرالممالک کشیده شده است. بافت سنتی، متراکم و قدیمی حاکم بر مجموعه سبب شده تا ساخت و سازهای جدید کمتر در این نقاط دیده شود. و فضاهای معماری و تجاری تقریباً شکل اولیه و قدیمی خود را حفظ کند. و با تغییرات اندکی متناسب با نیازها و شرایط جدید به حیات خود ادامه دهد. دورتادور این مجموعه با بناهایی احاطه شده که مربوط به سالیان قدیم می‌باشد و به همین دلیل رنگ و بوی ظاهر جدید شهری در این بازارچه نسبت به سایر بازارچه‌های حاشیه کمتر به مشام می‌رسد.

هسته اصلی بازارچه مربوط به اواسط دوره قاجاریه است ولی در طی زمان بخش‌هایی از آن حذف شده است. و می‌توان گفت اقدامات حفاظتی و مرمتی در حد بسیار اندکی در آن انجام گرفته و تغییرات و حتی پاره‌ای اقدامات حفاظتی توسط مالکین در بازار صورت گرفته است.



سازنده آن آقای قوام‌الدوله از اشخاص بانفوذ و متحول دوره قاجار بوده است. در یک نگاه، اجمالی می‌توان دریافت بازار بطور کامل سبک ایرانی و معماری دوره قاجار بنا شده است و نمونه‌های بسیاری از این نوع بازارچه در بازار بزرگ تهران می‌توان مشاهده کرد.

#### 4- نگاهی به زندگی نامه قوام‌الدوله:

در تاریخ قرون 12 و 13 ایرانی 4 نفر مشهور به قوام‌الدوله جزو رجال این مرز و بوم بوده‌اند. که بطور مختصر به شرح زندگی نامه آن‌ها می‌پردازیم. اولین شخص در میان فتحعلی‌شاه قاجار به نام میرزا محمدتقی آشتیانی ملقب به قوام‌الدوله است که پسر هاشم‌خان می‌باشد و در اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه وارد خدمت استیفاء داری شد. بعدها استان‌دار فارس شد و در سال 1262 هـ. ق. درگذشت. وی پدر ابراهیم معتمدالسلطنه حسن و ثوق‌الدوله و احمد قوام‌السلطنه بود. منزل وی در کوچه محمود وزیر در نزدیکی چهارراه سرچشمه تهران به ثبت رسیده است.

دومین شخص میرزا عباس‌خان تفرشی معروف به میرزا محمد قوام‌الدوله از همنشینان مستوفی الممالک بود. مدتی وزیر امور خارجه شد و بعد به معاون الملک ملقبه شد و از طرف ناصرالدین‌شاه امور مالی تهران و توابع را به عهده داشت.

سومین شخص میرزا محمدعلی خان معاون الملک - قوام‌الدوله پسر میرزاعباس خان تفرشی قوام‌الدوله است که در سال 1299 قمری از مستوفیان طراز اول تهران - یزد صندوقخانه و گمرک و باغات سلطنتی و غیره بود و در سال 1314 هـ ق بعد از درگذشت پدر ملقب به قوام‌الدوله شد.

در سال 1319 هـ ق چون جز دسته مخالفین اتابک اعظم امین‌السلطان بود او را به مشهد تبعید کردند. در دوره مشروطه صغیر جزو کابینه میرزا احمد مشیرالسلطنه شد و در سال‌های 1325-26 وزیر دارائی بود. چهارمین شخص شکر... خان صدری یا شکر... خان معتمد خاقان رئیس تشریفات مظفرالدین میرزا ولیعهد و بعدها جز ملتزمین سکاب شد و حکومت خلخال را بعهده گرفت. وی بر علیه عین‌الدوله دسیسه کرد و بعدها جزو مشروطه طلبان درآمد و پس از چندی لقب میرزا محمدعلی خان قوام‌الدوله تفرشی را برای خود گرفت. مدتی حاکم تهران و اصفهان بود. در سال 1334 به وزارت پست و تلگراف و فوائد عامه منصوب شد.

البته به درستی معلوم نیست که سازنده بازارچه کدام یک از این چهار نفر بوده‌اند ولی با توجه به سوابق افراد و آنچه که مردم عامه محل از عروسی پسر قوام‌الدوله تعریف کرده‌اند برمی‌آید که میرزاعباس خان تفرشی و پسرش بانی احداث این بازارچه هستند.

## امتیازات هنری و معماری بنا:

از لحاظ هنری و معماری این مجموعه بنا دارای امتیازات فراوان نسبت به بناهای هم‌دوره خود می‌باشد برای مثال به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

سردر اصلی بازارچه مشرف به میدان وحدت اسلامی (شاهپور) است که خود نشانه‌ای از جایگاه خاص این بازارچه برای دستیابی مناطق جدید و قدیم تهران به آن می‌باشد. برای اینکه بازار هرچه بهتر مورد توجه عابران قرار گیرد سعی نموده‌اند تا تزئیناتی هرچه ساده و به دور از تزئینات عاریه‌ای، مقدار اندکی کاشی کاری به شیوه هفت‌رنگ خشتی در بخش غربی سردر اصلی و استفاده از آجرهای تراش‌دار به شکل نیم‌برگ‌های برگشته دور تا دور سردر و نمای اصلی بازارچه در تلفیقی هماهنگ با قرنیزهای نمای بیرونی چشم‌نوازی می‌کند.

در دو سمت سردر ورودی بازارچه دو نیم ستون توکار با چهارضلع مساوی بصورت سیم‌گرد و با تزئیناتی همراه با آجرهای تراش‌دار برگی شکل برگشته و آجرهای تراش‌دار سه‌گوش دور تا دور نیم‌ستون را در دو قسمت فوقانی و تحتانی احاطه کرده است.

نباید فراموش کرد که بخش اعظمی از این دو نیم ستون به مرور زمان بر اثر تغییر و تحول‌های انجام شده تخریب شده است.

در بخش داخلی یعنی دهلیز اصلی بازارچه آجرکاری‌های متنوعی با بهره‌گیری از آجرچینی پرکلاغی (جناغی) در داخل طاق‌بندی‌های بخشی که با

استفاده از قوس‌های جناغی با خیزش یک به سه  $1/3$  بطور متوالی تکرار شده‌اند، هر کدام از قوس‌های جناغی با استفاده از آجرچینی به شیوه رومی خودنمایی می‌کند.

باید یادآور شد معماران سازنده بازارچه تمام جوانب را همگام ساخت رعایت کرده‌اند. مثلاً تا آن‌جا که شواهد نشان می‌دهد بسیاری از طاق‌های بازارچه دارای روزنه‌هایی برای تهویه هوا و نورگیری قضاها می‌باشد که علاوه بر آن سقف بخش میانی بازار با بهره‌گیری از چوب و ورق‌های نازک فلزی به شکل شیروانی پوشیده شده است. که به احتمال زیاد در سال‌های قبل بر اثر فرو ریختن طاق‌های این بخش و عدم توانائی و یا بی‌تفاوتی مالکین آن‌ها برای تعمیر و یا بازسازی به شکل اولیه، از شیروانی استفاده کرده‌اند.

چنانچه از شواهد و آثار بجای مانده از ادوار پیشین برمی‌آید داخل حجره‌های موجود در بازارچه سقف‌هایی به شکل سقف سراسری اصلی وجود داشته که بسیاری از آن‌ها از بین رفته و از سقف‌های معمولی با پوشش حجره‌ها استفاده کرده‌اند ولی در برخی از حجره‌ها هنوز طاق‌های چهاربخشی وجود دارد که رویه آن‌ها را با استفاده از ملات گچ اندود کرده‌اند. باید یادآور شد که در گذشته قسمت مسقف بازارچه قوام‌الدوله، وسعتی بیش از مقدار کنونی داشته و ادامه آن تا چهارراهی که بازارچه قوام را از مجموعه باغ، آب انبار و بازارچه

معیرالملک جدا می کرده است بوده است و موید این گفته است که کسبه بازار، بقایای با طاقی ها و اسپرهای بالای سردرهای حجره ها و منازل می باشد. همانند دیگر مکان های تجاری تهران قدیم مانند بازار اصلی تهران قدیم مانند بازار اصلی تهران، مسجد و سقاخانه از ارکان و اجزاء تشکیل دهنده بازارچه است. بطوری که در انتهای این بازارچه مسجدی کوچک بنام مسجد حریری با سه در کاشی کاری شده در سمت شمالی و سقاخانه ای پررونق در بخش جنوبی بازارچه روبروی مسجد واقع شده است. دهلیزی در قسمت سقاخانه قرار دارد که سقفی شبیه سقف های دهلیز اصلی بازارچه دارد. در معبدها و کوچه های منشعب از بازار اصلی بناهایی زیبا با سردرهای هنرمندانه دیده می شود که نشان از مالکین متمول و اعیان آن روزگار است که در این محله ساکن بوده اند. این سردرها همانند دیگر سردرهای دوره قاجار دارای اسلیمی هائی با بهره گیری از آجر تراش دار، نیم ستون های توکار، قرنیزهای آجری و به شکل مقرنس کاری و یک قاب چهارگوش در بالای در ورودی به چشم می خورد.

### نوع بهره برداری و مالکین بازارچه:

این بازارچه از لحاظ تنوع اجناس ارائه شده همانند سایر بازارهای سنتی می باشد بطوری که از ابتدا تا انتهای بازار انواع مغازه هائی چون سبزی فروشی، قصابی، کفاشی، بقالی، مرغ، ماهی فروشی، سمساری، فرش فروشی، قنادی، بلور

فروشی و ... بطور فعال بکار و کسب مشغول هستند، علاوه بر آن برخی از حجره‌های موجود برای فعالیت‌های تولید و تجاری بکار گرفته شده است. کوچه‌ها و دالان‌های منشعب از راسته اصلی منتهی به خانه‌های مسکونی می‌شود و عموماً اقشار شاغل در بازار و یا مهاجران در آن‌ها ساکن هستند. تمامی بازار دارای مالکیت شخصی بوده است و هیچ بخشی از آن مشاع یا اوقافی نیست و اغلب مالکین دارای سند مالکیت قطعی هستند.

### عوامل تزئینی بنا:

مهمترین تزئینات بنا مربوط به چند نوع آجر تراش‌دار است که پیش از همه در نمای غربی به چشم می‌خورد. علاوه بر آن تعداد اندکی کاستی هفت‌رنگ نشان وجود تزئینات دیگری در نماها و احیاناً در داخل راسته اصلی بازارچه بوده است. که هم‌اکنون منهدم و از مجموعه بازارچه حذف شده است. انواع آجرچینی و آجرکاری در طاق‌ها و پشت بغل‌ها زیبایی خاصی به بنای داخلی بازار داده است. همچنین تکرار چندین قوس جناغی یکنواخت، هماهنگی خاص به بنا داده است.

توسعه، تعمیرات، دخل و تصرفات انجام شده تاکنون:

برخی از خیرین و مالکین در زمان‌های مختلف اقدام به بازسازی یا بازپیرائی و مرمت بناهای بازارچه نموده‌اند. در این بازار بخش‌هایی به چشم می‌خورد که طی چندین سال اخیر مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته‌اند. هرچند معماران سازنده این بخش‌ها بطور کامل سعی در رعایت اسلوب اصلی بازار و هماهنگی بخش قدیم و جدید نموده‌اند، ولی مواد و مصالح مورد استفاده مربوط به دوره حاضر است. یکی از بخش‌های تازه تعمیر در ابتدای بازارچه و در ضلع شمالی آن قرار دارد.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد به دلیل فرو ریختن طاق، قسمتی از سقف را با چوب و ورقه‌های نازک بصورت شیروانی پوشانیده‌اند.

بازارچه نه تنها توسعه نیافته بلکه بیشتر قسمت‌های مسقف آن از بین رفته است. اما کوچه‌ها و سرسرای اصلی بازارچه هنوز باقی است و بسیار زنده و پویا می‌باشد.

### کاربری‌های مهم و شاخص منطقه:

کاربری‌های عمده بخش مرکزی تهران و در محدوده بافت که اهالی بافت نیز از آن استفاده می‌کنند را می‌توان در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

- 1- ساختمان‌ها و مجموعه‌های اداری و حکومتی مانند وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شعبات مرکزی بانکها و دفاتر روزنامه‌ها.

- 2- سفارتخانه‌ها، سفارت‌خانه روسیه، انگلیس، آلمان، ترکیه، دانمارک
  - 3- موزه‌ها و کتابخانه‌ها، ایران باستان، کتابخانه ملی، موزه آبگینه و جواهرات
  - 4- بناهای تاریخی و یادمان، کاخ گلستان، شمس‌العماره، دارالفنون، نگارستان.
  - 5- اماکن مذهبی، مسجد امام، مسجد و مدرسه خان مروی، سرقبر آقا، امام‌زاده سیداسماعیل، کلیسای سورپ گورک، مسجد و مدرسه معیرالممالک
  - 6- اماکن آموزشی: هنرستان کمال‌الملک، دانشکده توان‌بخشی
  - 7- مجموعه‌ها و محورهای تجاری: بازار تهران، باغ سپهسالار، محورهای فردوسی، لاله‌زار جمهوری، بازارچه‌هایی از جمله بازارچه قوام‌الدوله و ...
  - 8- فضاهای شهری مانند میدان نوبخانه، بهارستان، حسن‌آباد، سبزه میدان و باغ ملی.
  - 9- سینما و تئاتر: محورهای لاله‌زار و جمهوری.
- وجود کاربری‌های فرامنطقه‌ای در هسته مرکزی شهری سبب شده است تا منطقه دارای جمعیت بیش از حد روز و کاهش جمعیت در شب هنگام شده که علت عمده آن بازارهای اصلی در این منطقه و از جمله بازارچه قوام‌الدوله است.
- این رفت و آمد و جمعیت بالای روز سبب شده تا بافت‌هایی قدیمی که ظرفیت این ترافیک و عبور و مرور را ندارند دچار آسیب و صدماتی شوند. از سوی



دیگر سطح وسیع انبارها و کارگاهها بعنوان فعالیت‌های پشتیبان کاربری تجاری به ضرر کاربری مسکونی در حال گسترش است که سبب ازبین رفتن تعادل و نظم حاکم بر بافتها می‌شود که خود از عوامل تخریب بافت بشمار می‌رود. کمبود سطوح خدماتی و بیش از همه در مورد فضای سبز نیز مشکلات عمده‌ای را برای ساکنان بافت بوجود آورده است. بطوری که کاربری تجاری و به دنبال آن حمل و نقل و انبارها بیشترین کاربری منطقه‌ای را دارا می‌باشد. کمبود سطوح آموزشی نیز سبب کاهش جمعیت ساکن در منطقه شده است. از سوی دیگر کمبود زمین‌های بایر و ساخته نشده در کل منطقه 12 تهران حدود 21 هکتار است. بنابراین اگر تمام زمین‌های بایر و قابل ساخت نیز به خدمات اختصاص یابد باز هم حدود 50 هکتار باید به کاربردی خدماتی اختصاص یابد تا کمبودهای خدماتی منطقه برطرف شود. و همان‌طور که می‌دانیم این کمبود خدمات سبب جمعیت‌گریزی و به تبع آن تخریب و صدمه به اصالت و بافت‌های هسته مرکزی شهر (از جمله بافت شاپور شده است) در حال حاضر از جمله راه‌حل‌های پیشنهاد شده، مجموعه‌سازی و بلندمرتبه‌سازی با سطوح اشغال کم است شاید بتوان مشکل کمبود سطوح خدماتی را کم کرد، که با توجه به بافت حاکم که بافتی تک طبقه متراکم و قدیمی است این نظریه نیز مخالفان بسیاری دارد و به مرحله اجرا نرسیده است. در صورت تأمین خدمات شهری مطلوب منطقه توان جمعیت‌پذیری را داراست. تراکم جمعیتی در حال حاضر 140 نفر

در هکتار است، که تراکم مسکونی در آن بالا نیست و بیشتر به فعالیتهای فرمانطقه‌ای اختصاص دارد. افزایش تراکم مسکونی و خدمات شهری مطلوب می‌تواند تأثیر مثبتی در زمینه حفظ و احیای بافتهای تاریخی داشته باشد. فرآیند نوسازی مسکن در منطقه نسبت به مناطق دیگر تهران به کندی پیش می‌رود. البته این گردش در حاشیه‌های غربی (بین خیام و وحدت‌اسلامی بالای خیابان مولوی) که بافت موردنظر نیز در آن قرار دارد بیشتر به چشم می‌خورد که دلایل آن ارزان بودن نسبی زمین و بافت اجتماعی سالم‌تر در این محدوده‌هاست. البته در حالت کلی نوسازی در بدنه‌های تجاری پررونق‌تر از درون بلوکهای شهری است.

در محله‌های فرسوده مردم توان مالی بازسازی خانه‌های خود را ندارند. الگوی ارتفاعی بصورت مدور است یعنی ساختمان‌های خیابان‌ها و کوچه‌های پهن‌تر بلندتر و درون محله‌ها کوتاه‌تر است.

بازارچه قوام‌الدوله و محله‌های پیرامون آن کم‌ارتفاع‌ترین قسمت محدوده را تشکیل می‌دهند.

دانه‌بندی بافت عمدتاً ریزدانه است. میانگین مساحت قطعات زمین محله و بافت شاپور  $190m^2$  است.

خردفضاهای محله‌ای مانند ورودی خانه‌ها، سقاخانه‌ها، میدانچه‌ها و گوشه‌گذرها در بافت قدیمی محله‌ها به چشم می‌خورد. اما فرسودگی بافت گریز

ساکنان اصیل از آن باعث تنزل ارزش بناها شده که روزگاری روابط اجتماعی را در مقیاس همسایگی و محله‌ای برقرار می‌کند. موانع عملکرد موفق جمعی را می‌توان در ازدحام جمعیت و خودروها در روز، کیفیت نامناسب پیاده‌روها تداخل حرکت سواره و پیاده، فضای سبز اندک، تعرض مغازه‌دارها به پیاده‌روها و اثاثیه شهری نازیبا دانست.

### فضای سبز

در این بافت شاپور فضای سبز به شدت کمبود دارد و این کمبود در کل منطقه 12 وجود دارد و سرانه فضای سبز در محدوده بافت شاپور معادل 2/44 مترمربع است. بافت شاپور محله‌ای فشرده مسکونی که با همراه با کاربری تجاری و هسته آن بازارچه قوام‌الدوله است و کمبود فضای سبز به وضوح مشاهده می‌شود.

### آسیب‌پذیری در برابر زلزله:

در منطقه خطر بزرگی محسوب می‌شود و در صورت فعال شدن گسل شهری 80٪ ساختمان‌های این بخش و بافت قدیمی تخریب می‌شود. زیرا تعداد زیادی از ساختمان‌های بافت مذکور کم دوام و با سازه‌های تیر چوبی و خشتی است. تلفات انسانی نیز در منطقه پرشمار خواهد بود و 15 تا 20 درصد ساکنان

در صورت بروز زمین‌لرزه جان خود را از دست خواهند داد. بی‌دوامی بناها، فشرده‌گی و فرسودگی بافت نفوذپذیری اندک بلوکهای شهری جهت امداد رسانی از عوامل افزایش تلفات انسانی در منطقه خواهد بود. (در اثر بروز هر گونه حادثه غیرمترقبه از قبیل آتش‌سوزی نیز بافت با این مشکلات روبروست). خسارت به تأسیسات و تجهیزات شهری گسترده ارزیابی شده، احتمالاً تعداد بسیاری از پلهای روگذر تخریب و یا ناپایدار خواهند شد. همچنین بسیاری از نهادهای شهری که باید جزء اماکن امن به حساب آیند نیز در این منطقه آسیب‌پذیر خواهد بود از جمله کلانتری‌ها، پاسگاه‌های پلیس راهنمایی و رانندگی، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، بیمارستان‌ها، مدارس، ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه.

شبکه‌های حیاتی: مانند آب و برق و گاز و مخابرات نیز صدمه‌پذیر خواهند بود. این آسیب‌پذیری قادر است شبکه‌ها را مدت‌ها از کار بیندازد. احتمال انتشار آتش: به دلیل وجود تعداد زیاد انبارها، کارگاه‌ها، پمپ‌بنزین، مراکز توزیع فراورده‌های نفتی و غیره منطقه را پرخطر می‌سازد بخصوص با توجه به کمبود فضاهای مناسب جهت امداد رسانی و وسایل نقلیه آتش‌نشانی احتمال مداخله سریع و آسان را غیرممکن ساخته است. از نظر پهنه‌بندی خطر این بخش از تهران در مدل گسل و مدل شناور پرخطر است و در مدل گسل شمال تهران با خطر میانه روبه‌رو می‌شود.

آسیب‌پذیری در برابر سیل: به دلیل فشردگی بافت منطقه و سطوح کم فضاهای باز و سبز نفوذپذیری زمین برای جذب آب باران کم است و حجم روان آب افزایش می‌یابد. همچنین شیب مناطق شمالی به جنوب و بالا بودن سطح آبهای زیرزمینی خطر آب گرفتگی معابر را بیشتر می‌کند. منطقه به یک سیستم مناسب برای جمع‌آوری آب‌های سطحی با ظرفیت کافی سیلاب رودها و طراحی سیستم انتقال و تخلیه نیاز دارد. همچنین پاکسازی منظم جوی‌ها و دهانه‌های آبگیر باید مورد توجه قرار گیرد.

زیرساخت‌های شهری: شبکه‌های آب و برق و پوشش تقریباً کاملی در منطقه دارد اما مشکل آن‌ها قدیمی بودن خطوط و عبور از بافت اورگانیک و ریزدانه است. پوسیدگی لوله‌های آب و فقدان کانال‌های تأسیساتی مشترک در سطح شهر مشکلاتی از جهت نگهداری و تعمیرات به وجود می‌آورد. ظرفیت شبکه مخابرات کمتر از یک سوم نیازهای منطقه است و شبکه گاز شهری هنوز در منطقه کامل نشده است.

- بررسی آسیب های محدوده بازارچه قوام الدوله

آسیب‌نگاری در مسجد حریری:

عارضه مشخصه در این آسیب شوره می‌باشد که از عوارض مخل ایجاد آن می‌توان به رطوبت صعودی که از عوامل مخل خارجی از نوع طبیعی و عوامل فیزیکی است. و عدم تعادل به هم خوردن ساختار شیمیایی مصالح بکار رفته (آجر) بر اثر نفوذ رطوبت می‌باشد.

در کنج این قسمت از دیوار که قسمت داخل مسجد می باشد. عارضه شوره و تغییر رنگ آجرها دیده می شود منشاء و عامل مخل این آسیب را می توان رطوبت صعودی دانست. این عامل از عوامل طبیعی خارجی به شمار می رود و می توان آن را از عوامل فیزیکی که باعث صدمه به مصالح از جمله آجر می شود دانست.

عامل مغل رطوبت در این بخش علاوه بر ایجاد عارضه شوره و تغییر رنگ در آجر سبب ایجاد تغییر رنگ و خاصیت اندود در گچ نیز شده است. طبله شدن و از دست دادن خاصیت اندود به خوبی مشهود است. قرارگیری گچ و آجر در کنار هم نیز سبب به وجود آمدن ترک در فصل مشترک این دو مصالح شده است.

(در این بازشو ورودی به دیوار آجری مسجدالحاق شده است و عدم هماهنگی مصالح نیز به خوبی مشهود است)



در طاق شبستان مسجد رطوبت به خوبی مشهود است. این عامل خارجی اندود گچ را تخریب کرده رطوبت نزولی فوقی که پوشیدگی سازه چوبی مسجد و عدم وجود هر گونه عایق رطوبتی آن را تشدید نموده است. مهمترین عامل مخل اندود فوق است.

این فضا، فضای داخل شبستان را نشان می‌دهد. اندود گچی که روی سازه چوبی و اصلی بنا را پوشانده به طرز نه چندان مطلوبی اجرا شده است. این عامل داخلی سبب ریزش اندود در قسمت‌هایی از سقف شده است. همچنین وجود رطوبت نیز ایجاد عارضه‌های از جمله تغییر رنگ، داغ رطوبت و ریزش‌هایی در اندود سقف شده است. این رطوبت نزولی به اندود خارجی دیوارها نیز صدماتی را وارد آورده که در عکس مشخص است.

این عکس عارضه آندود خارجی گچ را که بطور نامطلوب روی چوب را پوشانده و پوسیدگی و تخریبات شدیدی که عامل مخل عدم هماهنگی دو مصالح متفاوت و رطوبت موجود در سقف آنها را بوجود آورده آنها را نشان می دهد.

عکس‌های مربوط به آسیب‌های بازارچه و طاق آن:

- در طاق این قسمت از بازارچه عوارض ناشی از عامل مخل رطوبت به

شکل شوره، تغییر رنگ آجرها، داغ رطوبت مشاهده می‌شود.

- روزنه‌های تهویه هوا و نورگیری که در اغلب طاق‌های بازارچه دیده می‌شود که بر اثر رطوبت نزولی عوارض نظیر شوره، تغییر رنگ آجر و آسیبهای موضعی در اغلب آنها دیده می‌شود.

- در عکس فوق رطوبت نزولی که از روزنه میان طاق‌ها نفوذ می‌کند سبب ایجاد عوارض و آسیب‌های مشاهده شده در عکس شده است. همچنین الحاق اندودی جدید و نامتناسب (گچ) نیز به نوبه خود عارضه ترک را به علت عدم هماهنگی دو مصالح بوجود آورده است.

این عکس پوشش چوبی را نشان می دهد که پس از تخریب پوشش اصلی بخشی از بازارچه ساخته شده و بخشی از راسته اصلی را پوشانده است. وجود رطوبت و مرور زمان سبب فرسودگی چوب های به کار رفته شده است.

- این تصویر ستون طاق ورودی بازارچه را نشان می‌دهد این طاق بزرگترین طاق بازارچه است و با بقیه طاق‌ها در نوع قوس متفاوت است. همان‌طور که در تصویر نیز دیده می‌شود رطوبت و گذشت زمان و برهم خوردن تعادل نیروها آسیبهای زیادی مانند شوره، تغییر رنگ آجر، ترک و ... را سبب شده است.



این عکس نمونه‌ای از سونداز اجرا شده در بافت را نشان می‌دهد (ستون طاق اصلی، ورودی بازارچه) که توسط (کارشناسان) میراث فرهنگی کشور جهت انجام مطالعات اولیه مرمت بازارچه اجرا شده است.

در تصویرنمایی از داخل یکی از حجره‌های بازارچه که کاربری قهوه‌خانه داشته است نشان داده شده است البته امروز متروک می‌باشد. طبله کردن اندود گچ، داغ رطوبت، تغییر رنگ آجرها و از هم گسیختگی مصالح تحت تأثیر عواملی چون رطوبت در گذشت زمان بوجود آمده‌اند.

عارضه ریختگی اندود گچ و از هم گسیختگی مصالح و تغییر رنگ آجر بر

اثر عوامل مخلی چون رطوبت و گذشت زمان در تصویر دیده می‌شود.

در بعضی از حجره‌های بازارچه روی پوشش آجری اصلی بازارچه را با اندودهایی مانند اندود گچ پوشانده‌اند. در برخی از این حجره‌ها از جمله حجره‌ای در تصویر نشان داده شده. این اندود در اثر گذشت زمان و از دست دادن چسبندگی مصالح ریخته و تخریب شده است. رطوبت از عوامل مخل این اندود بشمار می‌رود و سبب بوجود آمدن داغ رطوبت روی آن شده است.

دخل و تصرفات و الحاقات ناآگاهانه خود یکی از دلایل تخریب بیشتر بافت

شده است.

در این تصویر عوارضی چون خالی شدن ملات بین آجرها، ترک در محل اتصال طاق و دیوار، فرسودگی آجرها، داغ رطوبت و تغییر رنگ آجرها، فرسودگی چوب به خوبی دیده می‌شود. که عوامل مخلی چون رطوبت نزولی، گذشت زمان و نشت طاق و عدم توجه و تعمیر مالک سبب ایجاد آن شده است.

بررسی آسیب های حمام:

نمای ورودی حمام (که متروک است و عوارض رطوبت به خوبی دیده

می شود)

- در این تصویر طبله کردن اندود داخلی مشخص است که عامل مخل آن

رطوبت بالارونده می باشد.

- رطوبت عامل محل در تخریب عکس روبرو می باشد. عارضه در تخریب

شکل مقابل ریزش نازک کاری و پدیدار شدن طاق ضربی می باشد. اثرات شوره

در بخش ریخته شده مشاهده می گردد.



- طاق روبرو باقی مانده یکسری طاق با وسعت بیشتر که دو اتاق مجزا را تفکیک می کرده است. یک فضا، فضای رختکن و خشک کن بوده است - فضای دیگر خزینه بوده است که طاق آن تخریب و بصورت طاق ضربی با تیر آهن دوباره سازی شده و سازه نوساز به سازه طاق آسیب وارد کرده است. مشاهدات و تحلیل های تخریب در دیاگرام های بخش اول پروژه تحلیل شده است.

### آسیبهای مربوط به بافت:

این عکس که یکی از کوچه‌های فرعی بافت را نشان می‌دهد در عوارض موجود در اغلب بناهای قدیمی این بافت را نشان می‌دهد. عوامل محل رطوبت نزولی و رطوبت صعودی سبب ایجاد عوارضی چون داغ رطوبت، شوره بر روی آجرها، خالی شدن ملات بین آجرها و تغییر رنگ آجرها، ریختگی بخشی از اندود خارجی شده است. ترک‌های موجود نیز بر اثر ضرایب حرارتی غیریکسان و عدم زیرسازی مناسب بوجود آمده است.

- در این تصویر قسمتی از بافت مشاهده می‌شود که نمای آجر که نمای قدیمی می‌باشد با آمدن تأسیسات و امکانات جدید رفاهی و الحاقات نامأنوس شکل نامتناسبی را در بافت ایجاد کرده است. آسیبهای مشاهده شده در نما مانند پوسیدگی چوب در پنجره، تغییر رنگ و صدماتی وارده بر آجرها بر اثر رطوبت و گذشت زمان مشخص است. همچنین ساخت و سازهای جدید بدون توجه به بافت کلی مشکلاتی را برای بناهای قدیمی بوجود آورده است.

- گذشت زمان از دست دادن خواص مصالح همان طور که در عکس دیده

می شود سبب ایجاد تخریباتی در نمای بنا شده است.

در بسیاری از بناهای قدیمی بافت عدم توجه مالکین به تعمیر و نگهداری

بناها خود عامل مهمی در جهت تخریب بناست.

- این عکس یکی از گذرهای منتهی به بازارچه را نشان می‌دهد. که بخشی از طاق‌های (که به شیوه رومی اجرا شده) آن باقی مانده است و بقیه به مرور زمان تخریب شده است. در این عکس ساخت و سازهای ناهماهنگ و نامتناسب که خود از عوامل تخریب بافت محسوب می‌شود به خوبی نشان داده شده است. وجود ساختمان‌های با ارتفاع بلند و مصالح جدید و نامأنوس با بافت سنتی یکدستی و هماهنگی بافت را بهم زده است.

- این کوچه یکی از کوچه‌های عریض بافت به شمار می‌رود و به بازارچه منتهی می‌شود. همان‌طور که در شکل دیده می‌شود با مشکل جمع‌آوری آب‌های سطحی روبروست. طبق گفته ساکنان محل بسیاری از کوچه‌های عریض و ماشین رو بافت شاپور با این مشکل مواجهند (آب‌های سطحی این کوچه‌ها در گذشته وسیله جوبهای باریکی دفع می‌شده که در اثر آسفالت‌سازی‌های جدید خیابان پر شده است. مانند تصویر دوم)

در تصویر خالی شدن ملات بین آجرها که عامل مخر رطوبت که سبب  
ازهم گسیختگی ملات شده دیده می شود. علاوه بر آن رطوبت نزولی سبب  
آسیبهائی در آجرها شده است.

- این تصویر قسمتی از سقف یکی از خانه‌های بافت را نشان می‌دهد که عامل مغل آن رطوبت، گذشت زمان، از دست دادن خواص مصالح سبب ایجاد عوارضی نظیر ریختن اندود گچ و پوسیدگی چوب که سازه بنا بوده است می‌باشد. عدم رسیدگی مالکین نیز این آسیبها را تشدید کرده است. در محل اتصال مصالح ناهمگون نیز ترک‌هائی دیده می‌شود که ضریب انقباض و انبساط متفاوت را می‌توان از دلایل آن دانست.



- در این بافت قدیمی می توان بناهایی دید که بر اثر گذشت زمان و عدم رسیدگی به بنا به طور کامل تخریب شده اند. عوارض خالی شدن ملات بین آجرها، طبله کردن اندودها از هم گسیختگی و از دادن خواص مصالح بر اثر عوامل مخلی چون رطوبت، گذشت زمان و تغییرات حرارت به خوبی دیده می شود. (اینگونه بناها را امروزه به طور کامل تخریب و ساختمان های کاملاً جدید را جایگزین می نمایند).

### نماهای کلی بافت:

در بافت متراکم شاپور بخصوص کوچه‌های منتهی به بازارچه قطعات زمین‌های مسکونی کوچکند ساخت و سازهای جدید بخصوص مرتفع بودن این بناها مشکلاتی را برای ساکنین ایجاد کرده که گاهاً راه‌حل‌های جالبی برای آنها پیدا کرده‌اند. (مانند این دیوار ایرانی‌تی که برای جلوگیری از دید مستقیم بازشوها بهم استفاده شده است).

در دوره‌های مختلف با گذشت زمان لایه‌های متفاوتی بر روی کف خیابان ساخته شده به همین دلیل سبب بالا آمدن کف گذرها شده است. و کف حیاط اغلب خانه‌های قدیمی پایین‌تر از کف خیابان است.

تصاویری از گذرهای اطراف بازارچه مشخص است.

بخش دوم

بافت معیر

## وجه تسمیه

باغ معیر الممالک و مجموعه بناهایی که در آن ساخته شده بود یکی از مجموعه باغهای تهران قدیم به شمار می آید. این باغ توسط دوستعلی خان نظام الدوله (معیر الممالک) خزانهدار ناصرالدین شاه حدفاصل سالهای (1264-1313) ساخته شده است - در مورد بناهای ساخته شده در این باغ می توان به منازل شخصی خانواده معیر، بازارچه، حمام، مسجد و مدرسه و آب انبار و نیز یک طاق نصرت بزرگ شبیه به طاق نصرت پاریس اشاره کرد که امروزه از طاق نصرت اثری برجای نمانده است اما در مورد بقیه ابنیه آثار بجای مانده همچنان به نام وی مشهورند.

باغ معیر پس از تفکیک اراضی در اواخر دوره قاجاریه و جداسازی بخشهای موقوفی آن و قسمت تملک قرار گرفتن اراضی حاشیه ای آن توسط مالکین فرد، به صورت فعلی درآمد.

درختان باغ معیر پس از ساخت و سازهای اطراف باغ کم کم توسط مالکین اراضی تفکیکی قطع گشت و باغ معیر به یک محله مسکونی تبدیل گشت. خوشبختانه اراضی موقوفی باغ معیر، از جمله مسجد و آب انبار و حمام معیر از این دست اندازیهها محفوظ ماند. این حفظ به سبب وقفی بودن املاک معیر بوده است.

در دوره رضاخان و همگام به اصلاحات مختلف در ایران، مدرسه معیر برای مدتی تعطیل گشت و طلاب این مدرسه به مدرسه محمدیه انتقال یافتند. پس از ورود متفکین به ایران و سرنگونی رضاشاه، مجوز وزارت اطلاعات و مطبوعات (فرهنگ و ارشاد اسلامی کنونی) مدرسه بازگشایی شده و مرمت‌های بسیار محدودی خصوصاً در نازک‌کاری بنا انجام گشت. در دوران پس از انقلاب نیز به دلیل محدودیت مدرسه و اینک متولی نگهداری مدرسه یعنی سازمان اوقات و امور خیریه با اداره کل سرپرستی مثابه تهران اختلافاتی بر ملکیت‌های خصوصی اطراف مسجد با یکدیگر و با مسجد دارند، مرمت‌های بدی در این بخش صورت نپذیرفته است. مدرسه در سال 1379 برای تصویب بوده به مرمت به شورای عالی بازسازی حوزه‌های علمیه رفت ولی همچنان مدرسه بدون بودجه مرمت باقی مانده است.

در دوره‌های مختلف تاریخی و به سبب زنده بودن محیط مدرسه و جریان زندگی در آن به سبب نیازهای مختلف زندگی در دوره‌های مختلف، وسایل و تأسیسات مختلفی به مسجد اضافه و ما از مسجد کم می‌شود.

در مدرسه حضور برق به عنوان یک عنصر ضروری زندگی در دوره‌های جدید برای رفاه بیشتر طلاب ضروری بوده است بخاری نفتی در سال‌های 1325 و 1330 به مدرسه آمد و در سال‌های بعد از دهه 50 بخاری گازی جای آن را گرفت. این تغییرات و تحولات در تکنولوژی، صدمات بسیاری را به پیکر

مدرسه وارد کرده است. علت این آسیبها و صدمات عدم استفاده و طراحی درست این وسایل جدید بوده است. اکنون مدرسه معیار نیازمند یک نگاه جدی و مرمت اصولی نه تنها برای رهایی این بنا از نابودی بلکه برای رفاه بیشتر ساکنان آن که طلاب حوزه‌های علمیه می‌باشند است و لذا توجه به این مورد که مدرسه در آینده نیز محل زندگی افرادی می‌باشد لازم است.



آسیب‌ها:

عکس 1: ایجاد دیوار صندوقه‌ای دورتادور فضای گنبدخانه مسجد معیری جهت جلوگیری از نشت رطوبت به دیواره‌ها، در واقع با ایجاد دیوار دوجداره که فضای میانی آن را هوا پر می‌کند مانعی بر سر راه نفوذ رطوبت به دیواره‌ها ایجاد می‌کند.

عکس 2: پوشاندن ناصحیح آسیب‌ها و عرضه‌های بوجود آمده بر روی قوس بدون در نظر گرفتن شکل صحیح و سازه‌ای قوس که با اندود روی آن پوشانده شده و قوس به صورت ناصاف و نازیبا درآمده است. که به علت اصولی نبودن بازسازی قوس، اشکالات بوجود آمده همچنان به لایه‌های اندود منتقل می‌شوند. به علاوه بر آن همانگونه که در عکس دیده می‌شود میله مهار قوس هم بنا به دلایلی بریده شده که این مسئله منجر به ایجاد آسیب‌ها و ترک‌های بعدی در قوس می‌شود.

عکس 3 و 4- فیل پوش نشان داده شده در عکس در شبستان تابستانی مسجد معیری واقع شده است که در اثر نفوذ رطوبت حاصل از بارندگی در حال فروریختن می باشد، برای جلوگیری از این مسئله در حال حاضر شمع گذاری شده است که البته هنوز مرمت کامل صورت نگرفته است.

عکس 5: در عکس اثر رطوبت حاصل از بارش و نیز ترک‌های ناشی از آن

نمایان است.

عکس 6 و 7: نشانی از دخل و تصرف در بنا را در شکل می بینیم، قسمت زیر قوس که در ابتدا باز بوده - سپس با اجرای دیوار قسمت پشت آن به فضایی جداگانه مبدل گشته است و روزنی که به منظور تهویه فضای پشت ایجاد شده است.

عکس 8: نفوذ رطوبت و عارضه شوره در دیواره‌های شبستان تابستانی

مسجد معیری

عکس 9: نوعی دخل و تصرف در بنا، پوشاندن بازشوی فوقانی و زیرین در  
جداره دیواره‌ها در قسمت شبستان تابستانی در ضلع روبروی مناره متصل به  
دیواره مسجد.

عکس 10- نفوذ رطوبت و در نتیجه از بین رفتن خاصیت چسبندگی ملات

و فروریختن تعدادی از آجرها



11- نفوذ رطوبت و عارضه شوره: در اثر نفوذ رطوبت خارجی به داخل

مصالح از جمله آجر باعث برهم خوردن ساختار شیمیایی درون آن شده و باعث

ظهور شوره می شود. چون آن رطوبت که حاصل از نزولات جوی باشد با؟

شیمیایی موجود در هوا هم ترکیب شده و در آجر نفوذ می کند و سبب ظهور

شوره می شود.

12- نمونه بی توجهی در انتقال نزولات جوی به زمین که در اثر آن،

قسمتی از نمای بنا دچار آسیب و از بین رفتن بندهای بین آجرها و ایجاد مکانی

برای رویش پاره‌ای از گیاهان شده است.

13- تخریب قسمتی از ستون نمای ورودی یک منزل مسکونی.

14 و 15- نفوذ رطوبت حاصل از نزولات جوی و ازبین رفتن چسبندگی

ملات

در اثر نفوذ رطوبت در قسمت تزئینات زیر گنبد بنای مسجد معیری

مسجد معیر

1- ورودی شبستان مسجد معیر واقع در ضلع جنوب غربی

2- قوس های واقع در طبقه دوم مسجد

3- تزئینات گچ‌بری زیر گنبد مسجد معیر

4- تزئینات فیلیپوش زیر گنبد



5- پایه‌های ستون شبستان تابستانی به همراه مهارهای اتصال جهت نگه

داشتن تاق‌ها.

6- نمای داخلی بادگیر شبستان تابستانی.

7- محل اتصال قوس ها به پایه ستون ها

8- کفسازی حیاط مسجد معیر

9- ورودی آب انبار قدیمی مسجد که در حال حاضر مسدود شده و از آن

به عنوان انبار مغازه استفاده می‌شود.

10- رواق جنبه عربی مسجد معیر که ورودی حجره‌ها در آن قرار دارد.

11- تصویر بادگیر شهبستان تابستانی واقع در جبهه شمالی مسجد

12- دید گنبد از داخل معبر اصلی بافت شاپور - خیابان مهدویان احدی



13- بادگیرهای موجود در ضلع غربی ساختمان

14- نمای گنبد و مناره مسجد معیر که از داخل بافت دیده می شود.

بافت معیر

1- نمای ورودی حمام معیر

2- نمایی از معبر اصلی بافت معیر - خیابان مهدویان احدى

3 و 4- نمایی از ورودی یک خانه قدیمی با سردر آجری تزئینی

5- نمای دودکش حمام از داخل بافت

6- نمای داخل یک خانه قدیمی تخریب شده

7 و 8- نماى ورودى مسجد از داخل معبر اصلى



9- تیرهای چوبی سقف که پس از تخریب سقف نمایان شده است.

10- نمای ساختمان قدیمی به همراه حیاط آن در بافت معیر

1

بخش سوم

گذر وزیر دفتر

### – وجه تسمیه گذر وزیر دفتر:

همانطور که در برداشت کلی از بافت شرح داده شد پیدایش و شکل‌گیری استخوان بافت مورد بررسی از زمان قاجار و اوایل دوره پهلوی بوده است که به مرور زمان کاسته و گسترش یافته است.

این بازارچه دارای چند راسته بوده است که یکی از راسته‌های آن گذر وزیر دفتر است. این گذر که در بالای دروازه اصلی بازار قرار دارد یکی از محدود گذرهایی است که هنوز برجای مانده است و کاربری خود را حفظ کرده است. لیکن متأسفانه به دلیل عدم پیگیری‌های لازم اطلاعات دقیقی از این گذر در دست نمی‌باشد و پرس‌وجو از ساکنین قدیمی بافت نیز اطلاعات زیادی را در اختیار ما قرار نداده است.

در اینجا تنها می‌توان بر نقل قول یکی از قدیمی‌های محل اشاره کرد که وجه تسمیه این گذر را این‌گونه برای ما تعریف کردند: بیاد دارم که فردی به همین نام در این محل و یکی از کوچه‌هایی که به این گذر ختم می‌شده زندگی می‌کرده و چون یکی از بزرگان محل به شمار می‌رفته نام وی بر این گذر مانده است.

البته اینگونه می‌توان گفت که این نام به مرور و به خواست اهالی روی این گذر نهاده شده و هم‌اکنون نیز کاربرد دارد.

و اما همانطور که بیان شد هیچ گونه آمار دقیقی در اختیار نیست و قابل ذکر است که میراث فرهنگی استان تهران در برنامه‌های آینده خود، بررسی تاریخچه این بخش را گنجانده است.

### توسعه و تعمیرات: در دخل و تصرف انجام شده:

گذر مورد بررسی هنوز پایرجا و کاربری خود را دارد و لیکن با توجه به پیشینه آن تغییراتی نیز در آن انجام گرفته است بخشهای زیادی از گذر وجود دارد که نیاز به تعمیر و مرمت دارند.

کلیه مغازه‌ها و دکانهای ورودی بازارچه تخریب شده است و به دلیل فقر منطقه و کمبود ساختمانهای مسکونی، به کاربری مسکونی تبدیل گردیده است و حتی به 2 و 3 طبقه افزایش یافته است. به همین دلیل در بدو ورود به گذر نمی‌توان اثری از کاربری بازار دید که تمامی این بخشها نیاز به تعمیر دارد.

از اولین کوچه راسته که بگذریم دکانهای کوچکی با دهانه‌های 3 متری قابل مشاهده است اگرچه این دکانها نیز از دستبرد و دخل و تصرف ساکنین در امان نبوده‌اند.

همان‌طور که در بخش سازه‌ای پروژه بیان شد، صاحبان این دکانها برای گسترش فضای تجاری خود ستونهای زیر طاقها را بسیار نازک کرده‌اند و به

مساحت مغازه افزوده‌اند. که این در بسیاری از بخشهای این بافت به چشم می‌خورد.

طاقهائی که در زمان قاجار کل سقف راسته را تشکیل می‌داده دیگر دیده نمی‌شود و تنها در بخشی از گذر 3 تاق موجود است که 6 باب مغازه را دربر می‌گیرد.

توضیح کاملتر طاقها در بخش تزئینات و سازه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

با هرچه بیشتر وارد شدن در بافت و گذر، بیشتر و بیشتر از بافت سنتی محل دور می‌شویم و فضای کاملاً نامأنوس با بافت اصلی قابل مشاهده است.

در بخشهای میانی گذر مسجد شازده خانم وجود دارد، که به طور کامل تخریب و دوباره‌سازی گشته است و هیچ اثر و مدرکی از چگونگی این مسجد در دست نیست و با تخریب مسجد و بازسازی آن نمای مغازه‌ها و حجره‌های اطراف نیز تخریب و به نحوه نامطلوبی بازسازی گردیده‌اند و تنها حجره باقی مانده، حجره پیرمرد پنبه‌فروشی بود که یکی از منابع اطلاعات ما به شمار می‌رفت.

تخریب طاقهای بازارچه و تبدیل آن به کرکره مغازه‌ها نمای بسیار بدی را برای بازارچه به ارمغان آورده است.

بعد از مسجد چند حجره باقی مانده باز به بخشی می‌رسیم که کلیه مغازه‌ها و طاقها ویران و به کاربری مسکونی تبدیل شده‌اند و تا بخشی از راسته که شکست کوچکی دارد همین وضع ادامه پیدا می‌کند.

در شکست راسته چند مغازه هنوز به سختی کاربری خود را حفظ کرده‌اند. با گذر از این بخش دیگر اثری از بازار و راسته وزیر دفتر و چهره قدیمی و سنتی باقی نمانده است و به جای تمام طاقهای زیبا و چشم‌انداز فقط ساختمانهایی بسیار نامطلوب سربه آسمان کشیده‌اند.

#### – نوع بهره‌برداری مالکین بازارچه:

با توجه به نمای برداشت شده کاملاً مشاهده می‌شود که کاربری اکثر حجره‌ها به مسکونی تبدیل گشته است. با بررسی و پرس‌وجو از محل به این نتایج رسیدیم که علی‌رقم تغییر کاربری تجاری به مسکونی در بیشتر محل‌ها مالکیت هنوز در دست مالکین قدیمی محل می‌باشد و اکثراً ملک خود را حفظ و در آن سکونت دارند.

به خصوص در بخشهایی از بافت که هنوز خانه‌هایی با قدمتهایی بالای 80 سال وجود دارد. که هنوز کاربری خود را دارد، که البته قابل ذکر است که نیاز به تعمیر شدید دارد و دارای شرایط و موقعیت مطلوبی نیستند.

مالکین حجره‌ها نیز تا توانسته‌اند همان کاربری قبلی و فروش قبلی خود را دارند و مغازه‌های نوسازی شده بیشتر دارای کاربری‌های جدید شده‌اند که مالکین این مغازه‌ها نیز اکثراً از فرزندان ساکنین قدیم بوده‌اند. دور شدن از راسته اصلی گذر دفتر و وارد شدن بیشتر به بطن بافت، بیشتر و بیشتر شاهد مناظری هستیم که ساختمانهایی در حال ساخت هستند که هیچ سنخیت درستی با محل ندارند. و مالکین اصلی اینها بساز بفروشهایی بوده‌اند که زمینها را از قدیمی‌نشینیها خریداری و بازسازی کرده‌اند. متأسفانه به دلیل فقر ساکنین و یا کوچ جوانان از محل بخشهای زیادی از این منطقه بدست ساکنین غیربومی افتاده است که این نامأنوس بودن ساکنین با بافت سنتی موجب ایجاد فضاهای نامطلوب گردیده است.

#### – امتیازات هنری معماری بنا:

بازارچه از قدیم الایام یکی از بخشهای تشکیل دهنده هر شهر بوده است که محل اصلی جمع شدن مردم بوده است و تمامی بخشهای یک شهر در کنار راسته بازار تشکیل می‌شده‌اند. این شرایط در شهرهای اسلامی بیشتر قابل مشاهده است و نیز در این دسته از شهرها مسجد نیز المان معماری – اسلامی دیگری است که در کنار بازار تشکیل می‌شده است. که به بازار معنا و مفهوم کاملتری می‌بخشیده است.



مسجد شاهزاده خانم که قدمت آن به زمان تشکیل بازارچه باز می‌گردد، المان معماری - اسلامی است که تقریباً در وسط راسته گذر دفتر به وجود آمده است. این مسجد که به دلیل عدم توجه تخریب و کاملاً بازسازی شده است به سفارش فردی به نام شاهزاده خانم بنا نهاده شده است.

این مسجد با قرارگیری در وسط بازارچه و بری در حدود 2 حجره فضای میدان گاهی در وسط راسته ایجاد کرده است که محلی برای توقف و استراحت ساکنین شده است.

نمای در حال حاضر مسجد از سنگهای فیروزه رنگی پوشیده شده است که دارای طاقی بلند می‌باشد.

2 گلدسته در کنارهای مسجد دارای ارتفاع کمی هستند که بیشتر به دلیل عرض کم معبر عدم دید کامل آن می‌باشد. از دیگر بخشهای دارای ارزش محل حمام قدیمی است که بر گفته ساکنین قدمت آن به دوره پهلوی اول باز می‌گردد، این حمام به دلیل مالکیت آگاه هنوز پابرجاست. و به جز گچ کاری‌های ناشیانه دستکاری زیادی در آن ایجاد نشده است. مالکیت اصلی حمام در مجاورت حمام زندگی می‌کند.

ولیکن ورود به فضای اصلی حمام برای ما مقدور نبود.

المان معماری دیگری که تشکیل دهنده و معرف بازار است طاقهایی بوده‌اند که در قدیم بر روی کل راستای بازار وجود داشته است و معرف راسته اصلی بازار بوده است.

طاقها به نحوه‌ای اجرا می‌شده‌اند که هر طاق دو دهنه مغازه روبه‌روی هم دربر می‌گرفته است و در حدود 3 متر عرض طاقها به نحوه‌ای اجرا می‌شده‌اند که هر طاق در بخش میانی راسته باقی مانده است که 6 دهنه مغازه را فراگرفته است. بر روی سردر هر دهنه نیز قوس وجود دارد که از این المان هم دیگر به ندرت اثری به چشم می‌خورد و به دلیل دخل و تصرفی که در بافت به وجود آمده تخریب و یا از فرم اصلی خارج شده است.

المان معماری - اسلامی دیگری که در این راستا به چشم می‌خورد، وجود سقاخانه‌هایی در دو طرف مسجد می‌باشد که هنوز می‌توان گاهاً شمع‌های روشنی در آن مشاهده کرد.

#### - تاریخ احداث:

در اوایل دوره قاجاریه با گسترش هرچه بیشتر تهران و مرکزیت آن بخشهای زیادی در این شهر به تکامل رسیدند. بافت موردنظر در آن زمانی بیشتر به باغ و عمارتی معروف بوده است که در کنار دروازه قزوین قرار داشته است. همجواری با دروازه موجب گسترش این عمارت گردیده است. به نحوی که

دروازه به عمارت منتقل گردیده است و خود باغ در نقش دروازه شهر محسوب می‌گردد.

به دلیل عبور و مرور زیاد افراد از آن محل، با گذشت زمان این بافت به بازار تبدیل شد. و بازار که بخش اصلی یک شهر محسوب می‌گردد، به همراه خود فضاهای دیگری را تعریف و به وجود آورد و این تحول موجب گردید که فضای کاملی در این منطقه شکل بگیرد.

در اوایل پیدایش این بازار، بازار تنها دارای یک راستای اصلی بوده است که همان محل اصلی عبور و مرور بوده است. لیکن با توجه به رشد جمعیت و استفاده بیش از پیش از پیش از بازار، راسته‌های جدیدی حوالی راستای اصلی ایجاد شد و با توجه به موقعیت نام جدیدی بر روی آنها نهاده می‌شده است. راستای گذر وزیر دفتر از جمله همین راستاها می‌باشد که به مرور زمان و بنا به طلب جامعه ایجاد و شکل گرفته است و به وسیله اهالی محل نام وزیر دفتر بر آن نهاده شده است.

#### – محل قرارگیری و موقعیت فعلی:

راسته اصلی بازار، که همان راستای قوام‌الدوله می‌باشد در بخش میانی بافت قرار دارد. دهانه این راسته واقع در میدان وحدت اسلامی (شاپور قدیم) قرار دارد که امتداد آن تا منزل قدیم دکتر حسابی امتداد می‌یابد.

درست در بالای این راستا، گذر وزیر دفتر قرار دارد که باز هم دهانه اصلی آن به خیابان وحدت اسلامی می‌رسد و امتداد آن به سمت غرب ادامه دارد. خیابان وحدت اسلامی از خیابان انقلاب به طرف پایین امتداد دارد.

### – قومیت، زبان و نژاد:

در برداشت انجام شده مسئله زیبایی که به چشم می‌خورد همجواری مذهبهای مختلف در کنار هم بود، کنار هم قرار گرفتن مسجد و کلیسا، نشانگر آزادمنشی ایرانی می‌باشد.

بخش وسیعی از بافت مورد بررسی اراضی نشین بوده‌اند که تقریباً در انتهای گذر وزیر دفتر قرار گرفته‌اند. کلیسای مورد بررسی هنوز پابرجا و مورد استفاده قرار می‌گیرد. روزهای یکشنبه کلیه مسیحیان اطراف به این کلیسا روی می‌آورند و تجمع می‌کنند.

مسجد شاهزاده خانم با فاصله بسیار کمی در نزدیکی این کلیسا پذیرای مسلمانان منطقه می‌باشد.

مورد دیگری که قابل بررسی است وجود اهالی ترک زبان منطقه است. به طوری که تعداد آنها بسیار گسترش یافته است. و حتی او محل، ساختمان‌هایی را نیز ثبت کرده‌اند و هیئتهای آذربایجانی‌ها را تشکیل داده‌اند و محلی برای تجمع خود ایجاد کرده‌اند.

## – کمبود و کاستی های راسته:

به دلیل شکل گیری آرام آرام این محل، با رشد بافت کمبودها نیز برطرف شده اند و فقط مشکلاتی که به تازگی ایجاد شده قابل مشاهده است.

مسئله اصلی، نبود فضاهای مناسب تفریح و بازی کودکان است، که به دلیل کوچک شدن حیات ها، کودکان به کوچه ها پناه برده اند، که برای کودکان بسیار خطرناک و حادثه ساز گردیده است.

مورد بعدی نبود فضاهای جمعی است. در قدیم راستای بازار و فضاهای سکون این نیاز اساسی ساکنین را برطرف می نموده است. لیکن با تخریب این فضاها و ایجاد بناهای مختلف، ساکنین در محله های عبور می ایستند و اجتماع می کنند که به موجب ترافیک می گردد.

مخل دیگر این بافت وجود کوچه های باریک است که برای عبور خودروها مشکل ساز است این کوچه ها برای عبور ماشین طراحی نگردیده و هم اکنون هم بازنگری نشده اند. وجود جوی آب وسط هر گذر نیز خود مشکلی برای عبور و مرور بوده است.

1- عامل تخریب نمای آجری در نمای شکل روبرو رطوبت می باشد که به صورت عارضه شوره بروز کرده است. عامل بروز رطوبت ریزش باران و رطوبتهای نزولی بوده است.

تخریب نازک کاری و اندود نیز بر اثر رطوبتهای نزولی به وجود آمده است. دخل و تصرفات تأسیسات از جمله سوئیچهای برق نیز در این تخریب مؤثر بوده است. عدم تعادل دیگر این عارضه انقباض و انبساط ملاتها و اندودها بوده است که موجب ریزش لایه رویی گردیده است.

تغییر رنگ آجرها نیز در اثر حضور رطوبت نیز دلالت جوی و تغییر رنگ شورههای آجر بر اثر رسوب مواد معدنی داخل آب باران بر روی نمای آجری پدیدار گشته است.

2- عامل تخریب در بخشی از این عکس رطوبت نزولی می باشد که با  
عارضه تخریب نازک کاری در زیر سقف و تخریب نازک کاری در روی دیوار و یا  
پوسته شدن رنگ روی نازک کاری در همه دو بخش سقف و دیوار ظهور کرده  
است.

عارضه پوسته شدن رنگ روی می تواند به سبب استفاده از رنگهای  
نامطلوب و نامناسب با مصالح استفاده شده در نازک کاری بوده باشد.  
رطوبت در زیر نازک کاری و بخشهایی که بر اثر همین رطوبت تخریب شده  
است باعث کم شدن ملات بین آجرها و شسته شدن آن ملاتها گشته است.  
رد شدن سیمهای تأسیساتی و چسباندن کاغذهای تبلیغاتی با استفاده از  
مواد شیمیایی نیز بر این تخریبها کمک کرده است.

3- رطوبتهای نزولی و نیروهای سازه‌ای عامل اصلی تخریب در قوس شکل روبرو می‌باشد.

رطوبتهای نزولی با عارضه شوره در بخشهایی از قوس روبرو تخریب ایجاد کرده‌اند. در بخشهای دیگر از این قوس رطوبتهای نزولی باعث تخریب نازک‌کاری در این قوس گشته‌اند. لازم به ذکر است نیروهای سازه‌ای که به سازه این قوسها وارد می‌شود و بر اثر نیروهایی که در اطراف این سازه‌ها وجود دارند، پدیدار می‌شوند نیز یکی از عوامل مهم و کمک کننده برای تخریب این نوع قوسها به شمار می‌آیند.

نحوه عمل این نیروها بر روی سازه این قوسها در دیاگرامهای پروژه تحلیل و بررسی گشته‌اند.



4- رطوبتهای نزولی در این شکل عامل تخریب می باشد، عارضه حاصل از این عامل شوره و به تبع از آن عرض شدن رنگ ظاهری آجرها بوده است. حالت پوسیدگی در چرمهای کار گذاشته شده در جرز دیوار که به منظور انجام تعمیرات بعدی بیرون گذاشته شده است، کاملاً مشهود است. به دلیل آجری بودن دیوار و استفاده از ملات گاه گل رطوبتهای صعودی نیز می تواند درصدی از این تخریب را برعهده گرفته باشند.

5-رطوبت عامل تخریب در طاق روبرو می باشد، عوامل و نیروهای سازه ای نیز می تواند بر این تخریبها کمک کند. عارضه شوره و عارضه ریختن، نازک کاری عواملی هستند که بر روی طاق به خوبی قابل مشاهده هستند و عارضه دیگری که در بخشهای زیادی از نما قابل مشاهده بود تغییر رنگ آجرها می باشد که بر اثر نزولات جوی و رطوبت نزولی می باشد.

عارضه ریختن نازک کاری در بخش زیرین طاق به دلیل عدم تعادل انقباض و انبساط ملاتها می باشد که عامل مخل آن تغییر درجه حرارت و رطوبت می باشد.

6- در تصویر روبرو که یکی از طاقهای باقی مانده بافت می باشد عارضه ریختگی اندود رویی کاملاً قابل مشاهده است که عدم تعادل آن عدم چسبندگی مناسب در ماده مصالح به یکدیگر است که احتمالاً به دلیل متفاوت بودن انقباض و انبساط دو ماده بوده است که اینها به وسیله عامل مخل تغییرات دما و رطوبت به وجود آمده است.

لبه های تیز طاق نیز خراشیده و ریخته است که عامل اصلی آن ضربه هایی بود که به وسیله عامل انسانی زده شده است. تیز بودن لبه ها همواره در معرض فرسودگی و خوردگی قرار دارند.

7- عارضه اصلی قابل مشاهده در این تصویر ریختگی اندود رویی می باشد که عدم تعادل ان انبساط و انقباض مختلف مصالح بوده است که به دلیل رطوبت ایجاد شده است.

رطوبت عامل مخل است که عارضه شوره را نیز در این بخش ایجاد کرده، رطوبت نزولی موجب گردیده است که بر روی این دیوار شوره و تغییر رنگ آجر کاملاً مشهود گردد.

البته عارضه دیگر این عکس دخالت نامناسب انسانی است که تفاوت دو رنگ مصالح به خوبی قابل مشاهده است.

8-رطوبت عامل مخل اصلی در این بخش از طاق بوده است، رطوبت نزولی موجب گردیده است که عارضه ریزش اندود سطحی به چشم بخورد. و نیز تغییر رنگ آجرها و نیز شوره‌های روی آن به دلیل همین رطوبت نزولی بوده است. البته ریزش ملات‌ها می‌تواند به عدم تعادل انقباض و انبساط نیز در ارتباط باشد. در این تصویر دخالت‌های انسانی و آسیب‌های آن قابل مشاهده است. خراشهایی که به دلیل برخورد اشیاء بر روی طاق ایجاد شده‌اند.

10-9- بخش تصویربرداری شده نورگیر طاق بازارچه می باشد و به دلیل

در ارتباط بودن مستقیم با رطوبت آسیب های زیادی دیده است.

عارضه اولی که قابل مشاهده است خوردگی و ریختگی لبه نورگیر است،

که به دلیل مرور زمان و فرسودگی است و بخشی از آن هم به دلیل رطوبت و

وجود نزولات آسمانی به این شکل در آمده اند.

به نفوذ رطوبت به داخل طاق کاملاً عارضه شوره بر روی اندود قابل

مشاهده است که موجب تغییر رنگ بخشهایی از طاق گردیده است که از اثرات

رطوبت نزولی می باشد.

11- عوارض ناشی از رطوبت در این تصویر کاملاً هویدا است، که با دست کاری انسانی مشکلات بیشتری ایجاد کرده، لبه های تیز طاقها کاملاً خورده و گرد شده است که این به دلیل گذر زمان و استهلاک می باشد.

عارضه دیگر که عامل انسانی داشته است وجود خراشهایی است که به دلیل برخورد اشیاء ایجاد شده است.

دوده هایی که بر روی طاقها دیده می شود در اثر سیم کشی غلط بافت ایجاد شده است.

فضای گچ و خاک شده فضایی است که به وسیله عوامل انسانی ایجاد شده است. که در پی تخریب و قوس بالای حجره و ایجاد فضایی صاف برای پوشش سطح بالا از این حرکت فاجعه استفاده شده است.

12-رطوبت در اینجا نیز عامل مخل اصلی می باشد که عوارض زیادی به همراه داشته است.

رطوبت نزولی موجب گردیده است که اندوذهای رویی کاملاً شسته شده و ازبین برود.

ملاطهای بین آجرها و بندکشی های ازبین رفته عارضه دیگری است که عدم تعادل آن رطوبت نزولی می باشد شوره و تغییر رنگ آجرها نیز حاصل از رطوبت نزولی که بالای طاق رسیده است ایجاد شده.

شسته شدن ملات بین آجرها بسیار خطرناک بوده و احتمال سقوط آجرهای تشکیل دهنده طاق وجود دارد.



13-رطوبتهای نزولی و مرور زمان و فرسودگی بنا در این تصویر عامل مخلی هستند که عارضه تغییر رنگ آجرها را حاصل کرده‌اند. چوبی که در طاق در اوایل ساخت قرار داده شده است نیز به دلیل قارچها و رطوبتها در حاصل پوسیدگی و نیاز به تمهیداتی دارد. ملاتهای بین آجرها نیز بر اثر گذر زمان و عامل مخل رطوبت شسته و رفته است.

14- همان طور که شرح داده شد مالکین حجره‌ها به تخریب طاق‌ها

پرداخته‌اند و همانطور که مشاهده می‌کنید تمهیدات سستی را جایگزین آن کرده‌اند.

سیم‌کشی‌های غلط و نابجا موجب خرابی بخش‌های زیادی از طاق گردیده

است. و باز نیز عامل مخل رطوبت به پیدایش عارضه شوره و تغییر رنگ آجر انجامیده است که عدم تعادل آن رطوبت نزولی بوده است.

15- در این تصویر هرچه بیشتر از پیش تخریب و دستبرد انسانی به

طاقهای سنتی قابل مشاهده است که با مصالح پر شده است.

16-رطوبت در این تصویر عامل مخل بوده است که پدیده شوره و لکه گذاری را ایجاد کرده است این رطوبت، رطوبت صعودی بوده است که از سطح خاک کم کم بالا آمده و تا ارتفاع 1 متر هم رسیده است. خورده شدن بندکشی های بین آجرها نیز بر اثر رطوبت بوده است که این رطوبت، از نوع نزولی می باشد.

17- آبچکان اجرا شده کاملاً اشتباه و غیراصولی بوده است که همراه خود

پیامدهایی را دربر داشته است.

رطوبت حاصل از نزولات آسمانی موجب ایجاد شوره بر روی دیواره بنا

گردیده است و تغییر رنگ لایه رویی در اثر همین رطوبت نزولی بوده است.

فرسودگی هم یکی از علل تخریب بنا محسوب می‌گردد.

18- تصویر روبرو بخشی از بافت محسوب می‌گردد که به دلیل عدم استفاده و عدم رسیدگی مستهلک گردیده است و عامل فرسودگی موجب تخریب این قسمت گشته است.

دستبردهای انسانی در بخشی از طاق که کاملاً ناآگاهانه بوده، موجب گردیده است که در نحوه اجراء طاق دخل و تصرف گردد. نیز در اثر رطوبت، نزولی گچ‌کاری‌ها تغییر رنگ بدهند.

و نیز در اثر انقباض و انبساط که ناشی از تغییر دما و رطوبت بود بخشی از طاق اجرایی فرو بریزد و لکه‌برداری کند.

19-20-تصویر روبرو بخشی از بنایی است که به دلایلی دچار آتش‌سوزی گردیده است و در حال حاضر متروکه است. دوده‌های موجود بر روی آجرها نشانگر آتش‌سوزی بوده است. و ریختگی دیواره‌ها در اثر رطوبت‌ها نزولی و نیز انقباض انبساط بوده است که ناشی از تغییر ناگهانی هوا بوده است. البته قابل ذکر است آتش‌سوزی و عدم کاربری بنا نیز دلایلی مهم در تخریب بنا بوده است. تمهیداتی خاص توسط ساکنین محل اجرا شده که موقتی و برای جلوگیری از تخریب بوده است.

21- عارضه ترک در این محل کاملاً قابل مشاهده است که عدم تعادلی آن وجود رطوبتهای نزولی بوده است که عامل مخل رطوبت منشاء آن می باشد. ریختگی و جدا شدن اندود رویی نما که بر اثر عدم تعادل انقباض و انبساط به وجود آمده و دارای عامل مخل رطوبت و تغییر درجه هوا بوده است. عامل رطوبت در این تصویر عارضه شوره و تغییر رنگ را نیز به همراه داشته است که عدم تعادل آن رطوبتهای نزولی می باشد.



22- تصویر گویای از بین رفتن قسمتهای پایینی دیوار می باشد که این عارضه به دلیل عدم تعادل رطوبتهای صعودی بوده است که به وسیله رطوبتهای ناشی از سطح زمین به دیواره بنا دارد و طبق خاصیت موینگی به سطوح بالایی رسیده است.

این عدم تعادل موجب از بین رفتن اندود رویی و لکه گذاری شده است. ایجاد امکانات رفاهی جدید مانند گاز، ساکنین را مجبور کرده است که خرابی های بر روی دیوارها و جرزها ایجاد کنند که موجب ضعیف شدن دیوار و نیز و ایجاد فضایی نامناسب گردیده است.

عامل دیگری که در این تصویر مشخص است ایجاد خرابی ها و خوردگی های کنار کتیبه است. این خرابی که در اثر انقباض و انبساط است به این دلیل ایجاد گردیده است که مواد بکار رفته دارای انقباض و انبساط متفاوتی بوده اند و این امر به مرور زمان موجب جداسازی و ترک و سپس ریختگی جداره ها گردیده است که این مهم به وسیله عامل مخل تغییر درجه دما به وجود آمده است.

23- عامل تخریب نمای آجری در نمای شکل روبرو رطوبت می باشد که به صورت عارضه شوره و لکه نمایان گردیده است و عامل مخل آن رطوبت، نزولی بوده است.